دو درس بزرگ امام خمینی در یک نشست کوتاه

در صفحه ۲

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۱۱۸، دورهٔ سوم، دوشنبه ۱۰ اسفند ماه ۱۳۶۰، برابر با ۵ جمادی الاول ۱۴۰۲ و ۱ مارس ۱۹۸۲، بها ۳۰ ریال

ایران و جبههٔ جهانی ضد امپریالیستی

حجت‌الاسلام سید علی خامنه‌ای، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران هفته‌گذشته با آقای یومیل اوریان وزیر تجارت خارجی چکسلواکی، که به ایران آمده بود، دیدار و گفت‌وگو کرد.

رئیس جمهور در این دیدار از جمله گفت:

"همه‌کشورهای مترقی عالم باید با استحکام پیوندهایشان جبهه‌مستحکمی علیه امپریالیسم و اقمارش در سطح جهان بوجود آورند." (اطلاعات – ۳ اسفند ۱۳۶۰)

واقعیت جهان معاصر موید سخنان رئیس‌جمهوری اسلامی ایران است. در جهان ما دو جبهه بیشتر نیست: جبهه ضد امپریالیستی و جبهه امپریالیستی.

در جبههٔ اول، همه کشورها و جنبش‌های مترقی، انقلابی، و ضد – امپریالیست جهان، صرفنظر از عقاید سیاسی، مسلکی، مذهبی شان،

بقیه در صفحه ۷

امپریالیسم آمریکا ابرجنایتکار تاریخ!

(واقعیت ها و اعتراف ها)

هر اندازه که نبرد توده‌ها، برای احقاق حقوق انسانی خود، در سراسر جهان دامنه و ژرفای بیشتری می‌یابد، برده‌داران سرمایه‌داری امپریالیستی هارتر می‌شوند.

اخیرا رنالد ریگان دستور داده‌است که "سیا" در خود آمریکا بر دامنهٔ رسوخ و نفوذ در سازمانها، گوش کردن تلفن‌ها، تعقیب کسانی که مورد سوءظن قرار گیرند، خواندن نامه‌ها و ... بیفزاید. در انگلستان ۲۲ میلیون نفر پرونده کمپیوتری دارند. در آلمان غربی "لیست سیاه" شامل صد هزار نفر است!

یکی از کارمندان ارشد "سیا" بنام "روزیتس که" (H·Rositzke) در کتاب خود بنام "عملیات سری سیا" (چاپ نیویورک سال ۱۹۷۷) چنین نوشت:

"رئیس جمهورهای آمریکا منظما "سیا" را بعنوان افزاری مورد استفاده

بقیه در صفحه ۱۰

قاطعیت انقلابی آری خشم کور هرگز!

انفجار بمب در میدان عشرت آباد تهران – تازه ترین جنایت آمریکای جهانخوار را بشدت محکوم می کنیم.

در صفحه ۲



ژولیت در خون نوجوانی خود غوطه‌زد. این کودک زیبا را بمب آمریکائی تکه‌تکه کرد. اما، هدف اصلی او و دیگر قربانیان بیگناه جنایت شوم دشمن اصلی – آمریکا نبودند. هدف آمریکا این است که خشم و انتقام کور جانشین قانون شود، گروه‌های مختلف مردم بجان هم بیفتند و در جنگی خانگی، همهٔ ژولیت‌ها تکه‌تکه شوند، تا آمریکا صاحب دوباره وطن ما شود.

ولی درایت رهبر انقلاب نشان داد که دشمن کور خوانده است.

پیروزی بر تجاوزگران صدامی شکست آمریکاست

هفته گذشته رزمندگان دلاور جمهوری اسلامی ایران، در حملات گسترده خود ضربه دیگری بر متجاوزین صدامی وارد آوردند. بنا بر گزارش‌های رسیده، نیرو – های مسلح جمهوری اسلامی ایران – ارتش سپاه و بسیج – با هماهنگی کامل موفق گشتند که نیروهای متجاوز صدامی را در "تنگ حزابه" مجبور به عقب نشینی سازند و کنترل کامل این منطقه را در دست گیرند. این عملیات از این جهت حائز اهمیت است که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با کنترل این منطقه توانستند ارتباط بخش شمالی و جنوبی جبهه‌های جنگ را قطع کنند.

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس و نماینده امام در شورای عالی دفاع، پس از جلسه این "شورا"، در ارتباط با این پیروزی گفت:

"این عملیات از این جهت جالب بود که ما عملیات خودمان را درست همانجایی که صدام با حضور خودش نیروی زیادی جمع

بقیه در صفحه ۱۲

مبارزهٔ طبقاتی در روند انقلاب ما رو به حدت میرود

بقیه در صفحه ۱۵

رئیس دیوانعالی کشور دبیرکل جامعهٔ روحانیت مبارز و آزادیهای سیاسی

امسال سال قانون است (امام خمینی)

اکنون، نیروهای راستین پیرو خط امام خمینی و به‌ویژه مسئولین قضائی کشور برآنند، تا این فرمان رهبر انقلاب را اجرا کنند. کوشش همه‌جانبه‌ای برای استقرار قانون در جامعه دنبال می‌شود، که بخشی از آن مربوط به اجرای قوانین جمهوری اسلامی ایران و نظریات رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مسئولان درجه اول کشور درباره آزادی‌های سیاسی است.

ما برای آنکه، به‌سهم خود، در این زمینه هم به استقرار قانون یاری رسانده باشیم، نظریات و قوانین موجود را درباره آزادی‌های سیاسی به‌ترتیب منتشر می‌کنیم. در شماره‌های پیش نظریات امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، شهید بهشتی، شهید مطهری، حجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهور، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، آقای میرحسین موسوی نخست‌وزیر، حجت‌الاسلام موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب اسلامی و شهدا: رجائی، باهنر و قدوسی را منتشر کردیم. در این شماره نظریات آیت‌اله موسوی اردبیلی رئیس دیوانعالی کشور و آیت‌اله مهدوی کنی نخست‌وزیر سابق و دبیرکل جامعه روحانیت مبارز از نظر خوانندگان می‌گذرد.

رئیس دیوان عالی کشور:

"آزادی‌ها تامین می‌شود، تا مردم به‌قانون احترام بگذارند." (۲ اسفند ۱۳۵۹)

دبیرکل جامعهٔ روحانیت مبارز:

"در حکومت اسلامی، آزادی در تمام زمینه‌ها برای همه احزاب و سازمان های سیاسی وجود خواهد داشت." (خطبه‌های نماز جمعه، ۲۱ فروردین ۱۳۶۰ – نقل از اطلاعات، ۲۲ فروردین ۱۳۶۰)

آیت‌اله مهدوی کنی طی یک مصاحبه با روزنامهٔ اطلاعات درباره چگونگی اجرای اعلامیه ۱۰ ماده‌ای دادستان کل انقلاب اسلامی در پاسخ این سئوال که: "آیا گروه‌هائی که اعلامیه ده‌ماده‌ای دادستانی را قبول کنند، می‌توانند دفتر و روزنامه داشته باشند؟" چنین پاسخ داد:

"مسئله دفتر و روزنامه قهرا مطرح می‌شود و بعضی از گروه‌ها هم آنرا مطرح کرده‌اند، که حالا که به ما اجازه اجتماع و تجمع داده‌اید پس اجازه دفتر هم بدهید... ما امیدواریم که بتوانیم به گروه‌هائی که ابراز حسن نیت می‌کنند، همه این درخواست‌هایشان را انجام بدهیم و اگر اجازه داده شد، طبعا امنیت این دفاتر هم تامین خواهد شد." (اطلاعات – ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۰)

به پیشواز ۸ مارس روز همبستگی جهانی زنان

امنیت شغلی زنان تهدید میشود

ایران با دست مرد تنها درست نمی‌شود مرد و زن باید با هم این خرابه را بسازند

امام خمینی

بقیه در صفحه ۳

عید برای دهقانان تهیدست

آیا اسفندماه، ماه سرنوشتی خواهد بود؟ آیا عید دهقانان زحمتکش، امسال عید واقعی خواهد شد؟ اخبار مربوط به اصلاحات ارضی و تعهد دولتمردان پیروخط امام وشواهد مختلف، دال براین که به زودی زود قانون واگذاری زمین به‌دهقانان تهیدست به مجلس خواهد رفت و مصوبهٔ قبلی شورای انقلاب و سه فقیه، به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید، این امید را می‌آفرینند که، پاسخ‌پرسش‌های فوق مثبت باشد.

گفته های سودمندی به عمل بدل گردند

دربارهٔ اجرای قانون اصلاحات ارضی بنیادی، که سه سال تمام است مسئولین ونیروهای متعهد و انقلابی و بیش از همه خود دهقانان تهیدست بر لزوم اجرای آن پای می‌فشارند و اجرای آن را روزشماری که هیچ، لحظه شماری می‌کنند، طی چند هفتهٔ گذشته شاهد موضع‌گیری‌های مثبت و اظهارات امیدبخش دولت‌مردان و مقامات متعهد و مسئول و نهادهای انقلابی بودیم. موضع‌گیری

بقیه در صفحه ۴

صنایع سنگین، پایه‌های استقلال اقتصادی و پیشرفت اجتماعی

بقیه در صفحه ۷

در صفحات بعد

انحلال شوراهای کارخانه ذوب آهن اصفهان بسود انقلاب نیست

صفحه ۱۴

سند آموزنده‌ای از متن تاریخ

ستون احزاب و جمعیتها

صفحه ۱۲

جمهوری عربی سوریه در سیاست خارجی دارای مشی پیگیر ضد امپریالیستی – ضد صهیونیستی است

صفحه ۸

MANCHESTER
1824
The University of Manchester

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing.

قابل توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک, لطفآ به لینک زیر مراجعه فرمایید:

http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing

بر اساس این مقررات, هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

دو درس بزرگ امام خمینی

در یک نشست کوتاه

"**برخورد پیامبر گونهٔ امام** در این حادثه برای ما درس بود. درست **همان لحظاتی که خبر این جنایت هولناک (جنایت انفجار بمب در میدان عشرت‌آباد تهران) را به امام عرض کردند و ما در حضورشان بودیم، همان لحظاتی بود که ایشان توصیه میکردند به رئیس دیوان‌عالی کشور، که سعی کنید در زندان بی‌گناه نداشته باشیم، یا گناهکار قابل عفو نداشته باشیم. این برخورد، برخورد ماست و این راهی است که برادران در دادستانی انقلاب، در زندانها و هرکجا که با مخالفان و دشمنان مواجه هستند، باید پیش بگیرند...**"

این بخشی از سخنان **حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی** در جلسه روز چهارم اسفند ۶۰ مجلس شورای اسلامی است که در آن، رئیس مجلس تحلیل درستی از جنایاتی که ضدانقلاب در کشور مرتکب میشود، ارائه داد. رئیس مجلس بدرستی "**همه گروهک‌های ضد‌انقلاب ومحارب**" را مسئول این گونه جنایات و "ریشه" آنهارا در آمریکا و فرانسه ("مرکز تجمع این جنایتکارها") دانست، هدف‌های آنها را برشمرد و روی این هدف مهم آنها انگشت تاکید نهاد که:

"**میخواهند حکومت اسلامی را به خشونت وادارند... که چهره جمهوری اسلامی را در دنیا بد نشان دهند... اما ما در این دام نباید بیفتیم. ما باید راه خودمان را برویم، بر اعصابمان مسلط باشیم، با مجرم مثل مجرم رفتار کنیم، با تائب مثل تائب رفتار کنیم، با اصلاح‌پذیر مثل اصلاح‌پذیر رفتار کنیم و با جانیان مثل جانیان بالفطره همانطور که قرآن از ما خواسته عمل کنیم زیرا ما مسلمانیم.**"

خلاصه، قاطعیت در برابر ضد‌انقلاب جنایتکار و از سوی دیگر سعهٔ صدر، حسن سلوک، ارشاد، جلب و جذب در برابر افرادی که روزی نا‌آگاهانه به راه خطائی رفته‌اند، ولی قابلیت بازگشت به راه انقلاب را دارند.

درس بزرگ **امام خمینی** که پیروان صدیق امام آموخته‌اند و در بکار بردن آن میکوشند، در این خلاصه نمیشود که "**در زندان بیگناه نداشته باشیم یا گناهکار قابل عفو نداشته باشیم.**" در این هم خلاصه نمیشود که به دام خشونتی نیفتیم که ضدانقلاب جنایتکار می‌خواهد جمهوری اسلامی ایران را در آن بیفکند. نتیجه‌گیری از این درس میدان بس وسیعتری دارد، که به تعبیر آقای **رفسنجانی**، در پیام تلویزیونی در آستانه سومین سالگرد انقلاب، ساختن "**چهره مطلوب**" از نظام جمهوری اسلامی ایران است، تا بتواند برای دیگر خلق‌هائی که میخواهند خود را از اسارت رژیم های سرکوبگر دست‌نشانده امپریالیسم رها کنند، "**الگو**" قرار گیرد و قابل تقلید باشد.

"**دیکتاتوری در اسلام بزرگترین گناه است.**" (**امام خمینی**)

"**هرکس ما دیدیم خدمت میکند به ملت، به جمهوری اسلامی، ما باید تقویتش بکنیم... انحصارطلبی یک آفت بزرگی است.**" (**آیت‌الله منتظری**)

"**...اگر ما خیال کنیم که با سرکوب حرکت‌های سیاسی می توانیم برسیم به آن نقطه مطلوب، این نمیشود باید محیط آزاد باشد، باید افراد افکارشان را بگویند، باید بتوانند گروه تشکیل دهند، باید بتوانند کلوپ داشته باشند، روزنامه داشته باشند، حرفهایشان را بیایند بزنند، اینها باید باشد. در چنین محیطی رشد می کند انسان، در محیط آزادی اینجوری. آنهائی که تروریسم درست کردند و خواستند این (آزادی‌ها) نباشد دشمنان اصلی خواستند این چیز را از ما بگیرند وما نباید در این دام بیفتیم البته با واقع بینی عمل کنیم.**" (حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی)

قاطعیت در سرکوب ضدانقلاب جنایتکار، رافت درباره "گناهکاران قابل عفو" و جلب و جذب آنان، تامین آزادی فعالیت سیاسی احزاب و سازمان‌های مدافع انقلاب ـ چنین است "**خط امام**" و نتایجی که از نخستین درس بزرگ **امام خمینی** در نشست کوتاه روز سوم اسفند، باید گرفت و بکار بست، تا انقلاب نیرومندتر شود و "**چهره مطلوب**" چهره "**الگو**" به خود بگیرد.

درس بزرگ دیگری که **امام خمینی** در نشست کوتاه روز سوم اسفند دادند، درس شیوه عمل قاطع در غلبه بر موانعی است که بر سر راه تحول بنیادی بسود مستضعفان وجود دارد **عدالت اجتماعی** ـ چنان که همه پیروان صدیق خط امام، همه مسئولین متعهد پیرو خط امام بکرات تائید و تاکید کرده‌اند ـ از عمده هدف های انقلاب است. اگر این عدالت اجتماعی عملا تحقق نیابد، جمهوری اسلامی ایران "**چهره مطلوب**" نخواهد داشت که سهل است، خود انقلاب از پایه سست خواهد شد. **امام خمینی** شیوه عمل را در نمونه برخورد با موضوع لایحه اراضی شهری نشان دادند. رئیس مجلس در این زمینه گفت:

"**ما امروز خدمت امام آمدیم که بالاخره تشخیص ضرورت با مجلس است یا باشورای نگهبان؟ ... امام فرمودند تشخیص ضرورت بامجلس است بانظرخبرگان، وشورای نگهبان در این جهت دخالتی نباید بکند.**"

درس اینستکه وقتی بحث و جدل برسر موضوع‌هائی مربوط به رفع ستم از ستمدیدگان، مهار ستمگران و غارتگران اجرای عدالت اجتماعی است، دیگر نمی‌توان و نباید امروز و فردا کرد، در برابر موانع ایستاد، تحول بنیادی بسود مستضعفان را متوقف یا سست کرد.

سه سال از انقلاب می‌گذرد دو مسئلهٔ اصلاحات ارضی، رفع ستمگری و غارتگری فئودالها و بزرگ زمینداران، واگذاری زمین به زحمتکشان ستمدیده و غارت شده روستا ـ این میلیونها مردم محرومی که از پشتوانه‌های اصلی انقلاب‌اند، هنوز حل نشده و لایحه آن، که به تصدیق عالیترین فقها نیز صد درصد اسلامی است، در پیچ وخم بحثها و جدل‌ها گرفتار است. سه سال از انقلاب می‌گذرد و هنوز بازرگانی خارجی، چنان نیم بند دولتی شده، و چنان هنوز در معرض نفوذ و دخالت مخرب سرمایه بزرگ بازرگانی وابسته است، که احتکار، کمبود و گرانی شلاق‌کش به پیش می‌تازد. در این مدت سه ساله در مورد رفع بیکاری و فراهم کردن اشتغال می‌توان گفت که جزو عده هیچ عمل اساسی صورت نگرفته است. در یک کلام، غیر از برخی کوششهای فداکارانه از جانب "**جهاد سازندگی**"، برخی اقدامات برای توزیع عادلانه برخی کالا‌های کثیرالمصرف ونظائر اینها عملی بنیادی برای برقراری **عدالت اجتماعی** انجام نشده است. در این مدت حتی به وضوح مشاهده می شود که ثروتمندان ثروتمندتر و فقرا فقیرتر شده‌اند، زیرا میدان غارت فقرا توسط غارتگران هم‌چنان باز بوده است. کارشکنی لیبرال‌ها قبول، ولی بعد از اینکه حکومت (هر سه قوهٔ مقننه، اجرائی و قضائی) بطورکلی در دست پیروان "خط امام" قرار گرفت، تاکنون، هفته پشت هفته و ماه پشت ماه می‌گذرد وما در زمینه تحقق **عدالت اجتماعی** "همچنان بر سر یک کوچه مانده‌ایم"، واین درحالی است که دیگر به قول امام، "**عذری باقی نمانده**" و بگفتهٔ رئیس جمهور رسیدگی به مستضعفین "**دیر**" شده است.

درس بزرگ **امام خمینی** اینست که در این زمینه، درزمینه اجرای **عدالت اجتماعی**، باید قاطع بود. قاطعیت در اجرای **عدالت اجتماعی**، نیاز انقلاب ضرورت انقلاب، حافظ انقلاب، ضامن انقلاب، سلاح پیروزی بی برگشت انقلاب است.

قاطعیت انقلابی آری، خشم کور هرگز!

بقیه از صفحه اول

انفجار بمب درمیدان عشرت‌آباد تهران ـ تازه‌ترین جنایت آمریکای جهانخوار را بشدت محکوم می‌کنیم.

جنین ۵ ماهه خانم **پاکروان** ـ که در بمب‌گذاری جنایتکاران مجروح شد ـ، هنوز به دنیا نیامده، **روز سوم اسفند ۶۰**، سالروز کودتای امپریالیسم ساخته رضاخان میرپنج، ودر انفجار یک بمب آمریکائی، طعم ماهیت جنایتکار وخونبار امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا را چشید.

روز سوم اسفند ۶۰، ژیلبرت و ژولیت سکانیان، دانش آموزان کلاس دوم دبستان الیک، "**مرگ برآمریکا**" بر دهان‌های کوچک‌شان حک شد، وتکه‌های تن‌شان، به شهادت جنایت آمریکا، در میدان عشرت‌آباد تهران، بر درخت‌ها، دیوارها، برکف خیابان، برجوی آب، روی قلب همکلاسی‌هایشان، در سراسر ایران، السالوادور، ویتنام، نیکاراگوئه آنگولا... پاشید. روز سوم اسفند ژولیت‌های دنیا، با خون‌شان نوشتند: **مرگ برآمریکا!**

روز سوم اسفند ۶۰، جسد مرد گمنامی، قربانی همان انفجار، به پزشک قانونی تهران انتقال یافت. او یکپارچه گواه دد منشی آمریکا بود. **اما** تن‌های رفتگرهای شهرداری، که دست‌های پینه ـ بسته‌شان، که پینه‌های دستشان، با زباله‌ها در هم آمیخت، که چشمان‌شان را بر تیرهای چراغ برق آویختند، تا شاهد همیشه بیدار مرگ آمریکا باشند، که از قلب‌شان جز صدای "**مرگ برآمریکا**" چیزی باقی نماند، که دهانشان را به دهان همه رفتگران جهان وام دادند، تا صدای "**مرگ برآمریکا**"، در هیچ نقطهٔ جهان، خاموشی نگیرد، پاره‌پاره شد.

وسه پاسدار، سه شاخه گل، اندام جوانشان روز سوم اسفند ۶۰ در خون غوطه خورد تا فریاد "**مرگ برآمریکا**" خاموش نشود. سه پاسداری که زندگی‌شان سراسر رزم و ایثار علیه دشمن اصلی خلق بود، با بمب همان آمریکا به انبوه شهیدان پیوستند. سه پاسدار، سه شاخهٔ گل، که در زمستان حیاتشان، بهار خلق را نوید دادند.

روز سوم اسفند ۶۰، افرادی از چند نسل ایرانی، در خون خود فرو غلطیدند، تا یادمان نرود که "**آمریکا دشمن شماره یک مستضعفین جهان است**". تا یادمان نرود که آمریکا و مزدوران داخلی و خارجیش، هرپیروزی انقلاب ما را با خون جواب می‌دهند، با بمب جواب می‌دهند. در عشرت آباد جواب می‌دهند... در اسلام‌آباد، در پاوه، در اهواز. تا یادمان نرود که در ازای هر گام که درجهت استقرار قانون ـ قانون انقلاب برمی‌داریم، وتاوقتی که هنوز همه گام های لازم را برنداشته‌ایم، آمریکا و تفاله‌هایش قلبی، قلب هائی ازما می‌ستانند.

آری، آمریکائی‌ها، روز سوم اسفند ۶۰، عزم شان را برای شکست انقلاب ما، درمیدان عشرت‌آباد، برای چندمین بار منفجر کردند. اما خون ژیلبرت، خون آن مرد گمنام، دست‌های پینه بسته رفتگران شهرداری و چشمان باز آنها میدان عشرت‌آباد را تعمید انقلابی داد وسیاهی بازهم برآمریکا ماند.

آری، بازی همان بازی است وطرح همان طرح. درست هنگامی که از قانونیت و اجرای قوانین انقلابی سخن می‌رود اینجا بمبی منفجر می‌شود، تا آنجا صدای نفاقی برخیزد که چرا قانون؟ درست هنگامی که **امام خمینی**، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران برلزوم پیگیری روند قانونی شدن و جریان باز‌گشت آزادیهای قانونی وآزاد شدن زندانیان بیگناه و زندانیان نادم تاکید می‌کنند. ودرست همان‌گاه که **امام خمینی** تشخیص "ضرورت" را برعهده مجلس شورای اسلامی می‌گذارند، تا هر چه زودتر برای "این پائین شهری‌ها" فکری شود، فکری اساسی، اینجا بمبی منفجر می‌شود، تا آنجا صدای شومی برخیزد که با منسی کردن آمریکا وپنهان کردن دست خونین "عموسام"، انقلاب ما را از راه مقدسش بازدارد و دوباره اندازی گردوخاک، چشم های رفتگران شهرداری رابربالای تیرهای چراغ برق ببندد، که گواه جنایت آمریکا نباشند.

آری، بازی همان بازی است و، طرح، همان طرح. آمریکا می‌خواهد با حاکمیت ترور، حاکمیت انقلابی را پایمال کند. تفاله‌های آمریکا می‌خواهند هم ژیلبرت را بکشند وهم هموطنان بیگناه ویا نادم ژیلبرت را در زندان وهم انقلاب را. آنها می‌خواهند جنین ۵ ماهه خانم **پاکروان**، "**مرگ برآمریکا**" را فراموش کند، می‌خواهند جسد محمد ابراهیم جعفری، نه در آرامش، که در هرج و مرج، که در ترس، که در بی قانونی، به خاک سپرده شود، واین عین توطئهٔ آمریکاست. آمریکا می‌خواهد انقلاب شکوهمند ما تثبیت و تحکیم نشود و گسترش نیابد. آمریکا وعمال داخلی و خارجی‌اش برایمان دام گسترده اند، دامی که رهبران جمهوری اسلامی ایران با روشن بینی تمام آن را چنین افشا میکنند:

"**می خواهند حکومت اسلامی را به خشونت وادارند. اینها می خواهند کارهائی بکنند که از لحاظ روانی جمهوری اسلامی وادار به خشونت بشود و چهره جمهوری اسلامی را در دنیا بد نشان بدهند... عراق خواست در اسلام آباد ما را به خشونت بکشد ومنافقین ما راخواستند درتهران به خشونت بکشانند، اما ما در این دام نباید بیفتیم، ما باید راه خودمان را برویم براعصابمان مسلط باشیم، با مجرم مثل مجرم رفتار کنیم، با تائب مثل تائب رفتار کنیم وبا اصلاح‌پذیرها مثل اصلاح‌پذیر رفتار کنیم. و با جانیان مثل جانیان بالفطره...**" (سخنان حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی ـ ۴ اسفند ۱۳۶۰)

این هشیاری وبرخورد انقلابی در برابر دام خطرناکی که ضدانقلاب، پیش پای انقلاب گسترده است، ناشی از رهبری مدبرانه **امام خمینی** است:

"**دیروز برخورد پیامبرگونه امام دراین حادثه برای ما درس بود. درست همان لحظاتی که خبر این جنایت هولناک را به امام عرض کردند و ما درحضورشان بودیم، همان لحظاتی بود که ایشان توصیه می‌کردند به رئیس دیوانعالی کشور، که سعی کنید درزندان بیگناه نداشته باشیم، یا گناهکار قابل عفو هم نداشته باشیم. این برخورد، برخورد ماست و راهی است که برادران در دادستانی انقلاب، درزندان‌ها و هرکجا که بامخالفان ودشمنان مواجه هستند، باید پیش بگیرند...**" (همانجا)

آری، راه ما این است. انقلاب درپس هر توطئه، درپی یافتن عاملان آن ـ شبکه‌های ضدانقلابی ساواک وسیا ـ تلاش می‌ورزد وجنایتکاران را سرکوب می‌کند. مهمتر از این، هشیاری برای جلوگیری از توطئه‌های بعدی است این نیز بدون پیگیری وسرکوب عمال مستقیم آمریکا ورهبران خائن گروهکهای ضد‌انقلابی ممکن نیست. اما در همه احوال انقلاب به خشم نمی‌آید. انقلاب در عین قاطعیت، هشیاری وخونسردی خود راحفظ می‌کند. انقلاب در دام دشمن نمی‌افتد و انفجار کور را با خشونت کور پاسخ نمی‌دهد.

دندان شکن‌ترین پاسخ انقلاب به هرتوطئه ضدانقلابی، کوشش همه جانبه درجهت استقرار قانون وامنیت است. انقلاب می داند که تنها با تعمیق انقلاب اسلامی ضدامپریالیستی ومردمی ایران است که می‌توان براین توطئه‌ها نقطهٔ پایان گذارد. وآمریکا ازهمین درهراس است.

در ادامه این راه پافشاری کنیم...

بمناسبت ۸ مارس
روز همبستگی جهانی زنان

امنیت شغلی زنان تهدید می شود

اخراجها و پاکسازی‌های بی رویه‌ٔ زنان کارگر و کارمند و برخی برخوردهای نامطلوب درمحیط کار بازنان، موضوع تبلیغات سوءٔ ضدانقلاب قرار گرفته است. امید امپریالیسم غدار آمریکا و ضدانقلاب پرورده‌اش آنست که زنان را هرچه بیشتر به انقلاب بدبین و از آن جدا سازند.

زنان زحمتکش وانقلابی، که با حضور گسترده‌ٔ خود در انقلاب، همراه با مردان زحمتکش وانقلابی امپریالیسم به سرکردگی آمریکا و دیکتاتور دست‌نشانده آن را از کشور راندند و به استقلال و آزادی میهن خود یاری موثر رساندند، امیدشان آن بود که آن صحنه‌های خیره کننده‌ٔ ایثار و ازخودگذشتگی مورد ارج قرارگیرد، وهمانطورکه حضور زنان در جبهه‌ٔ پیکار علیه امپریالیسم و شاه مزدور ضروری مینمود، درجبهه‌ٔ گسست از امپریالیسم و بازسازی میهن نیز مورد نظر باشد و از شوق زنان به کار و تلاش و خدمت استقبال شود.

متاسفانه اخراجهای بی رویه و سوءٔ رفتار با زنان شاغل، که هدفی جز راندن آنان به خانه‌ها ندارد، نارضایتی شدیدی رابرانگیخته است. نماینده‌ٔ مردم تهران خانم بهروزی از تریبون مجلس شورای اسلامی بیانگر شکوه های زنان شاغل شده وگفت:

"...حالا زنان به عناوین مختلف حتی متخصصین... بدون هیچ دلیل بعنوان مازاد از وزارتخانه ها اخراج شده‌اند. آیا این تسهیلاتی است که برای زنان فراهم کرده‌اید؟"

خانم بهروزی از دولت خواست که:

"... سیاست خودش را در رابطه با زنان شاغل مشخص کند."

امپریالیسم نیروی کار زنان را عاطل می خواست

تاقبل از پیروزی انقلاب، تنها ۱۳ درصد شاغلین کشور را زنان تشکیل می‌دادند، و این سوای نیروی کار زنان روستائی بود، که بی اجرومزد درخدمت تولید کشاورزی قرار داشت. درآمارهای رسمی دوران طاغوت ازمیان میلیون ها زن شاغل روستائی، فقط نیروی کار دویست هزار زن در دفاتر آمار دولتی به ثبت رسیده بود، که بطورعمده بعنوان کارگر کشاورزی، نیروی خود را به زمین‌داران سرمایه‌دار و یا دهقانان مرفه می‌فروختند ویاخود بر روی قطعه‌زمین موروثی خویش کار می‌کردند.

درجه‌ٔ نازل اشتغال زنان درکل شاغلین، هم بدلیل رواج سنت‌های واپسگرا و هم سلطه‌ٔ سیاست‌های نو‌استعماری بود. امپریالیسم که نمی‌خواست اقتصاد ما هرگز به استقلال و شکوفائی دست یابد، صنایع مونتاژ را برای ما به ارمغان آورد، که اشتغال‌زا نبود. کشاورزی ما را به ورشکستگی و نابودی کشید و برتعداد آوارگان روستا افزود. اقتصاد وابسته، که با اتکاء به امپریالیسم از بسیاری از رشته‌ها و شاخه‌های صنایع وکشاورزی مدرن محروم بود، طبعا نمی توانست نیروی کار همه‌ٔ شهروندان را درخدمت گیرد. نواستعمار نیروی نیمی ازجمعیت کشور، یعنی زنان را عاطل وفلج می‌خواست، وصرفنظر از برخی مفرها بعنوان اقدامات "نمایشی تجددطلبانه"، این نیروی عظیم را در حصارخانه به زنجیرکشید.

انقلاب که به معنای گسستن زنجیرها و گشاینده بندها بود، می بایست نیروهای دربند زنان رانیز آزاد سازد، زیرا بازسازی جامعه عقب مانده استعمار زده ما نیاز به مشارکت تمام شهروندان دارد. به گفته صائب امام خمینی:

"ایران بدست مرد تنها درست نمی شود، مرد و زن باید باهم این خرابه را بسازند." (۱۳ اسفند ۱۳۵۷)

این انتظار انقلابی زنان متاسفانه برآورده نشد و نه فقط برای مشارکت فعال زنان درهمه عرصه‌های بازسازی کشور راهگشائی نشد، بلکه دستهائی از آستین بدرآمد، تابعنوان اجرای احکام اسلام، همان درصد ناچیز زنان شاغل را هم، خانه‌نشین کنند. اخراج به بهانه‌های گوناگون است:

اخراج به بهانه پاکسازی

پس از پیروزی انقلاب، پاکسازی ادارات دولتی در دستورکار انقلاب قرارگرفت. این یک عمل ضرور انقلابی بودکه می‌بایست دستگاه اجرائی را از ضدانقلاب وعناصر ساواک و وفادار به رژیم پیشین پاک کند. تردیدنیست که اقلیت کوچکی از زنان شاغل نیز، به ویژه در وزارتخانه‌های حساسی مانند وزارت امور خارجه، وزارت آموزش و پرورش وسازمان برنامه، مهره های خدمتگزار نظام طاغوتی وزن "مدل پهلوی" بودند و می‌بایست بیدرنگ پاکسازی شوند. همه افراد وگروه‌های انقلابی نه‌تنها با این اقدام درست و ضرور مخالف نبودند، بلکه مصرا خواستار آن بودند. اما اعتراض از آنجا شروع شد که به بهانه پاکسازی تعدادی از زنان شاغل، که مومن به انقلاب و اهداف متعالی آن بودند، نیز بعناوین گوناگون به خانه‌ها فرستاده شدند. این امر معلول دو علت بود:

۱ـ عناصر ضدانقلابی ومشکوک، که در هیئت‌های پاکسازی نفوذ کرده بودند، (دشمنان اگاه) می‌خواستند با اخراج زنان از ادارات، آنها را سرخورده وبدبین کنند و این نیروی عظیم را از انقلاب جدا سازند.

۲ـ عناصر قشری و مذهبی های متعصب وتنگ نظر (دوستان ناآگاه) واقعا معتقد بوده وهستند که زنان باید منحصرا به وظیفه‌ٔ مادری خود بپردازند و اشتغال خارج از خانه را به مردان واگذارند. آنها براین باورند که زنان می‌توانند با شرکت درکارهای اجتماعی، مانند کمک به جبهه از راه دوخت ودوز و پخت‌و پز و بافندگی، به باروری انقلاب کمک رسانند، ولی نباید درعرصه‌ٔ اداره و کارخانه درکنار مرد ظاهر شوند، زیرا وجود زن درکنار مرد "موجب اختلال در اندیشه‌ٔ مرد" و درنتیجه اختلال در پیشرفت امور می‌شود.

تا آنجاکه مربوط به جلوگیری از افراط‌ها وزیاده‌روی‌ها ولزوم حضور زنان با پوشش عفیف درکوچه وخیابان ومحل کار و رعایت موازین اخلاقی است، بحثی نیست وبه همه زنان توصیه می‌شود. اما اینکه مرداصولا نتواند حضور زن را تحمل کند، در زن فقط "جنس مادینه" را ببیند واز رویاروئی با او دچار پریشیدگی شود، این دیگر پذیرفتنی نیست. همانطورکه از زنان می‌خواهیم تا اصول وموازین اخلاقی را رعایت کنند، باید ازمردانی اینچنین ضعیف وسست عنصر هم بخواهیم که در تزکیه و رشد وتعالی خود بکوشند، تا توان برخورد با زن را بعنوان **انسان و همکار وهمراه** درخود بیابند، نه آنکه به زن بگویند: تو در گوشه‌ٔ صندوق‌خانه پنهان شو، تامن دچار وسوسه‌ٔ نفس نشوم! بخشنامه‌هائی‌که برخی از انجمن‌های اسلامی ادارات و وزارتخانه‌ها خطاب به زنان کارگر و کارمند صادرکرده‌اند، از این مقوله‌ٔ خجلت‌آور است.

تورم کارمند

یکی از شیوه‌های اخراج زنان، بهانه تورم کارمند در دستگاه دولتی است. مخالفان اشتغال زنان استدلال می‌کنند که حجم کار درادارات متناسب باتعداد کارمندان نیست وبنابراین زنان کارمند مازادند و باید بروند.

تورم دستگاه دولتی امری است انکارناپذیر، زیرانظام ضد ملی پهلوی، که بانی ایجاد یک اقتصاد وابسته بود، مشاغل غیرمولد وازجمله پشت میزنشینی را ترغیب می‌کرد. اما تورم دستگاه دولتی را نباید با اخراج زنان علاج کرد، بلکه اگر بیکاری وکم کاری درادارات وجود دارد، زن ومرد هردو بیکارند و کم کار و نباید این کفاره را زنان بپردازند. ماکه درصدد قطع وابستگی وپی‌ریزی اقتصاد مستقل خود هستیم، می‌توانیم با برنامه‌ریزی‌های ضربتی، کوتاه‌مدت و درازمدت، از نیروی مازاد در رشته‌های مولد استفاده کنیم ونه آنکه با این اخراج‌ها برتعداد بیکاران بیفزائیم.

رفتار نامطلوب با زنان

رفتار بازنان در برخی از ادارات و کارخانه‌ها به هیچ رو انسانی نیست، زننده، زشت، اهانت‌آمیز و غیرانسانی است. کافی است روسری زنی درحین کار کمی جابجا شود، تا مورد بازخواست و توهین قرارگیرد. کافی است پرسشی از همکار مرد خود داشته باشد، تا از سوی این و آن مواخذه شود. این همه بی‌اعتمادی به شخصیت زن و طرد او بعنوان موجودی زائد ومزاحم و دست وپاگیر، تاسف‌آور است، آنهم زنانی که در اکثریت خود آیات فداکاری و ایثار بوده‌اند. اینجاست که خانم بهروزی خطاب به دولت بدرستی می‌گوید:

"جلوی برخوردهای تند و ناشایست وغیراسلامی وانسانی که در بعضی ازوزارتخانه‌ها و ادارات نسبت به کارمند زن می‌شود، بگیرید".

مجازات مادرشدن

مخالفان اشتغال زنان، درست برخلاف اصل مسلم قانون اساسی که دولت را موظف به **"حمایت از مادران بویژه در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست"** کرده است، مادران را به "گناه" مادرشدن مجازات واز مشاغل خود اخراج می‌کنند. نمونه‌ٔ این برخورد ظالمانه بخشنامه وزارت آموزش و پرورش است که خانم مریم بهروزی در مجلس ارائه کرد.

این بخشنامه به مسئولان آن وزارتخانه حق میدهد که: **"پس از انقضای دورمرخصی زایمان، چنانچه وزارت آموزش‌وپرورش نیاز داشته‌باشد، آنهارا جذب کند درغیراینصورت مازاد می باشند."**

خانم بهروزی بدرستی میگوید:

"در واقع متولد شدن بچه برای زن مساوی‌است با بیکارشدن واین خلاف قانون اساسی وقانون موجود مربوط به سال زن است."

درکشورهای سوسیالیستی مادران شاغل با تولد هر کودک، جایزه و پاداش و کمک‌هزینه‌ٔ کودک دریافت می‌کنند وتشویق میشوند. گسترش شبکه‌ٔ شیرخوارگاه‌ها و کودکستان‌ها به مادران کمک میکند، تابدون نگرانی واضطراب به وظایف خود درعرصه‌ٔ تولید بپردازند درحالیکه درمیهن انقلابی ما، اعمال دشمنان آگاه و دوستان ناآگاه سبب شده که زنان کارگر وکارمند به "گناه" مادر شدن مجازات شوند، یعنی شغل خودرا ازدست بدهند. میتوان گواهی داد که بجای ایجاد تسهیلات بیشتر برای مادران شاغل (یعنی اجرای قانون اساسی) تعداد مهدکودک‌ها به طور محسوسی کاهش یافته‌است.

خانم بهروزی در این باره چنین می‌گوید:

"مگر در قانون اساسی نیامده که مادران در دوران بارداری وحضانت حمایت میشوند، چرا باید مهد کودک، تعطیل بشود؟ زنان شاغل، خانم پرستار، ماما، اگر کسی را نداشته باشند که بچه‌ها شان را نگه‌دارد، چه باید بکنند؟»

مخالفان در پاسخ می گویند: درخانه بنشینند و ازکودکان خود مراقبت کنند. آنها مدعی‌اند که:

"سپردن کودک به شیرخوارگاه‌ها وکودکستان‌ها یک سلسله نسل‌های بیمار ومنحرف و ناقص بیرون میدهد." (ویژه نامه "صبح آزادگان" به مناسبت سومین سالگرد انقلاب).

بر مبنای این "استدلال"، باید باورکنیم که کشورهای سوسیالیستی، که گسترده‌ترین شبکه‌ٔ شیرخوارگاه ها و کودکستانها را درخدمت مادران شاغل قرارداده‌اند، بیمارترین، منحرف‌ترین وناقص‌ترین نسل‌ها را پرورده‌اند، و اگر چنین است، آیا اینهمه پیشرفت های حیرت‌انگیز علمی وصنعتی وهنری، آن همه مقاومت‌های حماسه‌آسا بخاطر رهائی بشریت از چنگال فاشیسم، ساختمان انسانی‌ترین وعادلانه‌ترین نظام اجتماعی درتاریخ بشری و پرورش انسان هائی نو با سرشت وطبیعت نو، کار این نسل "بیمار" و "منحرف" و "ناقص" بوده‌است؟ این پذیرفتنی‌است؟

متاسفانه درست همان‌ها که مهدکودک‌ها را به این بهانه که کودک به مهر مادری نیازمند است، می‌بندند، کودک را به‌آسانی از آغوش مادر تنها مانده می‌ربایند، زیرا مادر را شایسته برای حضانت فرزند خود نمی‌دانند! با آنکه این دو برخورد در ظاهر متضاد مینماید ولی منشاء هردو یکی‌است: بی‌باوری به برابری انسان‌ها، به تساوی حقوق زن و مرد و ناچیز انگاشتن نقش زن در جامعه و درخانواده.

کار نیمه‌وقت دستمزد نیمه‌وقت

مادران شاغل به اشکال دیگری‌هم مجازات میشوند، وآن کار نیمه‌وقت و دریافت نصف حقوق و دستمزد است. هواداران این نظریه پیشنهاد می‌کنند: برای آنکه مادران به وظیفه‌ٔ مادری خود برسند، خوبست نیمه‌وقت کارکنند و نصف حقوق دریافت‌دارند! واین ظلم آشکار را زیر پوشش **"حمایت"** ازمادران شاغل پنهان میکنند.

درآخرین سال‌های حکومت طاغوت، قراربود طرح کار نیمه وقت مادران شاغل به‌اجرا درآید، که با مخالفت شدید زنان روبرو شد. آنها به درستی استدلال میکردند که اگرما کسی را داشته‌باشیم که نصف روزه از فرزندان خردسال‌ما مراقبت کند، نصفهٔ دیگر روز راهم مراقبت خواهدکرد و دراین‌صورت چرا باید تن به نصف‌شدن حقوق و دستمزد خود بدهیم؟ علاوه بر این، هر تولد تازه، مبالغی بر هزینه خانواده می‌افزاید. چرا باید با تولد فرزند جدید، حقوق مانصف شود و در آمد خانواده‌مان کاهش پذیرد؟

تقسیم کار در خانواده

گاه بیرون راندن زنان از مشاغل خود زیرعنوان ضرورت "تقسیم کار در خانواده" انجام میگیرد. هواداران این نظریه معتقدند که زن و مرد متفاوت آفریده شده‌اند ولذا وظایف و حقوق آنها نیز متفاوت‌است. زن باید تنها وظیفه مادری را بردوش گیرد ومرد به شغل خارج از منزل بپردازد. آنها به مسئله اشتغال زنان صرفا از بعد اقتصادی می‌نگرند. وباصراحت میگویند: پرداخت "نفقه" برعهده مرد است ووظیفه اوست که از زیر سنگ هم شده، نفقه خانواده را تامین کند.

درست است که ساختار جسمی زن ومرد متفاوت است، ولی این تفاوت در یک نظام اجتماعی عادلانه نباید منشاء تفاوت درحقوق و وظایف زن و مرد به عنوان یک انسان متعهد نسبت به جامعه ومیهن خود شود. باید اول بپذیریم که زن یک انسان موظف و مسئول است و همانند مرد نسبت به میهن خود وظایفی برعهده دارد. همانگونه که زن باید درسنگر دفاع از استقلال سیاسی میهن خود، با اسلحه بجنگد ـ و این مورد انکار کی نیست ـ همو باید در سنگر دفاع از استقلال اقتصادی میهن خود نیز، باکار و تلاش خویش نبرد کند. نمیتوان گفت که در سنگر اول زن وظیفه داراست و در سنگر دوم نه. انسان بودن زن به او حکم میکند که در سرنوشت میهن وجامعه خود شریک باشد، و این مشارکت تنها در پرورش فرزندان شایسته خلاصه نمیشود، بلکه خود او مستقیما باید در خدمت شکوفائی اقتصاد میهن خویش قرارگیرد. اینکه نظام استثمارگر سرمایه داری با انگیزه‌های غارتگرانه زن را به روند تولید کشیده‌است، ابدا نافی ضرورت مشارکت زنان در تولید نیست. میتوان زن را در تولید شرکت داد، بی آنکه او را استثمار کرد، بی‌آنکه بار وظایف اورا درخانواده و درجامعه سنگین‌تر نمود. باید با تدوین قوانین عادلانه و ایجاد تسهیلات گوناگون میان انجام وظایف خانوادگی ومیهنی زن پیوند وهماهنگی ایجاد کرد ـ شیوه‌ای که درکشورهای سوسیالیستی بدان عمل میشود. چرا باید نظام استثمارگر سرمایه‌داری را الگو قرار داد و در نتیجه بیزاری از این الگوی کج ومعوج وناخوش‌آیند، با اشتغال زنان مخالفت ورزید؟

علاوه‌برآنچه گفته‌شد، هر نظام مستقل و ملی، اگربخواهد به خودکفائی نسبی اقتصادی دست‌یابد و زنجیرهای وابستگی به امپریالیسم را وانهد، نمی‌تواند ازنیروی کار زنان بی‌نیازباشد و این نیروی عظیم را عاطل گذارد.

واما طرح مسئله مهمی چون اشتغال زنان فقط در بعد اقتصادی درست و همه‌جانبه نیست، زیرا کار زنان درخارج ازخانه تنها نیاز اقتصادی نیست، مهمتر از آن نیاز روحی واجتماعی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر **"ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن"** تکیه دارد. این زمینه‌ٔ مساعد در کجا باید فراهم شود؟ آیا می‌توان پذیرفت که درچارچوب تنگ خانه، شخصیت زن رشد میکند؟ آیا اشتغال زن منحصرا به پخت و پز و شست‌وروفت ودوخت و دوز قادراست زن را با مسائل مهم ومتنوع جامعه خود وجهان آشنا کند واستعدادهای نهفته اورا شکوفائی بخشد؟ مسلمانه!

انسان‌ها تنها درارتباط مستقیم بایکدیگر و بامسائل گوناگون جامعه ودر تلاقی اندیشه‌ها وافکار گوناگون است که درون خود را غنا می‌بخشند وشخصیت خویش را رشد میدهند. زمینه‌ٔ رشد شخصیت زن نیز باید درجامعه ودرهم‌کاری وهمگامی وهمیاری با سایر شهروندان فراهم شود ونه دور ازجامعه و درحصار خانه. زن فقط در جو جامعه و درجریان کار و تلاش و برخورد اندیشه و افکار و یادگیری ویاددهی میتواند شخصیت خود را اعتلا بخشد، ونه فقط همسر و مادر شایسته ای برای خانواده، بلکه شهروند مفیدی برای میهن خود باشد. زنی را که درخانه منزوی ساخته‌ایم، شخصیت اورا درخانواده با قوانین پوسیده و آداب وسنن ارتجاعی درهم شکسته‌ایم و اراده‌ٔ مرد را بر او مسلط کرده‌ایم، چگونه میتواند پرورنده‌ٔ فرزندان لایق به جامعه باشد؟ چگونه حق داریم از چنین موجود تحقیر شده، ذلیل وتوسری‌خورده انتظار داشته‌باشیم که افراد شایسته به جامعه عرضه کند؟ اگرشایستگی را به معنای جامع وعام آن بفهمیم، وتنها

بقیه در صفحه ۱۵

«ایران با دست مرد تنها درست نمی شود، مرد و زن باید باهم این خرابه را بسازند»
امام خمینی

عید برای ...

بقیه‌ازصفحه۱

ها و اظهاراتی که اگر به عمل بدل گردند و دربستر منطقی خود سیر کنند، بی‌شک درسمت‌گیری آینده‌ٔ انقلاب شکوهمند اسلامی ضد ــ امپریالیستی ومردمی‌ما، نقش بسزا، ارزشمند و شگرفی ایفاء خواهند نمود.

سخن ما از آنجاست که درپی گسترش هجوم همه‌جانبه عناصر مخالف اصلاحات ارضی بنیادی (و اصولا مخالفان هرگونه اقدام‌بنیادی درجهت کوتاه کردن دست ایادی ناپاک سودورزان استثمارگر و در راستای هرچه مردمی‌ترشدن انقلاب) با همان چماق "شرعی" و ماسک "اسلامی"، درطی هفته‌های گذشته، شاهد موضع‌گیری‌های متعهدانه، هشداردهنده و مسئولانه به ویژه از جانب دولتمردان متعهد و انقلابی هستیم، که طی آن حملات جانانه‌ای بر مواضع مخالفان پیشرفت انقلاب و تحکیم جمهوری اسلامی ایران (زیر نام "تقدس مالکیت") برده‌ومیبرند.

دیگر برکسی پوشیده نیست که سه‌سال‌تمام است، بزرگ‌مالکان‌وحامیان رنگارنگ‌آن‌ها که متاسفانه در ارگان‌ها و نهادهای دولتی وانقلابی همچنان نفوذ و حضور و قدرت‌دارند از لیبرالهای آبروباخته گرفته تا قشریون تنگنظر و "یک بعدی"، که به گفته‌ٔ فقیه عالی‌قدر **آیت‌اللـه منتظری**، "**زبان آن‌ها کمتر از زبان دشمنان نیست**"، به انحاء گوناگون کوشیده و می‌کوشند که از اجرای قانون اصلاحات ارضی بنیادی، قانونی که درجهت امحاء بزرگ مالکی و زمیندارکردن توده‌میلیونی دهقانان‌تهیدست گام بردارد، قانونی که برسال‌ها محرومیت دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین وغارتگری بی‌حدو حصرفئودال‌ها و سرمایه‌داران ارضی نقطه پایان بگذارد و رشد و بالندگی انقلاب برخاسته‌ازمستضعفین را تضمین نماید، ممانعت به عمل آورند.

این نبرد سه سال است که ازدرون دورافتاده‌ترین روستاها گرفته تا بالاترین ارگان‌های تصمیم‌گیری مملکتی ادامه دارد، و این درحالی است که اجرای بنیادی و ریشه‌ای قانون اصلاحات ارضی، که منجر به محو بزرگ مالکی و زمیندارشدن دهقانان تهیدست گردد، از هرنظر با پیشرفت و تعمیق انقلاب گره‌خورده و با جان‌آن عجین‌شده است و اگر انجام نگیرد، به گفته‌ٔ رئیس جمهور "**یکی از پایه‌های انقلاب وجمهوری اسلامی ناقص است**". (اطلاعات، ۲۱ دیماه ۶۰).

زنگ خطر برای نیروهای مومن به انقلاب

یورش همه‌جانبه‌ٔ عناصر مخالف اجرای اصلاحات ارضی بنیادی و پیشرفت انقلاب، زنگ خطر را برای مسئولین متعهدی که قلبشان واقعا برای مستضعفین می‌طپد و واقعا در خط امام گام برمی‌دارند، به صدا درآورد. آن‌ها دریافتند که اگر خللی در اراده‌ٔ مصممشان جهت خدمت به محرومین وارد آید، اگر درمقابل این تهاجمات عکس‌العمل نشان ندهند و درمقابل شانتاژها و فریب‌های حامیان مالکیت‌های غارتگرانه سکوت اختیار کنند، اگر از تصویب و اجرای قانون اصلاحات ارضی بنیادی، که اجرای آن "**فریضه**" است، دفاع جانانه نکنند و "طرح" های گوناگونی را (نظیر همان طرح شانزده نفره) که هریک به نحوی می‌خواهند بزرگ مالکی باقی‌بماند وحتی خاری درپای آن نخلد، خنثی نکنند و یا مانع "ذبح شرعی آن" ــ به گفته‌ٔ آیت‌اله مشکینی ــ نشوند، بی‌شک نه‌تنها گامی بهٔ سود مستضعفین برنداشته‌اند، بلکه‌نسبت به منافع دهقانان زحمتکش، و بیشتر از آن، نسبت به آینده‌ٔ انقلاب سکوت و بی‌تفاوتی اختیارکرده‌اند و حتی زمینه را برای موفقیت "**شرکت سهامی ضدانقلاب**" ــ به قول یکی از نمایندگان ــ آماده کرده‌اند.

موضع‌گیریهای متعهدانه و امیدبخش

طبیعی بودکه‌دولتمردان پیروخط امام، ومسئولان متعهدی که ازجانب همین محرومان و مستضعفین وزیر و وکیل و دست‌اندرکار شده‌اند، نمی‌ توانند نسبت به منافع آنان‌بی‌تفاوت باشند.

ازهمین روست که دراین چندهفته پرحادثه و تعیین‌کننده، شاهدیم که مقامات و مسئولین انقلابی، از رئیس جمهور و رئیس مجلس و نخست‌وزیر گرفته تا بسیاری از ائمه‌ٔ جمعه و اکثر قریب به اتفاق نمایندگان مجلس شورای اسلامی، از سخنان پرشور **آیت‌الله‌مشکینی** و دفاع مستدل **حجت‌الاسلام کروبی** و نامه‌ٔ مهم ۱۳۲ نماینده‌ٔ مجلس گرفته تاافراد دلسوز نهادهای انقلابی، دست‌اندر کاران دولتی و نیز دهقانان‌تهیدست و زحمتکش، هریک به نوبه‌ٔ خود لزوم‌تصویب و اجرای قانون‌اصلاحات ارضی بنیادی را، که ریشه‌ٔ بزرگ مالکی را برکند، گوشزد کرده‌اند.

ازجمله آقای سلامتی وزیرکشاورزی معتقد است که قانون اصلاحات‌ارضی مصوب شورای انقلاب می‌تواندبسیاری از مشکلات را درزمینه‌ٔ کشاورزی حل کند و "**تامسئله‌ٔ زمین و مالکیت‌حل نشود، برنامه‌ریزی روی کشاورزی با مشکلات مواجه می‌شود.**" (اطلاعات، ۶ بهمن ۶۰)

آقای خامنه‌ای رئیس جمهورهم در دیدارش با وزیرکشاورزی در ۱۰بهمن براین مسئله تاکید کرد.

همچنین **آقای هاشمی رفسنجانی** رئیس مجلس درمصاحبه‌های گوناگون پشتیبانی خود را از قانون‌اصلاحات ارضی بنیادی اعلام داشت و در دیدار با وزیرکشاورزی نوید داد‌که: "**امیدواریم که مسئله‌ٔ زمین را به زودی حل کنیم**" (اطلاعات، ۱۴ بهمن ۶۰).

آقای مهندس موسوی نخست‌وزیر گفته است: "**برای هربرنامه‌ریزی صحیح اقتصادی مخصوصا درزمینه‌ٔ کشاورزی ما احتیاج به روشن شدن تکلیف مساله‌ٔ زمین داریم**" (کیهان، ۱۰ بهمن ۶۰)

آیت‌اله موسوی اردبیلی رئیس دیوان‌عالی کشور معتقد است که قانون مصوبه‌ٔ شورای انقلاب ومورد تایید سه‌تن از آیات مذهبی وانقلابی "**قانون بدی نیست**" (اطلاعات، ۱۵ بهمن ۶۰).

نهادهای انقلابی و ارگان‌های دولتی نیز، که درپیوند نزدیک با دهقانان و مسائل کشاورزی هستند، پشتیبانی خود را از قانون‌اصلاحات ارضی و بند"**ج**" و "**د**" اعلام کردند. ازجمله "**جهاد سازندگی**" درماده ۹ قطعنامه‌ٔ سومین سمینار خود ازمجلس شورای اسلامی خواسته است که مسئله‌ٔ زمین را با "**لوایح مناسب**" و با استفاده از حکم‌تفویضی امام تصویب نماید. (اطلاعات، ۳ بهمن ۶۰). **ارگان‌های انقلابی لرستان** (اطلاعات، ۱۰ بهمن ۶۰) "**جهاد دانشگاهی**" **دانشگاه رازی**، "**هیئت واگذاری زمین گنبد**" (اطلاعات، ۱۲ بهمن‌۶۰)، **انجمن اسلامی اداره‌ٔ کشاورزی قائم‌شهر**" (اطلاعات، ۱۸ بهمن‌۶۰)، "**کارکنان آموزش و پرورش استان اصفهان**"، "**کنگره‌ٔ سراسری شوراهای‌کارخانجات**" (جمهوری اسلامی، ۱۷ بهمن ۶۰)، "**شوراهای اسلامی روستاهای سیستان و بویژه اطراف زابل**" و... خواست مصرانه‌ٔ خود را درزمینه‌ٔ اجرای هرچه قاطع‌تر و هرچه زودتر قانون اصلاحات ارضی و بند"**ج**" و"**د**" آن و پشتیبانی خود را ازگفته‌های **آیت‌اله مشکینی** و نامه‌ٔ بیش از۱۳۰ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی اعلام کرده‌اند.

سفر هیئت‌های ایرانی به کشورهای جهان

بسود انقلاب است

سفر نمایندگان جمهوری اسلامی ایران به‌کشورهای مختلف جهان در سالگرد انقلاب نشان داد که ایران انقلابی نه‌فقط در دنیا تنها نیست، بلکه دوستان متعددی دارد.

به مناسبت سومین سالگرد انقلاب اسلامی، ضدامپریالیستی و مردمی ایران، نزدیک به ۱۰۰ هیئت ایرانی به کشورهای مختلف جهان‌مسافرت کردند. هدف از این سفرها معرفی انقلاب اسلامی ایران، خنثی‌کردن توطئه‌های امپریالیسم خبری و گسترش روابط ایران با کشورهای دوست اعلام شد.

سفر هیئت‌های ایرانی به کشورهای مختلف جهان، که هنوزهم ادامه دارد، پیش از همه نشان داد که انقلاب اسلامی ایران برخلاف تبلیغات امپریالیسم‌خبری و ایادی امپریالیسم در ایران، نه‌تنها به‌هیچ وجه درجهان تنها نیست، بلکه دوستان متعددی دارد.

آنچه درمطبوعات ایران تاکنون منعکس شده و برخی از آن‌ها را در زیر می‌خوانید، نشان دهنده‌ٔ این است که کشورهای مترقی جهان، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، درکنار انقلاب اسلامی ایران قرار دارند.

از نیکاراگوئه و کوبا درآنسوی جهان‌گرفته تا اتحادشوروی در همسایگی ایران، سوریه و یمن دمکراتیک در نزدیکی ایران، تا الجزایر و لیبی درآفریقا و کشورهای سوسیالیستی اروپا؛ دوستان ایران درجهان فراوانند. بگذاریدواقعیتها ــ هرچند بخشی از واقعیت ــ خود سخن بگویند.

الجزایرولیبی

آقای دکترعلی اکبرولایتی وزیر امورخارجه‌ٔ جمهوری اسلامی ایران هفته‌ٔ گذشته به کشورهای لیبی و الجزایر سفرکرد. دراین دوکشور برادر، به گرمی از هیئت ایرانی استقبال شد و درگفت گوهای دو جانبهٔ، باردیگر برروابط نزدیک و ضرورت هماهنگی برای مقابله با شیطان بزرگ ــ آمریکا تاکید شد.

هند

آیت‌اله مهدوی کنی سرپرست هیات اعزامی به هند، در دیدار باخانم گاندی، نخست‌وزیر این‌کشور ضمن اشاره به ثبات جمهوری‌اسلامی ایران گفت:

"**چون هند خواهان آزادی و استقلال است، ما خواهان بسط روابط اقتصادی و فرهنگی با شما هستیم**".

نخست‌وزیر هند نیز درپاسخ، ضمن خوشامدگویی، خواهان‌گسترش روابط دو کشور شد. (اطلاعات، ۱۷ بهمن ۶۰)

جمهوری دمکراتیک خلق‌کره

هیئت اعزامی از جمهوری اسلامی ایران به ریاست آقای **علی‌اکبر پرورش** به جمهوری دمکراتیک خلق کره، پس از بازگشت از این سفر، ضمن اشاره به استقبال گرم مقامات آن کشور و ازجمله مسئولین فرهنگی و وزیرآموزش و پرورش، گفت:

"**دراین سفر درزمینه‌ٔ مسائل فرهنگی‌بحث و تبادل نظر به عمل آمد و درمدت اقامتمان درکره‌ٔ شمالی، ازچندموسسه‌ٔ فرهنگی و چگونگی فعالیت تدریس وفراگیری دانش‌آموزان بازدید کردیم**".

وی همچنین به "**مراسم باشکوهی که به مناسبت روز ۲۲ بهمن با حضور چندهزار نفر از مردم وعده زیادی از مقامات کره‌ٔ شمالی درتالار خلق شهر پیونگ یانگ برگزارشده بود**"، اشاره کرد. (اطلاعات، ۲۷ بهمن‌۶۰)

جمهوری دمکراتیک آلمان

هیئت اعزامی به کشور جمهوری دمکراتیک آلمان، به سرپرستی آقای **دکترجاسبی**، معاون نخست‌وزیر، صبح روز ۲۶ بهمن دراین کشور با **اریش هونکر**، رئیس شورای دولتی و با وزیرامورخارجه این کشوردیدار و گفتگو کرد. دراین دیدار رئیس شورای دولتی جمهوری دمکراتیک آلمان، ضمن تبریک پیروزی انقلاب، ازجمله گفت:

"**مردم ما علاقه‌ٔ زیادی به انقلاب شما دارند و آنها نیزهمراه شما با سرنگونی شاه شاد شدند.**" (طلاعات ــ ۲۷ بهمن ۶۰)

دکتر جاسبی در مصاحبه‌ای در مورد ملاقاتهای دیگرش درآلمان دمکراتیک گفت:

"**ملاقات دیگری نیز با دکتر "گونتر می‌تاگ" عضو شورای‌دولتی، که پس از دبیرکل حزب ازشخصیت‌ های برجسته حزب و دولت آلمان دمکراتیک و از متخصصان اقتصادی است، داشتیم و درمورد روابط اقتصادی‌دو کشور گفتگو کردیم‌وایشان اظهارعلاقه برای دیدار از ایران نمود.**" (اطلاعات ــ ۶۰/۱۲/۳).

چکسلواکی

در دیدارهایی که آقای دکتر جاسبی درسفر سه روزه‌ٔ خود به

بقیه‌درصفحه۶

سه سال ایثار

و از جان‌گذشتگی دهقانان

در تداوم انقلاب

سه‌سال انتظار

انقلاب به چهارمین سال تولد خود پا گذاشته است، انقلابی که پیروزی آن را، به گفته‌ٔ **امام‌خمینی** مدیون جانبازی‌ها و فداکاری‌های مستضعفان و کوخ نشینان هستیم. جای تردید نیست که دراین پیروزی بزرگ و چشمگیر خیل‌پرشمارزحمتکشان ومستضعفان روستا، بویژه دهقانان زحمتکش بی‌زمین و کم‌زمین، که سالیان درازستم‌شاهی و ستم‌خانی‌و اربابی را با پوست و گوشت خود احساس کرده‌اند، سهم بسزائی داشته و این سهم عظیم و موثر را دربعد از انقلاب جهت حفظ دستاوردهای ارزشمند آن و پیشبرد انقلاب و دستیابی به خودکفایی و استقلال درزمینه‌ٔ کشاوری حفظ کرده‌اند.

اما اگر متاسفانه‌سومین سال‌پیروزی انقلاب کوخ‌نشینان و مستضعفان رادر حالی پشت سرگذاشتیم که هنوز عمده‌ترین و اصلی‌ترین خواست دهقانان تهیدست عملی نشده و هنوز یکی ازخواستهای اساسی‌انقلاب وجمهوری اسلامی، که "**حتما باید انجام پذیرد**" بدون پاسخ مانده است، با این حال افق سال چهارم روشن است. تحول وقایع وموضعگیری های یادشده و مقابله‌ٔ قاطع **حجت‌ الاسلام کروبی** با نظریات مخالفی که متاسفانه ازجانب **حجت‌الاسلام‌یزدی** بیان شده بود، این امید رامی‌آفریند که درچهارمین بهارآزادی، دهقانان عید واقعی را برپاکنند.

دهقانان تهیدست درحالی‌سومین سالگرد انقلاب را برگزار کردند و جشن گرفتند که هنوز اثرات سیادت و حاکمیت و مالکیت بزرگ مالک و ارباب بر بالای سرآن‌ها سنگینی می‌کند و آنها هنوز نتوانسته‌اند بطور ملموس و عینی دراین زمینه‌ٔ حیاتی ازثمرات انقلاب بهره‌مند شوند و کامشان ازشهد آن شیرین گردد.

امام‌خمینی، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، عقیده دارند که عید مستضعفان آن روزی است که آنها به زندگی صحیح وسالم مادی و معنوی برسند و مقامات‌مسئول باید تمام جهدشان این باشد که‌آن ها را از این زندگی صحیح وسالم بهره‌مند سازند. گام اول برای برگزاری‌این "**عید**"، تصویب قانون است، قانونی که واقعا درعمل، به طورهمه‌جانبه، بدون مماشات و "ذبح شرعی" و "کلاه عرفی" به سلطه‌ٔ سرمایه‌داران ارضی و فئودالها، که بااستناد به اسناد قلابی، زمینهای وسیعی را دراختیار خودنگهداشته‌اند خاتمه بخشد. این وظیفه به ویژه در برابر نمایندگان متعهد، انقلابی و دلسوز مجلس شورای اسلامی قرار دارد، که بکوشند از حکم تفویضی **امام‌خمینی**، که بیش از چهارماه از صدور آن می‌گذرد و اینک دیگر به دنبال آخرین ملاقات روسای قوای مقننه و اجرائیه و قضائیه با امام، موقع بهره‌گیری از آن درحل عمده‌ ترین معضلات جامعه‌ٔ انقلابی رسیده است، استفاده کنند.

بیشک بزرگ مالکان و حامیان‌آنها درارگانهای تصمیم‌گیری و دولتی و نهادهای انقلابی (بطورعمده‌لیبرالها وقشریون "یکبعدی") وهواداران ناآگاه آنها، که پافشاری روی اجرای قانون اصلاحات ارضی بنیادی را نتیجه‌ٔ "جوسازی"! و اجرای آن را تنها "مسکن"! به حال دهقانان تهیدست، اقتصاد کشاورزی وانقلاب میدانند، دست از مبارزه علیه نیروهای مومن و متعهد برنخواهند داشت. نبردی درپیش است که‌به باورما نیروهای مومن به خط امام و همه‌ٔ انقلابیون راستین‌می‌توانند در آن به پیروزی رسند، یعنی انقلاب را دریک مرحله‌ٔ دیگر خود به پیروزی برسانند.

اجرای قانون اصلاحات ارضی یک اقدام لازم و بنیادی در جهت جلوگیری از مظالم و تعدیات‌مالکان بزرگ بر دهقانان رنج دیده است، یک گام اساسی برای محو یکی از پایگاههای امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا در درون میهن انقلابی ماست، یک اقدام موثردر جهت پیشرفت اقتصاد کشاورزی و درنهایت شکوفائی و اعتلای‌انقلاب است. اگر نمایندگان محترم‌ومتعهد مجلس شورای اسلامی، قانون اصلاحات ارضی بنیادی را، با آن ویژگی‌هایی که برشمردیم، به‌تصویب برسانند، همه‌ٔ انقلابیون و دوستداران پیشرفت وتعمیق انقلاب بویژه دهقانان تهیدست و زحمتکش با دل وجان از آن به دفاع خواهند پرداخت و نیروی اندک مشتی‌غارتگر را دربرابر این دفاع و پشتیبانی میلیونی غارت‌شدگان، یارای مقاومت نیست.

بکوشیم تا دهقانان زحمتکش عید واقعی خود را برپا کنند.

تفسیر وقایع مهم جهان

ژرفش پدیده‌های بحرانی در اقتصاد آمریکا

پیام ریگان رئیس جمهور امریکا درآستانه ارائه‌لایحه‌ٔ بودجه سال ۱۹۸۲ به‌کنگره آمریکا، که‌درآن‌از مردم آمریکا خواسته‌شده‌بودکه خود را برای‌تحمل‌فشارها ودشواری‌های‌اقتصادی‌بیشتری درسال‌آینده آماده‌کنند، در تشدیدپدیده ها ی بحرانی در اقتصاد بزرگترین‌کشور سرمایه‌داری، بازتاب‌روشنی‌یافته‌است.

روزنامه‌بورژوازی بزرگ‌فرانسه "لوموند" (۲۲ژانویه ۱۹۸۲) تائید میکندکه‌تولیدناخالص ملی‌ایالات‌متحده‌ٔ آمریکا، طی‌سه‌ماه‌آخرسال ۱۹۸۲ به‌میزان ۲درصد تنزل‌یافته ونوسانات ناهنجارو پدیده‌های بحرانی، مجموعه‌ٔ سیستم اقتصادی آمریکا را زیر چنگال خود فشار میدهد.

هم‌اکنون کسری بودجه‌آمریکا از مرز ۱۰۰ میلیارد دلار فراتر رفته و طبق پیش‌بینی کار- شناسان مالی‌واقتصادی، تا اواخر سال جاری مسیحی، این‌رقم به ۱۵۰ میلیارددلارخواهدرسید. درحال‌حاضر ۹درصد جمعیت‌فعال در ایالات متحده‌آمریکا بیکار هستند و تابهار سال آینده شمار بیکاران درآمریکا به‌مرز ۱۰میلیون نفرمی‌رسد.

بدیهی‌است که‌بار سنگین این پدیده‌ها ی بحرانی وفشارهای‌اقتصادی مستقیما به دوش اکثریت مردم زحمتکش‌امریکا تحمیل میشود وروز به‌روز زندگی آنان‌را بادشواری‌های‌بیشتری‌مواجه میسازد. درحالیکه رقم بودجه‌نظامی سال به‌سال افزایش می‌یابد ودربودجه‌سال‌جاری ۲۶۳ میلیارد دلاربرآورده‌شده‌است، برای جبران نابسامانی- های اقتصادی وکمبودهای مالی، از اعتبارات خدمات‌اجتماعی، بیمه‌ٔ اجتماعی، خدمات بهداشتی و درمانی، آموزش وپرورش و فرهنگ کاسته‌میشود. در سال‌جاری ۲۷ هزارمیلیون دلار ازین‌اعتبارات‌کاسته‌شده‌است. بخش‌اعظم ارقام نجومی بودجه‌نظامی برای تولید جنگ‌افزارهای مدرن، ازجمله‌بمب‌افکن‌های "بی-۱" موشک‌های میان‌برد بالستیک "ام-اس"، زیردریائی ها ی "ترایدنت" وسلاح‌های شیمیائی و میکروبی به مصرف‌خواهد رسید. روشن‌است که مجتمع- های‌نظامی-صنعتی آمریکا، که‌ازجانب "پنتاگون" (وزارت‌دفاع‌آمریکا) سفارش‌ساختن‌این‌سلاح‌ها به آنان واگذار میشود، ازاین راه‌سودهای کلانی به جیب‌خواهند زد. واین خود نمودار بارزی از نقش دولت سرمایه‌داری انحصاری‌آمریکاست، که همه‌چیز را درخدمت‌انحصارات‌سرمایه‌داری قرار میدهد وبه‌حساب فقر و فلاکت فزاینده توده- های‌عظیم‌خلق، درتامین حداکثر درآمد برا ی صاحبان این انحصارات غارتگرکوشش‌میورزد.

باآگاهی به‌این سرشت سیستم سرمایه‌داری دولتی‌است‌که‌میتوان به‌انگیزه‌های واقعی کل سیاست امپریالیستی واستراتژی سیاسی- نظامی جهانی‌دولت‌ایالات متحده‌ٔ آمریکا، سیاست نظامیگری به مقیاس‌جهانی، مسابقه‌ٔ‌تسلیحاتی، پشتیبانی از رژیم‌های‌ضدخلقی و دیکتاتوریهای نظامی درمناطق مختلف جهان وستیزه‌جوئی و توطئه وتخریب علیه‌کشورهای سوسیالیستی، کشورهای‌مستقل‌ملی و کلیه‌ٔ انقلاب‌ها وجنبش- های‌مردمی‌واستقلال طلبانه به‌درستی پی‌برد. در لحظه‌ٔ‌کنونی، نتایج و عملکردهای این استراتژی سیاسی- نظامی امپریالیسم‌آمریکا را درمناطق مختلف‌جهان، ازجمله به‌صورت‌زیرین میتوان‌مشاهده‌کرد:

مداخلهٔ نظامی آمریکادر السالوادور و توطئه علیه سایرکشورهای آمریکای لاتین

کشور استعمارزده و رنج‌دیده‌السالوادور، که‌مردم‌آن‌برای رهائی از اسارت و ظلم و ستم رژیم دیکتاتوری دست‌نشانده‌امپریالیسم‌آمریکاو کسب‌استقلال ملی‌کشور خود بپاخاسته‌اند، به سرزمین‌خون‌وآتش‌تبدیل‌شده‌است. ارتش‌مزدور و رژیم دیکتاتوری‌دست‌نشانده‌آمریکا، باتجهیزات‌و سلاح‌آمریکائی وبه‌دستیاری مستشاران‌نظامی و کماندوهای‌آمریکائی، مردم این سرزمین‌راقتل‌عام میکند.

ازنالدو راموزر، نماینده جبهه دمکراتیک رهائی‌بخش‌السالوادور (فارابوندومارتی) طی سخنرانی خود در جریان تظاهرات اهالی‌نیو- یورک علیه‌مداخله‌نظامی آمریکا در السالوادور اظهارداشت‌که‌دولت ریگان تلاش میکند که السالوادور رابه‌ویتنامی دیگر تبدیل کند. وی گفت‌که، ولی‌نیروهای‌رهائی‌بخش السالوادور نیز مانندمردم‌ویتنام شکست‌ناپذیرند.

سخنگوی جبهه‌ٔ دمکراتیک رهائی بخش السالوادور (فارابوندومارتی) در سان خوزه، واقع در کاستاریکا، اظهار داشت که ارتش رژیم دیکتاتوری السالوادور روستاهای بخش‌سانی ویسنت‌و روستاهای ویلادولوریس، ویکتوریا، سان استپان‌و چندروستای دیگر را زیر آتش توپ و خمپاره به‌تل‌خاکستر تبدیل کرده واهالی این روستاها را نابودساخته‌اند.

توماس‌هارکین نماینده‌دمکرات در مجلس نمایندگان آمریکا اظهارداشت‌که، آنچه درسان آنتونیو، واقع در حومه‌سان‌سالوادور روی‌داده، یک‌قتل‌عام‌آشکار است‌که‌به‌دست‌ارتشیان رژیم دیکتاتوری السالوادور انجام‌گرفته است. دراین‌باره شاهدان‌همچنین اظهار داشتند که سربازان رژیم به‌خانه‌ها ریخته وساکنان‌خانه‌هارا از زن ومرد و پیر و جوان به‌خیابان‌ها کشیده و اعدام‌کرده‌اند.

ولی دولت ریگان، درست پس از وقوع‌این جنایات، تصمیم گرفت که‌مزد رژیم دست‌نشانده خودرابه‌صورت‌اعتباربرای‌خریداسلحه‌وتجهیزات نظامی‌به‌مبلغ ۱۸۵ میلیون دلار بپردازد. و این در حالی‌است‌که سه‌تن ازنمایندگان کنگره‌آمریکا، پس‌ازبازدید یک‌گورستان‌جمعی در السالوادور، به جنایات رژیم این‌کشور، که دولت ریگان از آن‌پشتیبانی می‌کند، اعتراف‌کردند.

مردم جهان به جنایت آمریکا و مزدورانش در السالوادور اعتراض می‌کنند

مردم جهان به‌طور روزافزونی به جنایات امریکا ومزدورانش در السالوادور اعتراض‌می- کنند ازجمله‌روز شنبه‌اول‌اسفند ماه‌چندین‌هزارتن‌از اهالی‌آلمان‌غربی در شهر مونیخ‌علیه مداخله‌ٔ نظامی امریکادرالسالوادورو پشتیبانی دولت آمریکا از رژیم جنایتکار السالوادور تظاهرات خیابانی تشکیل‌دادند. دراین‌تظاهرات مداخله آمریکا درالسالوادور به‌مثابه جنگ‌امپریالیستی علیه‌مردم‌این‌کشور محکوم‌گردید. در پایان‌این تظاهرات، نامه‌ای به‌امضای ۲۵۰۰ نفربرای‌تسلیم به‌وزارت امورخارجه جمهوری فدرال آلمان به‌تصویب رسید، که طی آن از دولت آمریکا خواسته‌شده‌است‌که‌مستشاران‌نظامی و کماندوهای سرکوبگر خودرا ازالسالوادور خارج‌کند ومداخله‌ٔ نظامی‌خود در این‌کشور را قطع نماید. در این نامه‌ذکرشده‌است‌که‌ارتشیان رژیم دیکتاتوری السالوادور، به‌فرماندهی مستشاران نظامی‌آمریکا وکمک‌کماندوهای آمریکائی، تنها در ماه‌شهریور سال‌جاری ۱۰۰۰ تن از افراد عادی این کشور را، که‌نیمی از آنان خردسال‌بوده‌اند، به قتل رسانده‌اند. دراین‌نامه‌خاطرنشان‌شده‌است که‌این جنایات‌همراه باکمک‌های‌عظیم نظامی‌ومالی دولت آمریکا، برای‌حفظ رژیم دیکتاتوری خوزه‌ناپلئون دومارته، انجام‌میگیرد.

۳۵۰ اسقف کاتولیک در کنفرانس ملی اسقف‌های جهان‌اعتراض شدید خودرا نسبت به سیاست دولت‌آمریکا در کشورهای آمریکای‌مرکزی اعلام‌کردند وکمکهای‌نظامی و مداخله‌ٔ نظامی آمریکا در السالوادور رامحکوم ساختند. بنوشته‌ٔ روزنامه نیویورک تایمز، کنفرانس‌ملی اسقف های‌جهان‌از کنگره‌آمریکاخواستار شد که‌کمک‌های نظامی‌آمریکا رابه‌رژیم های‌دیکتاتوری‌درکشورهای آمریکای‌مرکزی قطع کند.

رهبر کلیساهای کاتولیک‌السالوادور اظهار داشت‌که‌درجریان‌بازرسی، بازپرسان نظامی متهمین را شکنجه‌وآزار میکنند. درنامه‌سرگشاده شخصیت‌های روحانی خطاب به‌کنگره آمریکا، که درواشنگتن انتشار یافته گفته‌شده‌است که ریگان رئیس جمهور ایالات‌متحده‌آمریکا مسئولیت‌های معنوی واخلاقی خودرا زیر پا گذاشته‌است. در این‌نامه از کنگره آمریکاخواسته‌شده‌است‌که‌دولت آمریکا را به‌قطع کمک‌های‌نظامی به‌السالوادور و پایان‌دادن به‌آموزش‌نظامی به ۱۶۰۰ نفر از ارتشیان‌السالوادور در خاک‌آمریکا، وادار سازد.

خلق‌های آمریکای لاتین پیروزند

اما باجود جنایات وتبهکاری‌های رژیم دیکتاتوری السالوادور و مداخله‌ٔ نظامی‌آمریکادر سرزمین‌السالوادور، تناسب نیروها در این‌جنگ به‌سود نیروهای‌ضدامپریالیستی‌واستقلال طلب این‌کشور درتغییراست. گیلرمو‌انگو، رهبر جبهه دمکراتیک‌رهائی‌بخش‌السالوادور اظهار داشت، درصورتیکه‌مداخله‌نظامی آمریکاوجودنداشت، تا کنون‌این‌جنگ‌به‌نفع نیروهای‌مردمی پایان یافته بود. وی‌افزودکه‌تاکنون در این‌جنگ ۲۲هزارنفر ازاهالی‌کشور کشته‌شده‌اند.

دولت‌آمریکا به‌موازات‌مداخله نظامی در السالوادور وکمک‌های‌نظامی وتسلیحاتی روز- افزون به‌رژیم دیکتاتوری وضدخلقی این کشور علیه‌کشورنیکاراگوئه نیز به‌توطئه‌ها وخرابکاری- های‌خود ادامه‌میدهد. طبق‌اعتراف لوپزپورتیو رئیس جمهور مکزیک، دولت‌آمریکا نیروهای‌ضد انقلابی ونظامیان و فراریان‌نیکاراگوائی را، که درخاک‌آمریکا پناه‌گرفته‌اند، برای عملیات تروریستی وخرابکاری علیه نیکاراگوئه، در اردو- گاه‌های ویژه‌ای متمرکز ساخته و به‌آنها آموزش میدهد نیروهای ضدانقلابی نیکاراگوئه همچنین در اردوگاه‌هائی‌که ازجانب آمریکا در هندوراس، فلوریدا وکالیفرنیا تاسیس‌شده‌اند، به‌وسیله مستشاران نظامی‌آمریکا به‌آموزش ها ی تروریستی‌وخرابکاری‌مشغولند. لوپزپورتیورئیس جمهور مکزیک برای پایان‌دادن به عملیات توطئه‌گرانه وخرابکاری علیه‌نیکاراگوئه، ازدولت آمریکاخواسته‌است‌که‌نیروهای‌ضدانقلابی‌نیکارا- گوئه‌خلع سلاح‌واردوگاه‌های‌آموزشی آنها منحل شوند.

امپریالیسم‌آمریکا مذبوحانه‌تلاش‌میکندکه بادریائی ازخون و سدی از آتش سیل‌خروشان جنبش‌رهائی‌بخش واستقلال‌طلبانه‌ٔ خلق‌های کشورهای‌آمریکای‌لاتین‌رامتوقف‌سازد وبه‌خاطر تامین‌منافع‌آزمندانه‌انحصارات‌سرمایه داری، خلق‌های‌این‌منطقه‌ازجهان‌رادربندهای‌اسارت‌و بردگی خود حفظ نماید. ولی مشعل فروزانی را که‌خلق‌قهرمان‌کوبا با انقلاب پیروزمند خود در این‌دیاربرافروخت، به‌ستاره‌راهنمای خلق‌های این‌منطقه در مبارزه برای رهائی ازبندها ی اسارت‌استعماری تبدیل‌گشته‌است. برغم تمام تلاش‌های امپریالیسم‌امریکا، جنبش‌های‌انقلابی خلق‌های‌آمریکای‌لاتین‌در راه‌کسب‌استقلال و آزادی‌به‌پیش‌میرود.

ادامهٔ فعالیت‌های نظامی و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های وابسته در منطقه

امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا، به‌دستیاری رژیم های ضدخلقی و وابسته همچنان‌به‌فعالیت‌های نظامی و توطئه علیه کشورهای‌مستقل‌ملی‌این‌منطقه‌ادامه‌میدهد. به دنبال‌تشکیل "شورای‌همکاری‌خلیج" (فارس) و عقد قراردادهای‌همکاری نظامی میان‌رژیم ها ی ارتجاعی‌ازیک سو و تشکیل "کمیته‌های‌مشترک" آمریکا با این رژیم‌ها، ازسوی دیگر، دایره‌این پیمان‌های‌نظامی، باجلب کشورهای‌جدید، گسترش می‌یابد.

روزسه‌شنبه ۴ اسفند ۶۰رژیم عربستان سعودی وعراق یک‌قرارداد‌همکاری در زمینه‌به اصطلاح‌امنیتی‌امضاکردند. نایف وزیر کشور رژیم سعودی اعلام‌کردکه‌بزودی قرارداد‌مشابهی میان‌عربستان با کویت وعمان‌به‌امضاء خواهد رسید. روزچهارم‌اسفند رئیس‌جمهور یمن‌شمالی درچهارمین‌روز مسافرت‌های‌خود به کشورهای خلیج‌فارس، واردمنامه پایتخت بحرین شد. هدف ازاین‌دیدار پیوستن‌یمن‌شمالی به "شورای همکاری‌خلیج" (فارس) است. عربستان سعودی قراردادهای‌مشابهی‌باحکام بحرین، قطرو‌امارات متحدعربی‌بسته‌است.

ازسوی دیگر، حسنی‌مبارک رئیس جمهور مصر در جریان دیدار اخیر خود از عمان، حمایت رژیم مصر را از "شورای همکاری خلیج" (فارس) اعلام‌کرده‌است. سلطان قابوس نیز متقابلا‌سیاست رژیم مصر رادرمورد‌موافقت‌نامه- های کمپ‌دیوید مورد تائید قرارداد. در پایان این‌دیدار اعلامیه‌مشترکی انتشاریافت‌که در آن برلزوم گسترش روابط همه‌جانبه میان‌رژیم های مصر وعمان تاکید شده‌است.

سخنان داگلاس هود، وزیر مشاور درامور خارجی‌انگلیس، در بحرین، ماهیت این‌قرارداد های‌نظامی‌وبه‌اصطلاح‌امنیتی را، که ازجانب رژیم‌های‌ارتجاعی وضدخلقی این منطقه بدستور امپریالیسم‌آمریکا بسته‌شده‌است، افشاء میکند. داگلاس‌هود در جریان‌دیدارخود از بحرین در مصاحبه‌مطبوعاتی‌اظهارداشت‌که، دولت‌انگلیس ازهمکاری‌میان‌کشورهای‌خلیج‌فارس، ازجمله‌هم- کاری‌آنان در زمینه امنیتی خشنود است. وی افزود که اگر ازجانب کشورهای این‌منطقه در- خواست شود، انگلیس‌درمنطقه‌خلیج‌فارس‌مداخله خواهدکرد.

بدینسان، امپریالیسم‌فرتوت‌بریتانیا، در واپسین‌نفس‌های‌خود هنوزهم، قصد ندارد از منافع آزمندانه خود در این‌منطقه دست‌بردارد امپریالیسم انگلیس تلاش‌دارد که در فعالیت- های‌نظامی وتوطئه‌گرانه امپریالیسم‌آمریکا ورژیم های‌وابسته علیه‌کشورهای‌مستقل‌ملی‌وجنبش‌های رهائی‌بخش‌خلق‌های‌این‌منطقه‌حضور خود را اعلام‌کند، تا دراین‌ماجراها هم به ارباب آمریکائی‌کمک‌کند وهم از رقیب‌آمریکائی عقب نماند. درارتباط باگسترش فعالیت‌های سیاسی‌و نظامی‌امپریالیسم‌آمریکا ورژیم‌های‌ضدخلقی و وابسته در منطقه، مسافرت آدمیرال لیوین فرمانده ستاد مشترک نیروهای مسلح‌انگلیس به پاکستان ودیدار دریادار بل فرمانده واحدهای زیردریائی پیمان‌نظامی "ناتو" مستقر در- مدیترانه، ازترکیه نیز شایان‌توجه‌است. دیدار این‌دو فرمانده‌نظامی از کشورهای‌ترکیه‌وپاکستان به‌فعالیت‌های‌نظامی‌امپریالیسم آمریکادراین منطقه‌ابعادگسترده‌تری میدهد و راه مداخله‌ٔ نظامی مستقیم‌پیمان‌نظامی تجاوزکار "ناتو" در این‌منطقه راهموار میسازد.

بدین‌ترتیب، امپریالیسم جهانی به‌سر- کردگی امپریالیسم‌آمریکا با هدف مداخله‌نظامی برای‌براندازی‌نظام‌های‌انقلابی ومستقل‌ملی در این‌منطقه، تمام‌اهرم‌های سیاسی-نظامی خود را به‌مقیاس جهانی بکار گرفته‌است. روشن‌است‌که مقابله با چنین‌فعالیت‌ها وتوطئه‌هائی نیز باید به‌مقیاس‌منطقه‌ای وجهانی‌انجام‌گیرد. چنانکه آقای‌خامنه‌ای رئیس جمهوری‌اسلامی‌ایران در سخنان‌خود در جریان دیدار با وزیر بازرگانی خارجی جمهوری‌سوسیالیستی‌چکسلواکی خاطر نشان‌کرد:

"همه‌کشورهای‌مترقی‌عالم بایدبااستحکام پیوندهایشان‌جبهه‌ٔ مستحکمی علیه‌امپریالیسم‌و اقمارش در سطح‌جهان به‌وجودآورند." (اطلاعات سوم‌اسفند ۶۰)

جبههٔ ضدامپریالیستی مستحکمتر می‌شود

روزدوم اسفند ۶۰ "کنفرانس‌مقاومت علیه امپریالیسم، صهیونیسم و نژادپرستی" کارخودرا در طرابلس، پایتخت‌لیبی، آغازکرد. در این کنفرانس نمایندگان ۲۴ کشور و جنبش رهائی- بخش شرکت‌داشتند. معمر قذافی رهبرلیبی، طی نطق‌خود در این‌کنفرانس، اظهارداشت که امپریالیسم‌آمریکابی‌شرمانه سیاست‌ماجراجویانه‌ٔ خودراعلیه‌مردم‌لیبی و خلق‌های این منطقه اعمال‌میکند. وی گفت‌که رئیس جمهور آمریکا و نوکرانش دشمنی‌خودبا این خلق‌هارا علنی‌کرده اند. معمر قذافی خاطر نشان‌کرد که مردم لیبی در برابر آمریکا و مزدورانش‌ایستادگی خواهند کردویک‌میلیون مردم‌این‌سرزمین کارخانه‌ها و مزارع‌ومدارس رابه‌سنگر مبارزه‌تبدیل‌خواهند کرد، تادربرابر امپریالیسم آمریکاایستادگی نمایند.

در پایان‌کار این‌کنفرانس، قطعنامه ای‌به تصویب‌رسیدکه‌طی آن، شرکت‌کنندگان‌در کنفرانس بر پشتیبانی خود از مبارزه جنبش‌های رهائی‌بخش وخلق‌های‌منطقه علیه‌امپریالیسم آمریکا ودر راه استقلال‌و آزادی تاکیدکرده‌اند.

ازسوی دیگر، درهمان‌روز (دوم‌اسفند) در دهلی‌نو پایتخت‌هند، "کنفرانس‌اقتصادی‌جنوب -جنوب" باشرکت‌نمایندگان ۴۴کشور رشدیابنده گشایش‌یافت. ازجانب‌جمهوری‌اسلامی‌ایران‌آقای عادلی مدیر کل‌اقتصادی وزارت امور خارجه دراین‌کنفرانس شرکت‌کرد. بانوایندیراگاندی نخست‌وزیر هند در سخنان خوددراین‌کنفرانس ضرورت‌استقرار نظام‌جدید در روابط اقتصادی جهانی‌را، که باید بر پایه‌برابری‌حقوق‌وعدالت باشد، خاطرنشان‌کرد. بانوایندیراگاندی اظهار داشت که جنبه‌های غیرعادلانه‌روابط اقتصادی کشورهای‌صنعتی رشدیافته‌غرب باکشورهای‌رشد یابنده، مانع عمده رشداقتصادی‌کشورهای‌رشد- یابنده‌است.

این‌گردهمائی‌ها وتاکید رهبران‌کشورهای مستقل‌ملی برمواضع قاطع و مشخص در مبارزه برضد امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی‌امپریالیسم آمریکادر زمینه‌های سیاسی واقتصادی، نمودار گرایشهای امیدبخشی است‌که‌موجب استحکام جبهه‌ٔ گسترده‌ضدامپریالیستی‌خلق‌ها در برابر توطئه‌هاوفعالیت‌های‌مداخله‌گرانه‌ٔ امپریالیسم آمریکا ورژیم های ضدخلقی وابسته‌خواهد شد.

اتحاد مردم
شماره ۱۱۸ دوره سوم دوشنبه ۱۰ اسفند ماه ۱۳۶۰

مجلس شورای اسلامی در هفته‌ای که گذشت:

آمریکا توطئه‌های جدیدی را علیه ایران آغاز کرده است

● نمایندگان مجلس شورای اسلامی خواستار اجرای بند «ج» شدند.

● حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی: ریشه جنایت (بمب گذاری در عشرت آباد) را آمریکا و امروز فرانسه می‌دانیم. ضد انقلاب می‌خواهد جمهوری اسلامی را وادار به خشونت کند. نباید در این دام بیفتیم.

درجلسات علنی مجلس شورای اسلامی درهفته‌گذشته، بر ضرورت اجرای بند "ج" واصلاحات ارضی تاکید شد. نمایندگان مجلس‌شورای‌اسلامی در هفتهٔ گذشته‌همچنین در موردتوطئه‌های‌جدید امریکا علیه انقلاب ایران‌هشدار دادند.

اولین جلسهٔ علنی مجلس‌شورای اسلامی درهفتهٔ‌گذشته، روز ۲ اسفند ۶۰ ابتدا به‌ریاست **حجت‌الاسلام خوئینی‌ها** وسپس حجت‌الاسلام **هاشمی رفسنجانی** تشکیل‌شد. دراین‌جلسه چند طرح و لایحه مورد بررسی وتصویب قرارگرفت وهمچنین اعتبارنامه "**خسرو ناقی**" نمایندهٔ کلیمیان‌ایران تصویب شد. دراین‌جلسه **عباس‌دوزدوزانی** نماینده تبریز درسخنان‌پیش‌ازدستور، ضمن اشاره‌به سفر خودبه‌خارج از کشور به مناسبت سومین سالگرد انقلاب، از مسئولین خواست‌که‌از زمینه‌های به وجودآمده در این سفرها، بهره‌برداری لازم رابه‌عمل‌آورند.

مجلس شورای‌اسلامی در دومین جلسه خود در هفتهٔ گذشته، که روز ۴ اسفند ۶۰ به ریاست **حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی** تشکیل‌شد، جنایت عوامل ضدانقلاب درمیدان سپاه (عشرت آباد) تهران‌رابشدت‌محکوم کرد.

نخستین‌ناطق این‌جلسه **عباس علی بهاری‌اردشیری** نمایندهٔ ساری بود، که‌بااشاره‌به‌حلقه‌محاصره‌ای که آمریکا دراطراف ایران‌ایجادکرده‌است به‌تشریح‌فعالیت‌های‌عربستان سعودی دراین‌زمینه پرداخت‌وازجملهٔ گفت:

"**زکی یمانی به پاکستان‌می‌رود و نفت پاکستان را مجانا تامین‌می‌کند.**" ناطق در پایان‌سخنانش‌خواستاراجرای بند "ج" واصلاحات‌ارضی شد.

خون دهنده یا خونخوار؟

دومین سخنران‌این‌جلسه **کاظم نوروزی** نمایندهٔ آمل‌بود. وی ابتدا به تشریح‌توطئه‌عوامل‌ضدانقلاب برای به تشنج‌کشاندن آمل پرداخت‌وتاکیدکرد که‌بین‌دستگیرشدگان "**حتی‌یک‌نفر فقیر وجود ندارد**"، همچنانکه بین‌شهدا و مجروحین‌حادثه نیز "**یک‌تن‌سرمایه‌دار نیست.**"

نمایندهٔ آمل نیز در پایان سخنان‌خود بر لزوم تصویب قانون اصلاحات‌ارضی توسط مجلس و اجرای دقیق آن از طرف دولت تاکیدکرد و گفت:

"**اکنون همه‌کنجکاوانه‌مراقبندکه کدامیک‌از اظهارنظرهاوموضع‌گیری‌های ماسودمی‌برند، خون‌دهنده‌یاخونخوار انشاءالله‌که‌دومی نباشد.**"

پس از سخنان‌ناطقین پیش از دستور **حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی** رئیس‌مجلس‌شورای‌اسلامی دربارهٔفاجعه بمب‌گذاری در میدان‌سپاه سخن‌گفت. وی‌ازجمله اظهار داشت:

"**ازنظر ما در این‌جنایات همه گروه‌های ضدانقلاب‌ومحارب به‌عنوان عامل‌مجرمند ومسئول، وریشه جنایت راآمریکا می‌دانیم وامروز فرانسه، برای اینکه این‌جنایتکارها امروز در فرانسه جمع شده‌اند ومشترکاتوطئه‌می‌ریزند.**"

رئیس‌مجلس سپس با اشاره‌به وقایع آمل‌گفت:

"**مراکزی را درتهران‌شناسائی کردیم‌که درهمین‌رابطه از آمریکا پول گرفته‌اندوپول‌خرج‌کرده‌اند.**"

رئیس مجلس اضافه کرد:

"**مخصوصا امروز فرانسه مرکز تجمع این جنایتکارها شده، بختیار، بنی‌صدر اویسی، ازهاری وعبورومرور رضاپهلوی وامثال اینها که مامی‌دانیم اینهاهمه‌آنجاهستند واین‌فرانسه‌است که‌آن‌هارا متحد کرده وفرانسه‌باید در آینده‌تاریخ‌جوابگوی ملت‌ما باشد... البته فرانسه هم بدون آمریکاکارنمی‌کند.**"

رئیس‌مجلس ضمن‌سخنان خود یکی‌ازمهم‌ترین‌دلایل ضدانقلاب رادر انجام‌اینگونه اعمال، وادار کردن جمهوری‌اسلامی به‌خشونت ذکر کرد و گفت:

"**این‌هامیخواهندکارهائی بکنند که‌ازلحاظ روانی جمهوری‌اسلامی‌وادار به خشونت شود که‌چهره جمهوری‌رادر دنیا بد نشان‌دهند... اما ما نباید در این‌دام بیفتیم. ماباید راه‌خودمان رابرویم وبراعصاب‌مان‌مسلط باشیم. با مجرم‌مثل مجرم رفتارکنیم و با تائب مثل تائب و بااصلاح‌پذیرها مثل‌اصلاح پذیرها وباجانیان بالفطره‌مثل‌جانیان بالفطره. و همانطور که‌قرآن از ما خواسته عمل کنیم، زیرا مامسلمانیم.**"

پرهیز از دام ضدانقلاب

حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی سپس‌به‌برخورد**امام خمینی** بااین‌حادثه اشاره‌کردوگفت:

"**درست‌همان‌لحظاتی که خبر این جنایت‌هولناک‌را به‌امام عرض‌کردند ما درحضورشان‌بودیم، همان‌لحظاتی بودکه‌ایشان توصیه‌می‌کردند رئیس دیوانعالی کشور را به‌اینکه سعی‌کنیم در زندان‌مابی‌گناه‌نداشته‌باشیم و یا گناهکار قابل‌عفو هم‌نداشته‌باشیم. این‌برخورد، برخوردما است‌این راهی است‌که‌برادران‌ما درداستانی انقلاب درزندان‌ها ودر هرجاکه‌بامخالفان و دشمنان‌مواجه‌هستند، باید در پیش بگیرند.**"

پس ازپایان سخنان‌**حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی**، مجلس وارد دستور شد وچند طرح ولایحه به‌تصویب‌رسید.

در جلسهٔ علنی روز۶اسفند۶۰، که بریاست‌**حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی** تشکیل شد، کلیات طرح‌تشکیل‌شوراهای کشوری‌به‌تصویب رسید.

نخستین‌ناطق پیش‌ازدستور این جلسه‌**خسروناقی** نماینده کلیمیان بود، که ضمن تشریح دروغپردازیهای‌بلندگوهای امپریالیستی وصهیونیستی درباره‌اقلیت‌های‌دینی‌ایران، برهم‌راهی وهمکاری همهٔ‌اقلیت‌های‌دینی با انقلاب وجمهوری‌اسلامی‌ایران تاکید کرد.

دومین‌سخنران **دکترکیائی** نماینده‌تویسرکان، بااشاره‌به‌سفرهای اخیر نمایندگان‌آمریکابه‌منطقه‌خاور‌میانه‌وفعالیت‌های کشورهای عضو "**شورای‌همکاری‌خلیج**" (فارس) هشدار دادکه:

"**آمریکا وتمام‌اذناب‌خونخوارش درتمامی‌جبهه‌ها دست‌به‌کارشده‌اند تا توطئه‌های جدیدی را علیه ایران‌آغاز کنند.**"

سیاست ناصحیح درگزینش معلم

در این‌جلسه‌همچنین سئوال **موحدی‌ساوجی** نمایندهٔ ساوه از وزیر آموزش‌وپرورش درباره تعدادمعلم مورد نیاز و برنامه‌وزارت‌آموزش‌وپرورش‌برای رفع این‌کمبود، مطرح‌شد. نماینده ساوه ضمن‌طرح‌سئوال‌خود، ازجمله‌به‌سیاست گزینش‌معلم اشاره‌کرد وگفت که این سیاست‌درست‌وهماهنگ‌نیست. وی‌گفت:

"(درمصاحبه) **یک‌سئوالاتی را مطرح‌می‌کنند که‌اصلااگر از افرادمتدین متعبد صف‌اول نماز جماعتی که‌دهسال هم به‌مسجد می‌رود بپرسند، شاید جوابش‌رانداند. انواع واقسام‌شکیات راسئوال‌می‌کنند یااز یک‌نفر سئوال‌می کنند که‌مرده را در چند تکه باید کفن کفن‌کرد، وبعد این‌چندتکه کفن چه شرایطی باید داشته‌باشد. این‌بندهٔ خدامگر مرده‌شور است که‌بداندمرده‌را درچندتکه‌باید کفن‌کرد؟**"

دراینجاوزیر آموزش و پرورش به سئوال‌نماینده‌مردم ساوه‌پاسخ‌داد، لیکن **موحدی‌ساوجی**، ضمن ناکافی دانست پاسخ وزیر آموزش و پرورش تاکیدکرد که باچنین‌سیاستی افرادغیر متعهد، که‌این‌مسائل را "طوطی وار" آموخته‌اند، به‌آموزش و پرورش راه‌پیدا میکنند. وی آنگاه تاکید کرد که او با سیاست گزینش‌مخالف‌نیست، بلکه با ناهماهنگی‌آن واعمال سیاست‌های‌مختلف مخالف است. **موحدی ساوجی** سپس‌اضافه‌کرد:

"**معلم‌هائی که‌متدینند ودرجهت انقلاب‌هستند وخدای‌نکرده‌فکروعقیده وذهن وایمان‌فرزندان این‌جامعه‌رانمی خواهند تخریب‌کنند، بلکه‌واقعا به‌شغل معلمی‌علاقه‌دارند ومی‌خواهند خدمت بکنند، ماباید این‌ها را دعوت بکنیم وبرای‌کارکردن‌جذب‌کنیم. دراین‌جهت من‌فکرمی‌کنم وزارت‌آموزش و پرورش موفق‌نبوده‌است.**"

موحدی‌ساوجی آنگاه خواستار ارجاع سئوال به‌کمیسیون‌مربوطه‌شد.

سفر هیئت‌های ...

بقیه‌ازصفحه ۴

چکسلواکی با مقامات این کشور انجام داد، ازجمله نخست‌وزیرچکسلواکی "**ضمن تبریک فرارسیدن سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، خواستار توسعهٔ روابط دوکشورایران‌وچکسلواکی درزمینه‌های گوناگون‌خصوصااقتصادی شد.**" (اطلاعات ــ ۶۰/۱۲/۳).

نیکاراگوئه

هیئت دیگری از جمهوری اسلامی ایران به ریاست **احمد عزیزی**، قائم مقام وزارت امورخارجه، درجریان دیدار خود از نیکاراگوئه، با مقامات این کشور گفتگوهایی انجام داد. **دکتر رافائل کوردوباریواز**، عضو شورای حکومتی‌این کشور، درجریان ملاقات با هیئت ایرانی با اشاره به "**ضربهٔ سنگینی که انقلاب ایران به منافع اقتصادی وسیاسی آمریکا وارد آورد**"، خاطرنشان کرد:

"**ما احترام خاصی برای مردم ایران و امام‌خمینی قائلیم وویژگیهای انقلاب شما را بخوبی درک‌میکنیم**".

احمدعزیزی نیز دراین دیدار "**با اشاره به اهمیت روابط نزدیک بین کشورهای مستضعف و موضع ضد‌آمریکایی و ضدامپریالیستی‌نیکاراگوئه نسبت به گسترش روابط اقتصادی و سیاسی با این‌کشور اظهارعلاقه کرد و اظهارامیدواری کردکه درسفری که هیات عالیرتبه نیکاراگوئه درآینده نزدیک به ایران خواهند داشت، چگونگی توسعهٔ روابط فیمابین مورد بررسی و موشکافی قرارگیرد**". (همان جا).

مجارستان

هیئت اعزامی ایران به ریاست **عباس دوزدوزانی**، در دیدار از مجارستان، بامعاون مجلس این‌کشور ملاقات کرد و طی آن "**توطئه‌های امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و مزدورانش علیه انقلاب ایران مورد بحث و تبادل نظرقرار گرفت**". (کیهان ۲۵ بهمن ۶۰).

رومانی

هیئت اعزامی به سرپرستی آقای **دکترجاسبی** به‌چندکشورسوسیالیستی اروپا، از رومانی نیز دیدار کرد و در این سفر با رئیس مجلس رومانی، معاون نخست وزیر و وزیرآموزش این کشورملاقات کرد و پیرامون توسعهٔ روابط بین دو کشور گفتگوهایی بعمل آورد. (کیهان، ۲۵ بهمن ۶۰).

اتحادشوروی

هیئت اعزامی به ریاست **آقای‌دکتر غفوری فرد** وزیرنیرو، که به اتحاد شوروی سفر کرد، ازچند شهر این کشور دیدار‌کرد و با مقامات این‌کشور به گفتگو نشست. درپایان این سفر، **دکترغفوری فرد** اظهارداشت که پروتکلی درزمینهٔ برخی همکاریهای فنی میان دوکشور به امضاء رسیده است. (جراید، ۲۲ تا ۲۷ بهمن ۶۰)

همچنین **حجت‌الاسلام خوانساری** یکی از اعضای این هیئت، دربارهٔ این سفرگفت:

"**ما در دیدار با رهبران مذهبی مسلمانان شوروی، این مطلب را به خوبی دریافتیم که آنها نیز مدافع انقلاب اسلامی ایران هستند و برای تداوم این انقلاب، تلاش میکنند.**" (اطلاعات، سوم‌اسفند ۶۰).

کوبا

هیئت اعزامی ایران به ریاست **احمدعزیزی**، قائم‌مقام وزیرامور خارجه، با **فیدل کاسترو** دبیراول کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست ورئیس جمهور کوبا دیدار و گفتگو کرد. در این دیدار **احمدعزیزی**، با اشاره به مبارزهٔ دوکشور علیه‌امپریالیسم بین‌المللی به سرکردگی آمریکا، آن را "**وجه اشتراک دو انقلاب ایران و کوبا دانست**" و خواستار آن شد که "**کشورهای انقلابی که خود را رویا روی آمریکامیدانند**" علیه توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران موضعگیری کنند.

فیدل کاسترو نیز درسخنان خود گفت:

"**جمهوری اسلامی ایران بانیروی مردمی ومذهبی، قابلیت استقامت درمقابل همهٔ توطئه‌ها را دارد و من هیچ نگرانی از ثبات کشورشماندارم**"

رهبر کوبای انقلابی لشگرکشی اردن علیه انقلاب اسلامی ایران را فاقد "**هرگونه ارزش‌نظامی**" دانست و گفت:

"**اردنیها با این حرکات سمبلیک هیچ چیز را نمیتوانند عوض کنند**".

"**رهبر کوبا درپایان این دیداربار دیگر مواضع انقلابی جمهوری اسلامی ایران راستود و براعتقاد قلبی خود به حقانیت این‌مواضع تاکید کرد و از سوی خود و ملت کوبا به امام‌خمینی رهبرانقلاب درود فرستاد**". (کیهان ۲۰ بهمن ۶۰).

چنانکه درنمونه‌های بالا آمد، تجربه باردیگر نشان داد که ارتباط و تماس ایران انقلابی با کشورهای جهان بخودی خود مثبت و بسود انقلاب اسلامی ایران است.

سفر هیئت‌های ایرانی به کشورهای دوست و کشورهائی که مواضع بیطرف و یا کم وبیش دور از ایران دارند، اما دشمن فعال انقلاب مانیستند، می‌تواند اثرات بسیار زیادی داشته باشد.

درهمهٔ این کشورها، با سفر هیئت‌های ایرانی، انقلاب‌اسلامی ایران معرفی می‌شود، توطئه‌های امپریالیسم خبری‌برای‌نشان‌دادن‌سیمای تیره‌ای از ایران انقلابی‌ ـ بویره در کشورهای بیطرف ــ خنثی می‌گردد و مردم جهان با آنچه براستی درایران میگذرد، آشنا می‌شوند.

سفر هیئت‌های ایرانی به کشورهای دوست سبب می‌شود، تا تجربیات ردوبدل شود و آیران انقلابی بتواند از تجربهٔ‌غنی نیروهای انقلابی در سایرکشورها برای نوسازی کشور استفاده کند. دراین سفرها ـ چنانکه دستاوردهای سفرهای اخیر نشان میدهد ـ زمینه برای گسترش روابط و همکاری بین ایران و کشورهای مترقی جهان فراهم می‌آید. به این ترتیب ایران انقلابی دوستان خود را بیشتر و بیشترمی‌شناسد و درپیوند با آنها، جبههٔ جهانی ضدامپریالیستی را تقویت می‌کند وخود از پشتیبانی نیروهای ضدامپریالیستی در سراسر جهان برخوردار میشود.

ما امیدواریم که این سیاست انقلابی ادامه پیداکند، بر میزان تماس ایران‌باکشوهای‌ضدامپریالیستی جهان افزوده شود و راه برای تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب هموار و هموارترگردد. اما آنچه به ویژه اهمیت دارد، پی‌گرفتن نتایج سفرهای اخیر ازجانب دولت است. دولت می‌تواند برزمینه‌های فراهم شده، همکاری‌های عملی دررشته‌های موردنیازکشور راباکشورهای‌دوست‌آغاز کندوبه‌این‌ترتیب‌راه‌برابر توطئه‌های دشمن‌برای‌فلج‌کردن‌اقتصادکشوربستد.

صنایع سنگین :

پایه‌های استقلال اقتصادی و پیشرفت اجتماعی

در هفته‌های اخیر مسئله‌ٔ صنعتی کردن کشور و لزوم توجه به صنایع سنگین، بمثابه پیش شرط ضرور در روند صنعتی کردن، از جانب برخی مسئولین کشور و از جمله آقای هاشمی وزیر صنایع مطرح شده است. آقای هاشمی در مصاحبه مطبوعاتی خود، ضمن اشاره به وضع اسفبار صنایع ایران و ارائه آمارهائی در زمینه جوانب گوناگون وابستگی صنایع ایران به کشورهای امپریالیستی، به لزوم پایه‌گذاری صنایع سنگین، بعنوان زیربنائی که می‌تواند در کاهش وابستگی اقتصادی ـ میراث شوم رژیم گذشته ـ نقش موثری ایفاء کنند، مسئله ایجاد وزارت صنایع سنگین را مطرح کرد.

چنانکه می‌دانیم، در دوران سه ساله پس از انقلاب، در زمینه صنعتی کردن کشور، نظریات نادرستی ابراز می‌شد، که بطور عمده القاء لیبرال ها و عناصر خرابکار بود، و متاسفانه برخی از یاران صدیق انقلاب نیز، بعلت ضعف شناخت و کمبود تجربه، بدام این نظریات نادرست القائی می‌افتادند. از جمله ادعا می‌شد که، برای از بین بردن وابستگی کشور و تامین استقلال اقتصادی، باید برای کشاورزی اولویت قائل شد. حال آنکه می‌دانیم امروزه، در عصر انقلاب علمی و فنی، کشاورزی خود بیش از پیش به صنعت وابسته می‌شود. افزایش بهره‌وری کار در کشاورزی تنها به برکت استفاده از ماشین آلات و ابزارهای پیشرفته کشاورزی، کود وغیره امکان‌پذیر است، و در صورت فقدان صنایع سنگین، این ماشین آلات و ابزارها و قطعات یدکی آنها وغیره باید از خارج وارد شود. بعلاوه، یکی از آماجهای عمده کشورهای رشد یابنده، از بین بردن اقتصاد تک محصولی تولید مواد خام کشاورزی و یا معدنی است.

در چارچوب چنین نظریاتی بود که چندین بار زمزمهٔ تعطیل کارخانهٔ ذوب آهن نیز به بهانه عدم سوددهی، مطرح شد. همچنین محافل معینی مسئلهٔ اولویت قائل شدن برای صنایع سبک را، که سوددهی آنها سریعتر و بیشتر است، مطرح می‌کردند. اولویت قائل شدن برای صنایع سبک نه تنها از میزان وابستگی صنعتی و فنی میهن ما به خارج نخواهد کاست، بلکه آنرا افزایش خواهد داد. زیرا ماشین آلات و قطعات یدکی مورد نیاز صنایع سبک نیز باید از خارج وارد شود.

درجهٔ رشد اقتصادی هر کشوری در وهلهٔ نخست از طریق ترکیب صنایع تعیین می‌شود. زیرا در آخرین تحلیل، این ساختار صنعتی اقتصاد ملی است که می‌تواند رشد اقتصادی موزون و دراز مدت و مداوم را تامین کند. و این امر فقط از طریق پایه‌گذاری صنایع سنگین مدرن و بهبود شاخص های کیفی اقتصاد و پیش از همه، بهبود کیفی نیروی کار و درجهٔ سازماندهی تولید انبوه امکان‌پذیر است.

و اما صنایع سنگین به چه معناست؟ صنعت بطور کلی به دو شاخه صنعت سبک (تولید وسایل مصرف) و صنعت سنگین (تولید وسایل تولید) تقسیم می‌شود. به عبارت دیگر، صنایع سنگین، صنایعی هستند که وسایل تولید هر جامعه را تولید می‌کنند.

الگوی رشد صنایع در کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری عبارتست از رشد صنایع سبک در آغاز رشد نظام سرمایه‌داری و سپس بدنبال آن رشد صنایع سنگین. البته، در دوران امپریالیسم، درنتیجه تشدید روند رشد ناموزون سرمایه‌داری در کشورهای مختلف و در شاخه‌های گوناگون اقتصاد، این الگو به شکل کلاسیک خود عمل نمی‌کند. و نمی‌تواند عمل کند. صنعتی کردن کشورهای رشد یابنده در شرایط انقلاب علمی و فنی در مقیاس جهانی و عقب‌ماندگی همه‌جانبه کشورهای رشد یابنده نسبت به کشورهای رشد یافتهٔ سرمایه‌داری، صورت می‌گیرد. و از همین رو الگوی کلاسیک رشد صنایع نمی‌تواند گرهی از مشکلات فزاینده کشورهای رشد یابنده بگشاید.

ضرورت صنعتی کردن کشورهای رشد یابنده (از جمله ایران) از سه دسته عوامل بهم پیوسته نشات می‌گیرد:

۱ـ غلبه بر عقب ماندگی اقتصادی میراث استعمار،

۲ـ کسب استقلال اقتصادی بمثابه یگانه ضامن استقلال سیاسی،

۳ـ ضرورت حل مشکلات مبرم اجتماعی ـ اقتصادی.

بدون صنعتی کردن و تکیه بر صنایع سنگین، کسب استقلال اقتصادی در کشورهای رشد یابنده امکان ناپذیر است. از همین رو امپریالیسم و نواستعمار می‌کوشند که این روند را متوقف سازند.

وضع اسف بار صنایع ایران، که آقای هاشمی نیز در مصاحبه خود به برخی از جوانب آن اشاره می‌کند، و جا دارد کمی بیشتر درباره آن صحبت کنیم، نتیجه مستقیم سیاست نواستعماری است، که رشد اقتصادی ایران را در جهتی قرار داده بود که وابستگی علمی و فنی کشور به جهان سرمایه‌داری روز به روز عمیق‌تر گردد. بدین ترتیب، سیاست ضد ملی رژیم شاه ملعون از همان آغاز صنایع کشور را تابع امیال آزمندانه امپریالیسم ساخت که در نهایت امر منجر به چنان هرج و مرج اقتصادی گردید، که ما امروز شاهد آنیم.

هدف استراتژی نواستعماری امپریالیسم، که توسط انحصارهای بین‌المللی در کشور ما پیاده شد، بطور عمده عبارت بود از: جلوگیری از ایجاد صنایع بنیادی و مالا ممانعت از کسب استقلال اقتصادی، حفظ ایران بعنوان کشور تولید کننده مواد خام صنایع رو به گسترش جهان سرمایه‌داری و عرصهٔ سرمایه‌گذاری و بازار فروش کالا.

آنچه امروز در ایران صنعت نامیده می‌شود و از رژیم شاه ملعون به ارث رسیده، بطور عمده حلقه‌های جداگانه زنجیری است که هیچ گونه رابطهٔ تولیدی با یکدیگر ندارند. طبق یک برآورد در سال ۱۳۵۶، تعداد کل کارگاه‌های صنعتی بزرگ و کوچک در شهر های ایران بالغ بر ۳۰۳ هزار بود، که در آنها ۱۳۳۵۰۰۰ نفر مشغول کار بودند. از این کارگاه‌ها ۸۲۰۰ واحد در ردیف کارخانه‌های بزرگ محسوب می‌شدند، که تعداد کارکنانش از ۴۷۰ هزار نفر تجاوز نمی‌کرد. به بیان دیگر، کارخانه‌های بزرگ (و نه صنایع سنگین) از لحاظ تعداد فقط ۲/۳٪ واحد های صنعتی کشور را تشکیل می‌دادند و میانگین کارکنان هر واحد صنعتی از ۵۷ نفر تجاوز نمی‌کرد.

بررسی آخرین آمار مربوط به سهم ارزش تولید رشته‌های مختلف صنعتی در کل تولید صنعتی در سال ۱۳۵۶ نشان می‌دهد که، بیش از ۴۲/۵٪ ارزش تولیدات صنعتی مربوط به مواد غذائی، محصولات نساجی و پوشاک است و سهم رشته‌هائی چون فلزات اساسی و ماشین‌سازی در کل تولید صنعتی، از ۱۶/۲٪ تجاوز نمی‌کند.

مطالعه ترکیب محصولات صنایع بنیادی، از قبیل صنایع فلزات اساسی، ماشین آلات برقی و ماشین سازی نیز وضع اسفناک صنعتی شدن کشور را آشکار می‌سازد:

محصولات صنایع فلزی ایران عبارتند از ظروف آلومینیومی، انواع سماور، اشیاء حلبی، تانکر، میخ، انواع بخاری، در و پنجره، قفل و کلید و غیره.

و اما وقتی از صنایع ماشین آلات برقی سخن می‌رود، منظور تعداد زیادی کارگاه‌های کوچک و متوسط است، که بطور عمده کولر، کلید و پریز برق، یخچال، تلویزیون، لوستر، کباب‌پز، اجاق، لامپ، باطری، تلفن و غیره را در داخل تولید و یا مونتاژ می‌کنند.

محصولات عمدهٔ صنایع ماشین سازی ایران عبارتند از: ماشین پسته پوست‌کنی، سمپاش، ماشین چای‌سازی، برنج‌کوب، خرمن‌کوب، قپان، باسکول، بلبرینگ، لودر، فیلتر و برخی از انواع ابزار ماشین، که بر پایه مواد اولیه نیم‌ساخته و قطعات منفصله وارد شده از خارج، تهیه می‌شود.

از لحاظ تولید سرانه فولاد (۱۵ کیلوگرم برای هر یک از ساکنین کشور) ایران در زمره عقب مانده‌ترین کشور ها قرار دارد. واردات آهن و فولاد حدود ۱۶٪ کل واردات کشور را تشکیل می‌دهد. یا مثلا در ۱۳۵۲، کل سیمان تولید شده در ایران، در مقایسه با ۳۰۷۱۷۰۰۰ تن تولید سیمان در فرانسه، یا ۴۱۰۱۱۰۰۰ تن سیمان تولید شده در آلمان باختری، فقط ۳۴۸۹۰۰۰ تن بود.

برای بدست دادن تصویر دقیق‌تری از عمق وابستگی صنایع موجود ایران، به گوشه‌هائی از این وابستگی در دو نمونه مشخص زیرین اشاره می‌کنیم:

۱ـ صنایع دیزل سازی

مواد اولیه وارداتی: مواد اولیهٔ فلزی، پیستون، تورهای دیزل، جعبه دنده‌های مخصوص، قطعات ریخته‌گری و قطعات پیچیده ماشین کاری شده، میل‌لنگ، شاتون و میل سوپاپ، لوازم برقی، لوازم و قطعات سوخت‌رسانی، موتور، سیلندر و ...

۲ـ صنایع تولید وسایل کشاورزی و آبیاری

مواد اولیه وارداتی: موتور، گیربکس، دفرانسیل، بولبرینگ و دیگر قطعات پیچیده مشابه.

دو نمونه گویای بالا، که قابل تعمیم در مورد دیگر صنایع نیز هستند، تنها گوشه‌هائی از این وابستگی را نشان می‌دهند. جالب است بدانیم که حدود ۷۲٪ مواد اولیه مورد نیاز صنایع بزرگ ایران، از کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری مانند ژاپن، ایالات متحدهٔ آمریکا، آلمان غربی، انگلستان و فرانسه تامین میشده است.

در چارچوب چنین وابستگی است که یکی از شیوه‌های امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم جنایت پیشهٔ آمریکا، برای بزانو درآوردن مردم قهرمان میهن ما و درهم شکستن انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران، محاصره اقتصادی است. محاصرهٔ اقتصادی میهن ما نه یک سیاست لحظه‌ای و کوتاه مدت، بلکه سیاست بلند مدت امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا است. تجربه محاصره اقتصادی بیست ساله کوبای انقلابی موید این ادعاست. برای مقابله با این سیاست، باید به صنعتی کردن کشور و پایه‌گذاری صنایع کلیدی و مادر همت گماشت. و در این راه مسلما انقلاب اسلامی ایران می‌تواند از کمک‌ها و مساعدت‌های بی‌چشمداشت و بدون قید و شرط جبهه وسیع ضد امپریالیستی جهانی بهره‌مند گردد.

"دلیری که بد نام او اشکبوس
همی برخروشید بر سان کوس"
فردوسی

ریگان‌نامه



یکی مافیا بود ریگان به نام
چو دیوی سر از ینگه‌دنیا کشید
دم از بمب نوترون زد و جنگ سرد
به‌لیبی درافکند موج بلا
کشید آن تبه‌کار خر مرد رند
گهی بهر کابل بگسترد دام
چو عفریت کوجفت اهریمن است
به قصد خطا تا طبس سر کشید
یکی زهرآورد کاینست شهد
بگین را رها کرد جولان خورد
عرب را به لب آمده جان از او
ز اوضاع ایران بشد خشمناک
چو اقبال مردم فروکوفت کوس
بشد سلطنت تا ابد واژگون
همه مستشاران او دک شدند
سفارت دژی بود الحق عجیب
چو این ضربت کاری آمد فرود
نمی‌خواست این یانکی خودپسند
کنون چون عیان گشت هر راز او
همه رهزنان انجمن ساختند
که ای وای! دنیا به آخر رسید
بباید کنون چاره‌ای ساختن
گمانشان که ریگان بود نره شیر
خلایق، چوگردند همپشت و دوست:
از آن گاو بازان عالی مقام
بزد طبل و فریاد هیجا کشید
برانگیخت اسب و برآورد گرد
بزد دشنه‌ای بر تن آنگولا
یکی ناوگان تا به دریای هند
گهی بهر ورشو: خیالات خام
برون شد، که این: "اختر روشن"* است
تریب‌وایر راگرد خاور کشید
نهاده همی نام آن طرح فهد
تو گوئی خری جو ز انبان خورد
به‌خون غرقه‌شد خاک لبنان از او
چو جنبید خلق اندرین خاک پاک
رخش زرد گردید چون سندروس
برفت از کفش نفت ارزان برون
ز افکار او خلق درشک شدند
لبالب ز جاسوس و مکر و فریب
به چشمش سیه گشت بود و نبود
که گردد درفش خمینی بلند
نعیق غراب است آواز او
صلای مصیبت درانداختند:
دریغا که دور خوشی سر رسید!
وگرنه رسد نوبت باختن.
ندانند، کاخر از این گرگ پیر،
برآرند مغز و بدرند پوست.

* اختر روشن همان "ستارهٔ درخشان" است.

ایران و جبهه جهانی ...

بقیه از صفحه ۱

به طور عینی در کنار یکدیگر قرار دارند. بیهوده نیست که کوبای انقلابی از آن سوی جهان دست در دست نیکاراگوئه تازه از بند رسته، بازوی یگانهٔ خود را به بازوی ایران انقلابی در این سوی جهان پیوند می‌زنند و این حلقهٔ انقلابی در خاورمیانه در حلقهٔ بازوی سوریه گره می‌خورد، در کنار گوش حکام مرتجع عرب به یمن دمکراتیک و از آنجا تا اعماق آفریقای برپاخاسته، به لیبی و آنگولا و موزامبیک، می‌رسد.

جبههٔ دوم، جبهه‌ایست که نیروهای ضد انقلابی صرفنظر از عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا در آن متحد شده‌اند.

نبردی است تاریخی به مقیاس جهان، که در دهه‌های پایانی قرن ما، سرنوشت انسان را تعیین می‌کند.

هیچ نیروئی بطور عینی خارج از این دو جبهه نیست. بی‌طرف بودن در عصر ما نه ممکن است و نه سودمند. هر نیروئی یا با امپریالیسم است و یا بر ضد آن.

ایران انقلابی، که تا امروز بطور عینی در جبههٔ جهانی ضد امپریالیستی قرار داشت، می‌رود تا با استفاده از تجارب سه سال گذشته، به شکلی که شایسته آنست آگاهانه پیوند خود را با جبههٔ جهانی ضد امپریالیستی برقرار و مستحکم کند. غیر از این هم ممکن نیست چگونه می‌شود که ایران انقلابی در تحول انقلابی عصر ما نقش فعال بازی نکند؟

این نقش فعال تنها و تنها با حضور قاطع و همیشگی ایران در جبههٔ جهانی ضد امپریالیستی ممکن است. خوشبختانه سخنان رئیس جمهور اسلامی ایران نشان می‌دهد که ایران انقلابی سمت حرکت خود را یافته است. در این سمت باید با قاطعیت و هشیاری حرکت کرد. باید با همه کشورها و جنبش‌های مترقی، انقلابی و ضد امپریالیست جهان ـ با حفظ استقلال کامل ـ پیوندها را برقرار و مستحکم کرد. قدم اول پیوند با نزدیک‌ترین حلقه جبههٔ جهانی ضد امپریالیستی به ایران، یعنی "جبههٔ پایداری عرب" است.

بمناسبت " روز انقلاب " درجمهوری عربی سوریه (۱۷ اسفند ۱۳۴۱ - ۸ مارس ۱۹۶۳)

جمهوری عربی سوریه درسیاست خارجی

دارای مشی پیگیر ضدامپریالیستی ـ ضد صهیونیستی است

(قسمت دوم)

سازمان تروریستی "اخوان المسلمین" به‌کمک "سیا" و "موساد" برای سرنگون ساختن رژیم ضد امپریالیستی در سوریه تلاش می‌کند

ارتجاع داخلی وامپریالیست‌های پشتیبان آن درسالهای اخیرپیوسته از سازمان تروریستی ومسلمان‌نمای "اخوان المسلمین" برای‌پیشبرد دسیسه ـ های‌ارتجاعی خود به بهره جوئی پرداخته‌اند. رهبری "اخوان المسلمین" را، که تاکنون بارها به‌کشتار مردم بیگناه سوریه دست زده است، سازمانهای جاسوسی آمریکاواسرائیل، یعنی "سیا" و "موساد"، بدست دارند.

دوسال‌پیش (درسپتامبر ۱۹۷۹) روزنامه "الکفاح العربی" (بیروت) بنقل ازشیکاد، مفسرمعروف اسرائیلی، نوشت که: "باتهدیدات پی در پی و پدید آوردن شرائطی که سوری‌ها رابه تغییر استراتژی خود وادار سازد"، باید سوریه‌را به‌پای‌میزمذاکره‌میان اسرائیل و مصر "کشانید". روشن است‌که "اخوان المسلمین" نیز نقش "شایسته" خودرا دراعمال این "تهدیدات‌پی درپی" بازی می‌کند.

برژینسکی ـ همچنانکه درباره‌ٔ ایران ـ درباره‌ٔ اعراب نیز طرح و رهنمود خویش را ارائه داشته‌بود. به گزارش "بیروت الشرق"، وی‌گفته بود که، بابرپاکردن ستیزه‌های مذهبی بایدبه‌اعراب‌نشان دادکه‌خطرات دیگری نیز وجود دارد، که‌رویاروئی با آنهامهم‌تراز مبارزه‌بااسرائیل‌است.

برژینسکی درتعمیم این‌اندیشه اظهارامیدواری‌کرده‌بودکه، ناآرامی ـ های‌مذهبی درخاورمیانه، مردم کشور ـ های‌این‌منطقه رابه‌تسلیم (در برابر امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع) وادار سازد.

چنانکه‌حافظ اسد رئیس‌جمهوری عربی سوریه، دریک سخنرانی رادیو ـ تلویزیونی یادآورشد، هدف ازتروریسم "اخوان المسلمین" همچنین مقابله با دستاوردهای اجتماعی‌زحمتکشان سوریه است.

دولت‌سوریه برای‌درهم شکستن این‌لانه‌ارتجاع‌گام‌های‌بزرگی برداشته است. برای‌نمونه، گردانهای‌ضدترور ـ یستی ویژه‌ای‌مرکب‌ازکارگران‌وجوانان انقلابی تشکیل‌شده‌است. دربسیاری‌از شهرهای‌سوریه، "کمیته‌های‌میهن ـ دوستان" باشرکت اعضای "حزب‌بعث" کمونیست‌هاودیگرنیروهای‌مترقی برای مبارزه بادسیسه‌های‌تروریستی "اخوان المسلمین" برپاگشته‌است.

انگیزه فاجعه ۸ آذر ۶۰ و نقش "خاص" "سازمان "اخوان المسلمین" را باید در پایداری سرسختانه‌سوریه در برابرگسترش‌جوبی‌امپریالیسم آمریکا، تجاوزکاری اسرائیل، وتسلیم طلبی و خیانتکاری رژیم های ارتجاعی عرب در خاورمیانه‌جست. سوریه‌بدلیل‌نقش موثروفعال‌خود در "جبههٔ‌پایداری" به ویژه‌در راستای عقیم‌گذاشتن تبانی "کمپ‌دیوید"، به‌یکی‌ازآماجهای‌اصلی نقشه‌های‌تجاوزی وتوطئه‌های‌تخریبی و براندازی امپریالیسم آمریکاوصهیو ـ نیسم اسرائیل‌بدل‌شده‌است.

ازچند ماه پیش از فاجعه‌دمشق، که‌دامنه‌تجاوزات نظامی‌اسرائیل به لبنان از زمین، هوا ودریا به خاک لبنان گسترش یافت، وجودنیروهای‌باز ـ دارنده سوریه درلبنان‌وبویژه‌موشک ـ های "سام" این‌کشور دردره "بقاع" بزرگترین سد دفاعی در برابر این تجاوز بود. "دیپلماسی" آمریکا نیز همواره تلاش می‌ورزید، تا باسفرهای پی‌درپی فیلیپ حبیب وماموریت‌ارعاب ـ آمیز او، به یاری‌اسرائیل‌بشتابدو سوریه رازیرفشاروتهدید همه‌جانبه‌قرار دهد. اما، چنانکه "تشرین" روزنامهٔ دولتی‌سوریه، درجریان یکی‌ازسفرهای پرتب‌وتاب‌فیلیپ‌حبیب برای‌باصطلاح "فیصله‌دادن" به "بحران موشکی" نوشت:

"حتی‌اگرفیلیپ‌حبیب هزار بار به‌این‌منطقه سفرکند، سوریه‌موشک های خودرا از لبنان خارج نخواهد ساخت"

وجودنیروهای‌سوری درلبنان و دفاع‌آنان از منافع "جنبش ملی ـ مترقی‌لبنان" و "جنبش‌مقاومت‌فلسطین" همچنان خاری‌است درچشمان آزمند صهیونیست‌های‌اسرائیل‌ومتحدان آمریکائی آنها.

جنایت ۸ آذرماه ۶۰ "اخوان المسلمین" پیش درآمدگام دیگر دولت اسرائیل در ۲۳ آذرماه ۶۰ (۱۴ دسامبر ۸۱) در راه تحقق رویای دیرینه‌صهیو ـ نیستها درباره ایجاد "اسرائیل بزرگ از نیل تافرات" بود. هشت روز پس از فاجعه آفرینی مسلمان‌نمایان‌در دمشق، "کنشت" (پارلمان‌اسرائیل) پیشنهاددولت بگین‌رادرباره "الحاق" بلندیهای‌جولان به خاک اسرائیل تصویب کرد. یادآور می شویم که این منطقه، که‌درحدود ۱۶۷۵ کیلومترمربع وسعت دارد و ۶۳% از خاک آن حاصل ـ خیز است، درجنگ ۱۳۴۶ (۱۹۶۷) به‌تصرف اسرائیل‌درآمد. این‌گام دولت اسرائیل، که همچنین چند روز پس از امضای قراردادباصطلاح "همکاری استراتژیک"، میان اسرائیل وآمریکا برداشته شد، خشم جهانیان را برانگیخت. اسرائیل‌وایالات‌متحدهٔ آمریکانخست "جنگ‌زرگری" را میان خود راه‌انداختند، ولی‌دولت ریگان در "شورای‌امنیت" با "وتوی‌پیش نویس قطعنامه‌ای، که‌خواهان‌مجازات‌اسرائیل شده‌بود، به‌یاری "تل‌آویو" شتافت. نماینده آمریکاومتحدان امپریالیستی این کشور، در "مجمع عمومی" سازمان ملل‌متحدنیز به پیش نویس‌قطعنامه ای همانند رای مخالف دادند، امااکثریت کشورهای غیر متعهدوسوسیالیستی توانست‌قطعنامه‌نامبرده‌رابه‌تصویب "مجمع عمومی" برساند.

درتابستان ۱۳۵۹ (ژوئیه ۱۹۸۰) قانونی ازتصویب "شورای خلق" (پارلمان) سوریه‌گذشت، که برای عضویت‌درسازمان‌تروریستی "اخوان المسلمین" "مجازات اعدام مقررداشت. این‌قانون به‌اعضای‌این‌سازمان ترور ـ یستی یکماه‌فرصت دادکه‌ازآن‌کناره‌گیری کنند. ضرب‌الاجل‌نامبرده‌سپس‌برای‌دو ماه‌دیگرتمدید شد. بگزارش "تشرین" تا ۹ شهریور ۱۳۵۹ (۳۱ اوت ۱۹۸۰) روبهمرفته هزارنفراز "اخوان المسلمین" کناره‌گرفتند.

اماتازه‌ترین جنایت "اخوان المسلمین" در روزهشتم آذرماه ۶۰ (۲۹ نوامبر ۸۱) نشان دادکه، این‌باند تروریستی، هنوزکاملاریشه‌کن‌نشده‌است وهمواره‌در دسیسه‌های‌آمریکا، اسرائیل ورژیم های مرتجع عرب نقش "خاص" خودرا بازی‌می‌کند. یادآورمی شویم که، در روزنامبرده عوامل "سیا" و "موساد" درنزدیکی یک‌پادگان در دمشق‌بمبی منفجرساختند، که‌دست‌کم ۱۵۰ کشته‌و ۲۰۰ زخمی بجای‌گذاشت.

* یک‌مفسرمعروف اسرائیلی: باتهدیدات پی در پی و پدیدآوردن شرایطی که‌سوری‌ها رابه تغییراستراتژی خود وادارسازد، بایدسوریه‌رابه‌پای میزمذاکره میان‌اسرائیل ومصرکشانید.

* برژینسکی: بابرپاکردن ستیزه‌های مذهبی‌باید‌به‌اعراب‌نشان‌داد‌که خطرات دیگری‌نیزوجود دارد، که رویاروئی باآنها‌مهمتر ازمبارزه‌بااسرائیل است.

* "تشرین": حتی‌اگرفیلیپ‌حبیب هزاربار به‌این منطقه‌سفرکند سوریه موشک‌های خود را از لبنان خارج نخواهدساخت.

* تروریستهای "اخوان المسلمین" "دریک‌اقدام‌تروریستی‌دست کم ۱۵۰ تن‌راکشتند و ۲۰۰ نفر را زخمی‌کردند.

* مهم‌ترین ویژگی‌های سیاست‌خارجی‌سوریه‌عبارتست از: مشی ضد ـ امپریالیستی، سیاست‌عدم‌تعهدوشناسائی‌اصول‌همزیستی‌مسالمت‌آمیز.



کودکان‌ونوجوانان سوری، که‌در نتیجه‌تجاوز اسرائیل‌بی‌سرپرست شده‌اند، در "مدرسه‌شهیدان" درس‌میخوانند.

* دولت‌سوریه‌درباره‌سیاست‌عدم‌تعهد خودبارها تاکیدورزیده‌است که، این‌بهیچ‌روی‌بمعنای بیطرفی درپیکارعلیه‌استعمارونواستعماروميان‌سوسیالیسم وسرمایه‌داری نیست.

* "جمهوری عربی سوریه‌برسیاست خارجی صلح‌جویانه‌اتحادجماهیر شوروی‌سوسیالیستی، که‌هدف‌آن‌تعمیق‌دوستی‌وهمکاری‌میان‌همه‌کشورهاو خلق ـ هاست، ارج‌می‌نهد".

از: "پیمان‌دوستی‌وهمکاری‌میان‌سوریه‌واتحادشوروی"

* حافظ‌الاسد: پیمان دوستی‌وهمکاری میان‌سوریه‌واتحادجماهیر شوروی سوسیالیستی رویدادی تاریخی درمناسبات میان‌دوکشوربشمارمی‌رود.

* عبدالحلیم‌خدام: اتحادشوروی دوست‌اعراب‌است‌وبه‌اعراب کمک می‌کند.

جمهوری عربی سوریه در سیاست خارجی دارای مشی پیگیرضدامپریالیستی ـ ضد صهیونیستی است

مهمترین ویژگی های سیاست خارجی‌سوریه‌عبارت‌است از مشی‌ضد ـ امپریالیستی، سیاست عدم تعهد و شناسائی اصول‌همزیستی‌مسالمت آمیز. سیاست‌خارجی سوریه در بنیادی‌ترین مسائل‌جهانی، چون‌پیکار در راه‌صلح، تنش زدائی وهمکاری برابرحقوق در زمینه‌بین‌المللی وعلیه‌استعمار، نو ـ استعمار ونژادپرستی، پشتیبانی از جنبش‌های‌آزادیبخش ملی و پایان بخشیدن به مسابقه‌تسلیحاتی ـ با سیاست‌کشورهای سوسیالیستی‌همخوان است.

دولت‌سوریه درباره‌سیاست عدم تعهدخودبارهاتاکید ورزیده‌است که این بهیچ‌روی‌بمعنای بیطرفی‌در پیکار علیه‌استعمار و نواستعمارومیان‌سو ـ سیالیسم وسرمایه‌داری نیست.

ازاواسط سالهای ۶۰ تاکنون، مناسبات‌دوستانه و همه‌جانبه میان سوریه‌وکشورهای‌سوسیالیستی پیوسته روبه‌ژرفش وگسترش بوده‌است.

حتی‌روزنامه "فاینینشال‌تایمز" ارگان کلان‌بورژوازی بریتانیا، اذعان کرد که اتحادشوروی "استوارترین دوست‌سوریه" است.

در ۱۶ مهر ۱۳۵۹ (۸ اکتبر ۸۰) یک "پیمان‌دوستی‌وهمکاری" میان جمهوری‌عربی سوریه و اتحاد جماهیر شوروی‌سوسیالیستی‌برای‌مدت بیست سال بسته‌شد. پیمان‌نامبرده را حافظ الاسد رئیس جمهوری‌عربی‌سوریه و لئونید برژنف‌رهبراتحادشوروی‌درمسکو امضا کردند.

مقدمه پیمان، انگیزه دوکشور را درانعقاد آن، "تمایل به‌تحکیم و گسترش مناسبات دوستانه‌موجود و همکاری‌همه‌جانبه بسودخلق‌های دو کشور، صلح‌وامنیت درسراسرجهان، تثبیت تنش‌زدائی‌وتوسعهٔ همکاری مسالمت‌آمیز بین سوریه واتحاد شوروی می‌خواند.

اتحادشوروی وسوریه هدف‌خود راازبستن‌این پیمان‌همچنین "عزم (دوکشور) برای‌مقابله‌باسیاست‌تجاوز امپریالیسم ودستیاران‌آن، ادامهٔ مبارزه با استعمار، نواستعمار ونژاد ـ پرستی درهمه‌اشکال‌وپدیده‌های آن و پیشبرداستقلال‌ملی‌وترقی‌اجتماعی" اعلام می‌دارند.

برپایه ماده‌اول "پیمان‌دوستی و همکاری"، اتحادشوروی و سوریه "دوستی‌وهمکاری‌میان‌دوکشورودوخلق رادرزمینه‌های‌سیاسی، اقتصادی‌نظامی علمی ـ فنی، فرهنگی وغیره برپایهٔ برابری، سود متقابل، احترام به حاکمیت، استقلال‌ملی‌وتمامیت‌ارضی‌و عدم مداخله درامورداخلی‌یکدیگر" پیوسته‌گسترش خواهند داد.

درماده ۴ پیمان آمده‌است:

"اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی برای سیاست عدم تعهد جمهوری‌عربی سوریه، که عامل مهمی برای‌نگهداشت‌وتحکیم صلح‌بین‌المللی وامنیت‌وکاهش تنش بین‌المللی‌است ـ احترام قائل‌است. جمهوری‌عربی سوریه برسیاست‌خارجی‌صلح‌جویانه اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی، که هدف آن تعمیق دوستی وهمکاری میان همهٔ کشورها وخلق‌هاست، ارج‌می‌نهد".

ماده ۶ پیمان مقررمی‌دارد:

"درشرایطی که‌صلح‌وامنیت یکی‌از دوطرف‌بخطرافتد، یاآنکه صلح و امنیت جهانی موردتهدیدقرارگیرد طرفین قرار دادبرای هماهنگ‌ساختن مواضع وهمکاری خود در جهت دفع خطروبرقراری صلح، بیدرنگ‌بایکدیگر تماس خواهندگرفت".

وبالاخره درماده ۱۰ "پیمان دوستی وهمکاری" میان‌سوریه‌و اتحاد شوروی می خوانیم:

"طرفین پیمان‌همکاری خودرادر زمینهٔ‌نظامی، برپایه توافقهای‌گوناگون میان‌دوکشوروبسودتقویت توان رزمی خویش گسترش خواهند داد".

پس از امضای "پیمان همکاری و دوستی"، لئونید برژنف درسخنانی خطاب به حافظ الاسد گفت:

"دوستی میان‌اتحادشوروی و سوریه، که‌سال‌بسال نزدیک‌ترمی‌شود، مظهر وحدت دو نیروی بزرگ‌جهان امروز ـ سوسیالیسم‌وجنبش آزادیبخش ملی ـ وهمکاری‌آنها درپیکاربرای‌صلح جهانی‌وپیشرفت اجتماعی‌است. ازآن هنگام که‌مردم سوریه پرچم آزادی‌را برفراز کشورخودبرافراشتند، اتحاد شوروی به‌آنهادرزمینه‌تقویت استقلال ملی، ساختن‌جامعه‌ای‌نوودفع حملات امپریالیست‌هاوجلادان آنهافعالانه کمک کرده‌است".

حافظ الاسد پاسخ‌داد:

"پیمان دوستی و همکاری‌میان سوریه واتحادجماهیرشوروی سوسیا ـ

بقیه‌درصفحه ۹

* آندره‌گرومیکو: درنقشه‌های محافل‌امپریالیستی‌وصهیونیستی اخلال درمناسبات‌میان‌کشورهای‌عرب‌واتحادشوروی‌دارای‌مقامی‌برجسته‌است.

* احمداسکندراحمد وزیزاطلاعات‌سوریه): میان‌سوریه‌واتحاد شوروی دوستی‌استراتژیک واستوار برپایه‌اصل‌عدم مداخله‌دراموریکدیگربرقراراست.

* محمدالخاطب (وزیراوقاف‌سوریه): اتحادشوروی‌دوست‌اعراب و مسلمانان‌است.

سوریه ...

بقیه از صفحه ۸

لیستی رویدادی تاریخی درمناسبات میان دوکشوربشمار می رودوپایه‌ای استوار خواهدبودکه ما با اتکای به‌آن، همکاری خویش راگسترش خواهیم بخشید — همکاری که، هم اکنون اشکال متنوع دارد وباید پویاتر، عمیق‌تر وهمه‌جانبه تر شود".

روزنامه "تشرین" سوریه، در تفسیری درباره "پیمان دوستی وهمکاری" نوشت:

"این پیمان رویدادی تاریخی در منطقه است وآغاز عصری جدید در مناسبات میان دوکشور برای مقابله‌با توطئه‌های امپریالیستی و گام های مشکوک وبرقراری تعادل استراتژیک میان سوریه ودشمن صهیونیستی به‌شما ر می‌رود، که‌ازپشتیبانی نیروهای امپریالیستی آمریکا برخوردار است".

بنوشته "الثوره" یک روزنامه دیگر سوری:

"این پیمان نه‌تنها یک دستاور د ملی برای سوریه است، بلکه همچنین پیروزی بزرگ برای همه‌ملت عرب محسوب می شود. این دستاورد اثراتی مثبت و بزرگ برتحکیم جبههٔ پایداری اعراب ومبارزه توده‌های عرب فلسطین برای آزادی وبازگشت به‌سرزمین‌های خود به جاخواهد گذاشت".

ابوسلیم، عضو "رهبری ملی حزب سوسیالیستی عربی بعث" بستن پیمان نامبرده را در سخنرانی خوددر "کنفرانس علمی بین‌المللی "پائیز ۱۳۵۹ (اکتبر ۱۹۸۰) دربرلین، بعنوان "مرحله‌ای جدید درتوسعه‌مناسبات تاریخی سوریه با این‌هم پیمان وفادار" خواندوآنرا "نمونه‌واربرای اتحاد میان سوسیالیسم جهانی وجنبش آزادیبخش ملی" توصیف کرد.

بگفته یوسف فیصل، معاون دبیر کل "حزب کمونیست سوریه":

"بدینسان (با بسته‌شدن "پیمان دوستی وهمکاری") ضرورت و اهمیت تعمیق اتحاد عینی میان جنبش آزادی‌بخش ملی وجامعه‌کشورهای سوسیالیستی ونیروی اصلی آن، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، بثبوت می‌رسد. هدف از آین پیمان دفع تجاوز، افزایش آمادگی رزمی سوریه وهمکاری طرفین برای حفظ صلح دراین منطقه ودرجهان است. پیمان نامبرده برهمکاری دوطرف در زمینه‌تحکیم وگسترش دستاورد های اجتماعی خلق‌های دوکشورتاکید می‌ورزد و مشورت پایدار را درباره‌مسائل مختلف بین‌المللی وتوسعه‌صنعت مقر ر می‌دارد. بدین‌ترتیب پیمان (دوستی وهمکاری) مظهرهم پیمانی نیروها ی آزادی‌بخش ملی وسوسیالیسم جهانی درپیکار برای تحکیم استقلال وعلیه دسیسه‌های امپریالیسم است".

یوسف فیصل سپس افزود:

"آزمون سوریه‌نشان می دهد که، بدون پیکار با امپریالیسم وتحکیم پیوسته مناسبات دوستی وهمکاری با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در همهٔ زمینه‌ها، پیروزی درمبارزه‌علیه‌اشغال‌گری اسرائیل و برای رهاسازی سرزمین‌های اشغالی وتامین حقوق خلق‌های عرب فلسطین امکان‌پذیرنیست، ازسوی دیگر، بدون این پیروزی نمی‌توان راه‌پیشرفت اقتصادی واجتماعی را پیمود. در دوران‌ما نمی‌توان درپیکار باامپریالیسم، میهن‌دوستی راستین را ازدوستی بااتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی جداکرد".

حافظ الاسد درسخنرانی در اسفند ۱۳۵۸ گفت: امپریالیستها نمی‌توانند شالوده محکم دوستی میان سوریه واتحاد شوروی رامتزلزل سازند".

تقریبا همزمان با گفته بالا، عبدالحلیم خدام، وزیرخارجه سوریه اظهارداشت:

"اتحاد شوروی دوست اعراب است وبه‌اعراب کمک می‌کند".

عبدالحلیم خدام، درسخنرانی دیگر، دراوایل بهمن ۱۳۵۸ (ژانویهٔ ۱۹۸۰) درضیافتی به‌افتخار آندره گرومیکو در دمشق، یادآورشد که:

"درنقشه‌های محافل امپریالیستی وصهیونیستی اخلال درمناسبات میان کشورهای عرب واتحاد شوروی دارای مقامی برجسته‌است".

وزیرخارجه سوریه افزود:

"پاسخ مابه‌اینگونه‌فشارها چنین بوده‌است وخواهدبود: مادوستی را، که هواخواه ماست وکسی را، که از دشمن‌ما پشتیبانی می‌کند، برابرنمی‌شمریم. ما از مترادف شمردن اتحاد شوروی، این دوست‌راستین اعراب، با هرنیرو ویاکشوردیگری، که‌به‌کمک و یاری دشمن‌اسرائیلی می‌شتابد، خودداری می‌ورزیم".

دربهار ۱۳۵۹ احمداسکندراحمد، وزیراطلاعات سوریه، در کنفرانس مطبوعاتی در دمشق، آمریکا را "دشمن شماره‌یک "اعراب ومناسبات کشورخودرا بااتحاد شوروی "عالی" خواندو افزود: که، میان سوریه‌واتحاد شوروی "دوستی استراتژیک واستوار برپایه اصل عدم مداخله درامور یکدیگر" برقراراست.

دراواخرتابستان ۱۳۵۹ درکنگرهٔ مسلمانان اتحاد شوروی، که‌درتاشکند برگزارشد، محمدالخاطب، وزیراوقاف سوریه، گفت:

"اتحاد شوروی دوست اعراب ومسلمانان است و ما امروز در مبارزهٔ دشوار برای بازپس ستاندن حقوق حقه مردم فلسطین این‌حمایت رااحساس می‌کنیم".

پلنوم کمیته مرکزی "حزب بعث سوریه" در اواخر تابستان ۱۳۵۹ درقطعنامه‌ای خواستار "تحکیم تماس‌با نیروهای آزادی‌بخش ملی، باکشورهای سوسیالیستی وتوسعه‌کیفی‌روابط با اتحاد شوروی، این‌دوست راستین و استوار" شد، که "همواره درکنارمبارزه برحق‌اعراب بوده‌است.

روزنامه "بیروت الشرق" در تفسیری درباره دیدار گرومیکواز سوریه در زمستان ۱۳۵۹ نوشت:

"دوستی میان اتحاد شوروی و سوریه مسئولیت مشترک را ایجاب می‌کند، بویژه که‌دراین شرایط پیچیده اتحاد شوروی پیشاهنگ مبارزه‌ضد امپریالیستی است و سوریه به‌مهمترین سنگرپیکار علیه‌بندوبست "کمپ دیوید" بدل‌شده‌است".

سرگذشت رنج و رزم خلق قهرمان فلسطین (۱۴)

یورش‌های خونبار صهیونیست‌ها

بخاطر جلوگیری از پیدایش "دولت عربی"



حدود، گسترهٔ جغرافیایی و جمعیت دوکشور مستقل عربی و یهودی

برپنیان مصوبات سازمان ملل متحد ۸ آذرماه ۱۳۲۶ (۲۹ نوامبر ۱۹۴۷)

دولت عربی فلسطین

به‌وسعت ۱۱/۱۰۰ کیلومتر مربع (۴۲درصدخاک فلسطین)، فراگیرندهٔ جلیلهٔ باختری وشهرهای عکرا و نظارة، بخش‌ها ی مرکزی وخاوری فلسطین، از تپه‌های اشترالوان، تابیرشبع و نوار ساحلی مدیترانه — از فراسوی راس شمالی اشدود، تا جنوب غزه و دریای احمر تامرز مصر.

دولت یهودی فلسطین

گستره‌ای به‌وسعت ۱۴/۱۸۰ کیلومتر مربع (۵۶درصدخاک‌فلسطین)، فراگیرندهٔ بندرحیفا، تل‌آویو، جلیله خاوری و تپه‌های اشترالوان، کرانه‌های جنوبی حیفا تا اشدود، بخش‌بزرگی‌از صحرای نقبه وشهر یافا.

بخش خودمختار

فزون بر دو دولت مستقل، بخشی از خاک فلسطین شهرهای بیت‌المقدس وبیت‌اللحم و مناطق کناری آن‌ها، از نظر اداری باید واحدهای خودمختاری زیر نظر شورای سرپرستی سازمان‌ملل متحد بوجود میآوردند.

ترکیب جمعیت فلسطین

درآن زمان، شمار کل ساکنان فلسطین ۱/۸۴۵/۰۰۰، شامل ۱/۲۳۷/۰۰۰ (۶۷درصد) عرب و ۶۰۸۰۰۰ (۳۳درصد) یهودی.

— بنا به‌تصمیم سازمان ملل متحد جمعیت کشورعربی فلسطین می‌بایست شامل ۷۲۵/۰۰۰تن‌عرب و ۱۰۰۰۰تن‌یهودی، **جمعیت کشور یهودی فلسطین** شامل ۴۹۱/۰۰۰ یهودی‌و۴۰۷۰۰۰عرب‌وشهربیت‌المقدس نیز شامل ۱۰۵۰۰۰ عرب و ۱۰۰۰۰۰ یهودی‌باشد.

* بنا به‌تصمیم نامبرده، برای برپائی مجلس بنیان‌گزاران و اجرای موادتصویب شده، میبایست "شورای موقت عربی‌—یهودی"، پیش از واپس نشینی نیروهای سرپرستی، تشکیل گردد.

درعمل "کمیته‌بررسی مسئلهٔ فلسطین" دوطرح، به مجمع عمومی سازمان ملل‌متحد عرضه‌داشت:

طرح ۱— تقسیم فلسطین: فلسطین به‌دو دولت مستقل عرب‌ویهودتقسیم شودوبیت‌المقدس به‌طور بین‌المللی اداره‌گردد.

طرح ۲— یک‌دولت دمکراتیک متحد عربی — یهودی برپا شود و بیت‌المقدس نیز پایتخت آن گردد.

طرح‌مسئله فلسطین درگردهمایی پائیز ۱۳۲۶ (ماه‌سپتامبر و نوامبر ۱۹۴۷) مجمع عمومی سازمان ملل‌متحد، اختلاف ژرف میان ایالات متحده وبریتانیا ازیکسو، واتحاد شوروی ازسوی دیگر را آشکارتر ساخت. سرانجام در روز ۸ آذرماه ۱۳۲۶ (۲۹ نوامبر ۱۹۴۷) مجمع عمومی سازمان ملل‌متحد قطعنامه‌ای رادرباره تقسیم فلسطین به دوکشور دمکراتیک مستقل عربی ویهودی با رای اکثریت ($\frac{2}{3}$ اعضای حاضر) از تصویب گذراند واعلام داشت که سرپرستی بریتانیا بر فلسطین روز ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۲۷ (۱۵ ماه مه ۱۹۴۸) پایان می‌پذیرد.

پیامد نشست سازمان ملل‌متحد درماه‌نوامبر ۱۹۴۷ نمایانگر سرشت سیاست توطئه‌گرانه وعملکرد آشوب‌کارانهٔ ایالات متحدهٔ امریکاوبریتانیا بود. این دو دولت، باچشم فروبستن بر مصوبات سازمان ملل‌متحد، بر سرگشودن گرهٔ مسئلهٔ فلسطین بسود خویش در دوران اشغال، به‌توافق رسیدند. امپریالیسم امریکاوبریتانیا از دوسو تحریکات آتش‌افروزانه‌خود را آغاز کردند.

یورش‌های خونبار صهیونیستها بخاطر جلوگیری از پیدایش "دولت عربی فلسطین"

رهبران صهیونیستی، که‌همواره‌با تلاش پردامنه‌میخواستندراه‌پیدایش یک‌دولت‌عربی فلسطینی راسدسازند درهماهنگی باتوطئه‌گری‌هاو فتنه‌انگیزی‌های امپریالیست‌های آمریکائی وبریتانیائی از اواخرآذرماه ۱۳۲۶ (ماه‌دسامبر ۱۹۴۷) جنگ اعلام‌نشده‌ای را برای راندن فلسطینی ها از زادبوم شان آغاز کردند. مردم فلسطین برای هفتمین بار به قیام برخاستند. سراسر کشور در شراره‌های‌برخوردهای‌خونین می‌سوخت. فلسطین یک هفته‌دراعتصاب عمومی بسر می‌برد. در زدوخوردهای مردم حق طلب فلسطین باسربازان اشغال‌گر بریتانیایی وتروریستهای‌صهیونیست ۵۰۰۰تن‌فلسطینی جان‌باختند.

از آذرتا بهمن ماه ۱۳۲۷ (ماه دسامبر ۱۹۴۷ تا فوریه ۱۹۴۸) یگان **های مسلح هاگانا، ایرگون و اشترن** بیش‌از ۲۰۰۰ بار به‌محله‌های عرب‌نشین یورش بردند.

دراسفند ماه ۱۳۲۶ و فروردین ماه ۱۳۲۷ (ماه مارس وآوریل ۱۹۴۸) — صهیونیست ها درصدد اجرای برنامه استراتژیکی "دالت"، یعنی دست‌اندازی تدریجی بر سرزمین‌های فلسطین وبیرون راندن اعراب برآمدند. درفراهم ساختن زمینه‌برای اجرای این‌برنامه، حملات منظمی از جانب صهیونیست‌ها، بخاطرافشاندن تخم هراس دردل اعراب، سازمان یافت. دراین‌باره، "**کاره**"، تاریخ‌نگار فرانسوی حقایق‌زیرین‌رانگاشته‌است:

"از دوماه‌پیش از پایان سرپرستی بریتانیا بر سرزمین فلسطین، سیلی از اعلامیه‌های هاگانا، دربردارندهٔ کلمات‌زیرین، فرومی‌بارید:

آنهایی که‌می‌خواهند از جنگ دوری کنند و زندگی خویش را نجات دهند، باید با زن و فرزند پا به‌فرار بگذارند. جنگ‌شدیدو بی‌رحمانه‌ای درپیش‌است".

صهیونیست‌ها برای اثبات‌گفته‌های‌خویش، درتاخت وتاز وحشیانه‌ای به‌دهکدهٔ کوچک‌عربی "**دیریاسین**" واقع در نزدیکی بیت‌المقدس، دست به‌عمل‌زدند. در سپیده‌دم روز ۲۰ فروردین ماه ۱۳۲۷ (۹ آوریل ۱۹۴۸) تروریست‌های "ایرگون" وارد دهکده شدند. طی چندساعت دهکده زیر آوار آتش و گلوله به‌خاکستر نشست و تروریست‌ها ۲۵۴ سکنهٔ بیگناه آن را سنگدلانه به کام مرگ فرستادند. پس ازاین‌جنایت فجیع، صهیونیست ها بیدرنگ عکس‌های پرشمار وهراسناکی ازپیکرهای جان‌باخته در همه کشی اعراب "**دیر یاسین**" تهیه‌کردندوآن ها را در دهکده‌های عربی، به همراه هشدارباشزیرین، پراکنده‌ساختند:

"اگر تن به‌کوچ‌ندهید، این سرنوشت درانتظار شمانیز هست!"

صهیونیستها تقریبا همزمان با همه‌کشی در دهکدهٔ "**دیریاسین**" و "**حیفا**"، یگان‌های "هاگانا" به "**یافا**" واقع دربخش **دولت‌عربی فلسطین**، دست‌اندازی کردند. این‌تنها اقدام خشونت‌بار توسعه‌طلبانهٔ صهیونیستها نبود. هشت‌حمله از یورش‌های سیزده گانهٔ صهیونیستی در فروردین ماه ۱۳۲۷ (ماه‌آوریل ۱۹۴۸) در سرزمین های آینده "دولت‌عربی فلسطین" به احرا گذارده‌شد. تاپایان سرپرستی بریتانیا در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۲۷ (۱۵ ماه مه ۱۹۴۸) بیش‌از ۲۵۰۰۰۰ فلسطینی بزور از بارآورترین خطه‌های فلسطین‌باختری کوچانده شدند.

تاریخ‌نگار شوروی، "**ل. مادژرورین**"، در تفسیری پیرامون این قساوت و خشونت‌کم سابقه‌صهیونیست هانگاشت:

"اگر چنین عملی علیه‌یهودیان درهرکشوری انجام می‌گرفت، آنرانژاد کشی (ژنوسید) میخواندند، و البته به درستی چنین‌می‌نامیدند. ولی‌استعمارگران‌صهیونیستی رواداشتن‌همان‌عمل رانسبت‌به‌عرب‌ها "بهره برداری‌از زمین‌خالی ازسکنه برای مردم بدون زمین" می‌خوانند. دراین منطق تبه‌کارانه، سرشت نژادپرستانه‌سیاست صهیونیستی‌نسبت‌به عرب ها، که بر بنیان حکم "تال‌مودیک"، — "آنچه دیگران‌نمی‌توانند نسبت به من‌انجام دهند، من‌می‌توانم نسبت به دیگران انجام دهم.— مبتنی‌است، آشکارا دیده می‌شود".

ادامه‌دارد

هراس از اخراج، کارگران بریتانیا را حتی بهنگام بیماری مجبور می‌کندکه سرکار حاضر شوند

بیماری برای بسیاری از کارگران بریتانیا رفته‌رفته به‌کالایی‌لوکس تبدیل می‌شود. این‌ارزیابی رادرگزارشی می‌خوانیم، که چندی پیش از سوی "ادارهٔ اقتصادبهداری" این‌کشور انتشاریافت "تایمز" لندن دراین‌باره‌می‌نویسد، که بیکاری نزدیک به سه‌میلیون نفر چنان هراسی از اخراج از کار در میان کارگران برانگیخته‌است، که‌اینان‌حتی بهنگام بیماری درسرکارخود حاضرمی‌شوند.

برپایه گزارش نامبرده، درسالهای ۱۹۷۸/۷۹، یعنی‌پیش ازبحران‌ادواری، اقتصادبریتانیا رویهمرفته ۳۷۱ میلیون روز کار بر اثر بیماری زحمتکشان از دست داد. پس از این بحران، یعنی‌در سالهای ۱۹۷۹/۸۰، این‌شماره به ۳۵۹ میلیون‌کاهش یافت. درحالیکه در همین مدت نزدیک به یک میلیون‌نفردیگر به خیل‌بیکاران پیوستند.

درمارس ۱۹۸۱، شماره کارگران رسما بیمار ۲۱% کمترازمیانگین‌چهارماه اول‌سال‌پیشین بود. گزارش "اداره اقتصادبهداری" این‌پدیده را این گونه تفسیرمی‌کند:

"هنگامیکه کارکمیاب است، مردم آسانتربیماری‌رامی‌پذیرند، تادر دوران رفاه. آنهاپیش از تصمیم به‌آنکه حتی یکروزدرخانه بمانند، درفکر فرومی‌روند که‌محل‌کارشان‌تاچه‌اندازه‌مطمئن‌است".

احزاب، جمعیت ها، سازمان ها و...

سند آموزنده‌ای از متن تاریخ!

اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران در عصر روز ۲۹ مرداد ۱۳۳۲)

برای درهم شکستن توطئه خائنانه امپریالیستی
برای سرنگون کردن حکومت ائتلافی اوباش و پسر
رضاخان درجبهه واحدی متحد شویم

ما دراین ساعات بحرانی یکباردیگر از دکترمصدق وطرفداران او، ازفراکسیون نهضت ملی، ازحزب‌ایران، جامعه‌اصناف و بازرگانان، احزاب نیروی‌سوم، پان‌ایرانیست وآزادی مردم ایران وکلیه عناصر میهن‌دوست و باشرف که حاضر به تحمل حکومت رجاله‌ها وخائنین، حکومت مزدوران امپریالیسم امریکا وانگلیس نیستند دعوت‌میکنیم که‌صرفنظر ازاختلاف عقاید سیاسی درصف واحدی متشکل شویم.

هموطنان عزیز، مبارزان ضداستعمار!

خطر عظیمی آزادی واستقلال ک...

هیئت‌تحریریه نشریه "اتحادمردم"

دوستان‌محترم!

سندی که‌به‌پیوست در اختیارتان قرارمیگیرد، هم‌حائز اهمیت‌تاریخی است، هم‌محتوی‌اساسی آن ــ ضرورت‌اتحاد نیروهای‌انقلابی‌برضدامپریالیسم وارتجاع‌به‌سرکردگی‌آمریکا ــ تمام‌وکمال‌فعلیت‌دارد.

این‌سندحائزاهمیت‌تاریخی‌است، زیرانشان‌می‌دهدکه:

حزب‌توده‌ایران‌درست‌یکروز پس از کودتای‌امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، بر اساس سیاست اصولی، انقلابی وهمیشگی خود، همه مردم وهمه نیروهای میهن‌دوست را، صرفنظر از "اختلاف‌عقایدسیاسی"، فراخواند تا برای‌سرنگون‌ساختن "حکومت‌مزدوران‌آمریکا وانگلیس، حکومت رجاله‌ها وپسر رضاخان"، متحد شوند، وتاکید کرد که‌این اتحاد تنها ضامن‌پیروزی‌در مبارزه بخاطر استقلال ملی وآزادی‌است.

بدینسان، این سند پاسخ‌دندان‌شکن‌ومحکوم‌کننده به‌همه‌کسانی‌است که‌برای پوشاندن خیانت تاریخی خود در تفرقه‌افکنی میان نیروهای ضداستعماری، حزب‌توده‌ایران را مورد افترا قرار دادند و میدهند. این سند درهمانحال پاسخ‌روشنگرانه وهشدار دهنده‌به همه‌کسانی‌است که در کمال‌تاسف، ناآگاهانه‌دردام دشمنان‌مردم‌افتادند، ندای‌اتحادحزب تودهٔ ایران را ردکردند و در افترازنی به‌حزب‌تودهٔ ایران‌بادشمنان مردم‌همصدا شدندومی‌شوند.

به‌فراخوان حزب‌توده‌ایران برای اتحاد از جانب سایر نیروهای‌ضد‌استعماری وضد رژیم کودتا پاسخ‌مثبت‌داده‌نشد. نتیجه، استقرار ۲۵ سال "حکومت‌مزدوران آمریکا وانگلیس، حکومت رجاله‌ها وپسررضاخان" بود.

این‌سند ازنظر محتوی اساسی آن ــ ضرورت اتحادنیروهای‌انقلابی برضدامپریالیسم وارتجاع به‌سرکردگی آمریکا ــ تمام وکمال فعلیت‌دارد، زیرا در سه‌سالی که از انقلاب پیروزمند ضداستبدادی، ضدامپریالیستی و مردمی‌ایران به‌رهبری امام خمینی میگذرد، به‌ثبوت‌رسیده‌است که‌دشمنان اصلی و واقعی مردم‌ماوانقلاب ما، همان‌امپریالیست‌های‌آمریکائی‌وانگلیسی ودستیاران و مزدوران‌آنهاهستند، که‌در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با یک کودتای خائنانه "حکومت رجاله‌ها وپسر رضاخان" را بر مردم ما تحمیل‌کردندوباز هم‌میخواهند، با سرنگون‌ساختن‌جمهوری‌اسلامی‌ایران، حکومت مزدوران امپریالیسم، حکومت رجاله ها و پسر پسر رضاخان را بر مردم ما تحمیل کنند. این‌واقعیت‌هم مسلم است‌که یگانه ضامن پیروزی‌نهائی انقلاب و جمهوری‌اسلامی‌ایران در برابر توطئه‌های امپریالیسم وارتجاع‌به‌سرکردگی آمریکا، اتحادنیروهای‌انقلابی، صرفنظر از عقایدسیاسی، مسلکی و مذهبی است. راه‌دیگری وجود ندارد. این‌سند به‌انقلابیون امروز از دل تاریخ هشدار جدی وموکد میدهد که‌نباید گذاشت‌دشمنان‌دانا ودوستان‌نادان، با تفرقه‌افکنی در میان نیروهای‌انقلابی، زمینه پیروزی توطئه امپریالیسم آمریکا برضدانقلاب و جمهوری‌اسلامی‌ایران را فراهم‌سازند.

دوستان محترم! اگر مناسب تشخیص‌دادید، این‌سند را در نشریهٔ "اتحاد مردم" به‌چاپ برسانید.

با سپاس و احترام
دبیرخانه‌کمیته‌مرکزی‌حزب‌توده‌ایران
۱۳۶۰/۱۲/۲

برای‌درهم شکستن‌توطئه‌خائنانه امپریالیستی برای سرنگون کردن حکومت‌ائتلافی اوباش و پسررضاخان درجبههٔ واحدی متحد شویم.

مادراین ساعات بحرانی‌یک‌بار دیگر از دکتر مصدق وطرفداران‌او، از فراکسیون نهضت‌ملی، از حزب ایران، جامعهٔ اصناف وبازرگانان، احزاب نیروی‌سوم، پان‌ایرانیست‌وآزادی‌مردم ایران‌وکلیه‌عناصر میهن‌دوست‌وباشرف که‌حاضر به‌تحمل حکومت‌رجاله‌ها و خائنین، حکومت‌مزدوران امپریالیسم آمریکاوانگلیس نیستند دعوت‌می کنیم که‌صرفنظر از اختلاف‌عقاید سیاسی در صف‌واحدی‌متشکل شویم.

هموطنان عزیز، مبارزان‌ضداستعمار!

خطر عظیمی آزادی و استقلال کشورماراتهدیدمیکند، مزدوران امپریالیسم‌آمریکا وانگلیس که‌حزمیان اراذل وبدکاره‌ها تکیه‌گاهی‌ندارند و پایه‌های‌حاکمیت‌شان‌راشعبان بی‌مخ و ملکه‌اعتضادی وشاهنده و پیراسته تشکیل‌میدهد، طی یک‌کودتای‌نظامی، که‌مستقیماً از سفارت آمریکارهبری‌میشد وخائنینی مانندپسر رضاخان، زاهدی ارفع و نظائر آنها در راسش قرار داشتند، توانستند با استفاده‌ازتشتت وعدم‌هماهنگی نیروهای‌ملی و تزلزل‌و تردیدومماشات دولت جبههٔ ملی موسسات‌دولتی شهر تهران‌را اشغال کنند و میکوشند حاکمیت غاصبانه‌خود رامستقر سازند.

این‌خائنین ورجاله‌ها که‌ازبی‌ثباتی وتزلزل دستگاه خوداطلاع دارند، میکوشند که باتهدید مردم به مسلسل وسرنیزه، با مسلط ساختن قاتلین‌وچاقوکشان برآنها مانند دوران سیاه‌رضاخان‌وحشت رعب وهراس به وجودآورند و برپایهٔ این‌وحشت‌سیاه پایه‌های حکومت‌غاصبانه‌خودرا محکم کنند. ولی‌این‌جنایتکاران‌غافل ازآنند که‌شرایط‌امروزی جهان وایران‌باشرایط دوران‌رضاخان، باشرایط‌کودتای ۱۵ بهمن‌بکلی‌متفاوت‌است.

مردم کشورما طی‌مبارزات‌دوازده ساله اخیر خود علیه‌استعمارگران‌غارت گر ومزدوران‌آنها‌بیدار وهشیار شده و تجربیات‌گرانبهائی بدست‌آورده‌اند و به‌هیچوجه‌حاضرنیستند آزادی و استقلال میهن خودرا به‌رایگان‌ازدست بدهند. مردم‌کشورما که در مبارزات ضداستعماری چهارسال‌اخیر آبدیده شده‌وپیروزی‌های درخشان به دست آورده‌اند، آماده‌اندبا تمام‌قوای‌خود از این‌پیروزی‌ها دفاع‌کنند. حکومت‌اوباش وپسر رضاخان هرقدر سبعانه ووحشیانه عمل‌کنند، از آنجاکه کوچکترین‌تکیه‌گاهی بین‌مردم ندارد، پوشالی وموقتی وگذراست. تنها‌حکومتی‌میتواند‌به‌طور استوار باقی‌بماند که در قلب مردم جا داشته‌باشد و به‌مردم خدمت کند.

هموطنان عزیز، مبارزان‌ضداستعمار!

کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، دانشجویان، دانش‌آموزان، کارمندان، روشنفکران، تجار و کسبه وبازاریان، کارفرمایان‌وطنخواه، شماکه‌نمیخواهید کشورتان‌جولانگاه‌جاسوسان‌انگلیسی و آمریکائی باشد، شماکه‌نمی‌خواهیدمنابع عظیم‌نفت‌میهنتان دوباره‌بدست‌غارت گران‌انگلیسی‌وآمریکائی بیفتد، شما که نمیخواهیددوباره‌سرنوشت‌کشورتان به دست‌فاحشه‌های‌درباری‌به امپریالیست ــ های‌انگلیسی‌وآمریکائی‌فروخته‌شود، شماکه‌نمی‌خواهیدشعبان‌بی‌مخ ها بر ناموس‌شمامسلط شوند، شماکه‌استقلال و شرافت‌ملی‌خودرامحترم‌می‌دارید، باید باتمام‌قوابرای‌درهم‌شکستن‌این‌حکومت پوشالی بپاخیزید وتاآنراسرنگون‌نسازید آرام‌نگیرید.

هموطنان‌عزیز!

ما باید از گذشتهٔ نزدیک، درس عبرت‌بگیریم. اگر نیروهائی که هدفشان کوتاه‌کردن دست‌استعمار از کشورما بود، به‌جای آنکه باخلالگران فرصت‌تفرقه‌اندازی‌دهند، در صف واحدی متشکل شده بودند، چنین فرصتی‌برای دشمنان خلق‌بوجودنمی‌آمد. ولی‌این‌حادثه‌به‌هیچوجه‌نباید شما رادچار یاس سازد.

شرایط‌کنونی از لحاظ قدرت نیروهای ملی ومساعد بودن اوضاع جهانی وضعف نیروهای امپریالیستی وتشدید تضادهای‌جهانی بین‌آنان به مراتب مساعدتر از روزهای بعد از ۱۵ بهمن ویا دوران حکومت رزم‌آرا و یا زمان انجام‌کودتای خائنانه شاه وقوام میباشد.

امروز پایه‌های فرمانفرمائی استعمارگران آمریکائی وانگلیسی در سراسرجهان به‌لرزه‌درآمده و هر روزدر گوشه‌ای، فرومی‌ریزد. امروز که امپریالیست‌ها درکوشش محتضرانه‌خود برای‌ایجادجنگ‌جهانی با شکست‌روبرو شده‌اند، جبهه‌پوشالی متحدشان‌هرروز ترک حدیدی برمیدارد واین ترک ها پیوسته عمیق‌تر میشود.

جبهه صلح و دموکراسی، که پشتیبان بزرگ نیروهای‌ملی در کشور‌های‌مستعمره و نیمه‌مستقل‌است، هرروز نیرومندتر میگردد واین نیرومندی ضربات درهم‌شکننده‌ای به پایه های حاکمیت‌استعمارگران وارد میسازد.

هموطنان‌عزیز!

بماست که‌این شرایط مناسب‌و مساعد را درک‌کنیم، به‌نیروی عظیم ضداستعماری که در کشورما موجوداست متکی‌باشیم و با تمام قوا، با اعتماد کامل به‌پیروزی، بدون‌تزلزل، برای درهم شکستن‌دستگاه خائن پسررضاخان بپاخیزیم.

چیزی که در این‌مبارزه عامل قطعی پیروزی ما خواهد بود، وحدت و بازهم وحدت‌است.

امروز استقلال ما حاکمیت وشرف وحیثیت ملی ما مورد تهدید قرارگرفته است. امروز برای ما اختلاف عقیده سیاسی‌مطرح‌نیست. همهٔ مردم شرافتمند کشورما زیربک شعار مقدس باید گرد آیند و این شعار حفظ استقلال ملی وقطع نفوذ استعمارگران امریکائی و انگلیسی وسرنگون‌ساختن‌حکومت‌پوشالی وغاصب‌فعلی‌است.

ما از همه احزاب وسازمان های ضداستعماری، از کلیه‌عناصر شرافتمند وضداستعمار دعوت‌میکنیم که‌برای‌هم‌آهنگ‌کردن‌همه فعالیت‌ها، برای‌ایجاد وحدت‌عمل در مبارزات آینده، جبهه واحدی‌تشکیل‌دهیم. ما از افراد، احزاب وسازمان‌های‌ضداستعمار، که‌مورد هجوم‌وحشیانه‌اراذل‌و رجاله‌ها قرار گرفته‌اند، می‌طلبیم‌که بدون از دست دادن‌کوچکترین فرصت گروه‌های‌خودرا متشکل سازند، ارتباطات خود راتنظیم کنندوباسایرگروه‌های‌ملی‌ضداستعماری تماس‌فوری‌برقرارکنند وازراهنمائی‌های مبارزان‌واقعی ضداستعماروافرادحزب‌ما استفاده‌نمایند و در اقدامات خود وحدت و هماهنگی بوجودآورند. ما از افراد احزاب وسازمان‌های ملی می‌خواهیم که‌رهبران خودراوادارسازندکه بدون‌فوت‌وقت دست‌به‌فعالیت زده‌و برای ایجادمقدمات تشکیل جبهه‌واحد اقدام‌نمایند. هرگونه‌تعلل و تشتت هرگونه سنگ‌اندازی دراین راه به نفع دشمنان ملت است.

مبارزان ضداستعمار!

شما باید با کار توضیحی‌پردامنه قشرهای وسیع مردم را روشن سازید و به مقاومت دعوت کنید. باید مقاومت های‌کوچک و جداگانه‌را به‌مقاومت‌های عمومی وهم‌آهنگ‌و واحدمبدل ساخت. اگر مقاومت عمومی مردم آغاز شود واز صورت مقاومت منفی به‌صورت مقاومت مثبت تکامل‌یابد، تانک‌های پر سر و صدای دشمن به‌قوطی‌های‌مقوائی مبدل خواهدشد.

دشمن میکوشد افراد ساده ارتش درجه‌داران وافسران‌شرافتمندراازمردم جداکند وبدست‌آنها مردم را سرکوب نماید، بایدبا تمام قوا با آنان تماس گرفت و آنان را روشن ساخت که‌چگونه فرماندهان آنها‌به‌منافع ملی ماخیانت کرده‌اند.

هسته‌های‌مقاومت در ارتش موجود است. باید آنهارا تشویق کرد تابه‌صفوف مردم بپیوندند واز اجرای فرمان فرماندهان خائن خود سرپیچند بدون‌تردید اگر مقاومت‌ملت آغازشود عده‌زیادی از افراد شرافتمند ارتش، ازافسران‌علاقمند به‌حیثیت ملی، درکنار ملت قرارخواهندگرفت.

هموطنان‌عزیز، مبارزان‌ضداستعمار!

عوامل بسیار زیادی‌برای‌پیروزی ملت‌ما علیه‌استعمارگران وحکومت‌دست نشانده‌آنها‌موجود است. باید این عوامل‌را‌به‌بهترین‌وجه مورد استفاده قرار داد. باید به‌مقاومت‌های‌مجزاشکل داد، باید در صفوف نیروهای ضد‌استعمار وحدت ایجاد کرد، ازپیروزی های‌موقتی اولیه دشمن نهراسید و به مقابله و مقاومت‌جدی دست‌زد.

اینست تنها راه‌پیروزی در راه تامین آزادی واستقلال ملی، راهی که بدون‌تردید تمام‌مبارزان واقعی ضد‌استعمار به‌آن‌خواهند پیوست.

پیروزی از آن‌ملت‌است. خیانت‌کاران جز شکست و ننگ طرفی نخواهند بست.

پیروز بادجبهه‌واحد ملی‌علیه استعمارگران.

سرنگون‌باد حکومت‌مزدوران آمریکا وانگلیس، حکومت‌رجاله‌ها وپسر رضاخان.

سرفراز باد پرچم مقدس مبارزه در راه‌آزادی واستقلال ملی.

مرگ‌برامپریالیستها‌ومزدورانشان.

کمیته‌مرکزی‌حزب‌توده‌ایران

عصر ۵شنبه ۱۳۳۲/۵/۲۹

پیروزی بر...

بقیه‌ازصفحه۱

کرده‌بود، تاضربه‌شستی به‌مانشان‌بدهد وبه‌سربازانش نیزروحیه‌بدهد، انجام دادیم وتنشان‌دهیم ازهمان‌نقطه قوت عراق‌میتوانیم ضربه‌بزنیم." (جمهوری اسلامی، ۱۳اسفند ۶۰)

حجت‌الاسلام‌هاشمی رفسنجانی همچنین یادآورشد:

"این‌حمله‌قاعدتا درسی است برای‌آنهاکه‌متوجه‌باشند، جایی نیست که‌آسیب‌پذیرنباشند وامیدواریم‌که با این‌عملیات متنبه‌شوند."

رئیس‌مجلس‌بااشاره‌به "شیطنت‌های‌عمال‌آمریکا"، "درمرزهاومخصوصا مرزهای‌جنوب" گفت:

"طبعا ممکن‌است عمال آمریکا حرکتی‌انجام دهند. اما ماانتظار داریم‌سرنوشت عراق برای‌آنهاعبرت‌آمیز باشد واین‌درس راگرفته‌باشند که صدام که‌بیشترین‌آمادگی رابرای‌اجرای دستورات‌امریکا داشت، به این روز افتاده‌و آنها با آنچه دیده‌اند باید حساب‌کارخودشان رابکنند." (جمهوری اسلامی، ۱۳اسفند ۶۰)

پیروزی‌های‌پیاپی رزمندگان جمهوری‌اسلامی‌ایران‌در جبهه، که باپیروزی‌اخیردرنبرد "تنگ‌چزابه" تکمیل‌میشود، خبر از نزدیکی شکست محتوم‌صدام میدهد. این‌پیروزی ها را نه‌تنها غلبه برتوطئهٔ‌صدامی، بلکه باید درچارچوب‌پیروزی‌های انقلاب اسلامی‌ایران بر امریکای‌جهانخوار به حساب‌آورد. این‌پیروزی‌ها، به گفتهٔ حجت‌الاسلام‌هاشمی‌رفسنجانی، "به همه‌عمال‌امریکادر مرزها ومخصوصامرز های‌جنوب" این "درس" را میدهدکه نمی‌توان با این‌توطئه‌ها انقلاب و جمهوری‌اسلامی‌ایران رابه‌زانودرآورد. زیراخلق‌های‌قهرمان‌ایران‌مصمم‌اند که تاپای‌جان دربرابر امپریالیسم‌امریکا ودستیارانش ایستادگی کنند و با پیروزی‌نهایی درجنگ، پوزه‌امپریالیسم امریکاودستیارانش‌رابه‌خاک بمالند.

گورکن...

بقیه‌ازصفحه۱۳

هیئت‌نمایندگی‌آمریکارا در "گفتگوها ی ژنو" بعهده‌گرفت.

باسابقهٔ "درخشانی "که نیتز دارد، می‌توان‌حدس زدکه‌وی، تا آنجا که‌بتواند، در راه سلاح‌زدائی سنگ‌اندازی خواهدکرد. بیهوده‌نیست که خبرگزاری "تاس" چندی پیش از انتخاب‌نیتز، اورا "گورکن‌سلاح‌زدائی" خواند.

خوانندگان محترم و نمایندگیهای فروش هفته نامه "اتحادمردم"

خواهشمنداست بهای‌نسخه‌های‌هفته‌نامهٔ "اتحادمردم" و کمک‌های‌نقدی‌خودراطی حواله‌های بانکی‌به حساب‌شماره ۱۵۸۴ بانک ملی‌ایران، تهران‌شعبه‌آریاشهر به نام‌محموداعتمادزاده واریز و فتوکپی‌قبض‌آن‌را به‌نشانی. تهران منطقه‌پستی ۱۳، صندوق پستی ۳۱۴/۱۱۱۷ ارسال فرمایند.

بادرودوسپاس

ورزش در هفتهٔ گذشته

تیم منتخب تهران قهرمان جام پاکستان شد

● تیم ریگا از اتحاد شوروی فاتح مسابقات بسکتبال "جام ۲۲ بهمن" شد.



"تیم منتخب تهران" درمسابقهٔ بین‌المللی فوتبال پاکستان به‌پیروزی‌رسید و برنده جام "قائداعظم" شد.
عکس، هجوم سرنوشت ساز بازیکنان ایرانی رابه‌دروازهٔ پاکستان نشان می‌دهد.

مهمترین رویدادهای ورزشی هفته گذشته را همچنان ادامه مسابقاتی‌که به منظور بزرگداشت سومین سالگرد پیروزی انقلاب برگزار شدند، تشکیل می‌دادند. خلاصه‌ای از رویدادهای مهم ورزشی هفته‌گذشته را در زیر می‌آوریم:

بسکتبال: شوروی قهرمان شد

رقابت‌های اولین دوره مسابقات بین‌المللی بسکتبال، که با شرکت تیم های تهران، اصفهان، خراسان، آذربایجان، مازندران، نیروی هوائی ونیزتیم ریگا از اتحادشوروی و تیمی ازپاکستان در شهراصفهان برگزار شد، پایان یافت وتیم ریگا از اتحاد شوروی به‌مقام قهرمانی رسید. تیم ریگا از جمله در برابر تیم باختران بانتیجه ۱۵۲ بر ۷۴، دربرابرتهران بانتیجه ۱۱۸ بر ۷۴ و دربرابرنیروی هوائی با نتیجه ۱۱۹ بر ۴۸ پیروز شد. تیم تهران که‌مهمترین حریف تیم شوروی در این بازی‌ها بود، بخصوص در بازی‌نهائی خوب و چالاک ظاهر شد وتوانست چهره‌خوبی از خود به نمایش گذارد. نتیجه‌بازی نهائی ۹۳ بر ۵۷ بسود تیم ریگا ازاتحاد شوروی بود. در پایان بازی‌ها مراسمی برای توزیع جوائز تیم‌ها برگزارشد. در این‌مراسم سرپرست تربیت بدنی، کنسول سفارت‌اتحاد شوروی در اصفهان، مدیر کل دفتر مشترک فدراسیون‌ها و دبیر کمیتهٔ تیم پاکستان‌شرکت‌داشتند. مراسم‌اختتام بازی‌ها در میان شعارهای "**مرگ بر امریکا**" ونمایش وحدت حاضرین که‌دستهای یکدیگر را بالای سربه‌هم گره‌زده‌بودند، پایان‌یافت. همین صحنه در میان‌بازیکنان و کاپیتان تیم‌ها ونیزسرپرستان و مسئولین حاضر درسالن‌به‌چشم میخورد.

در روز چهارم بازی‌ها، نیزبه درخواست سرپرست‌تیم شوروی بسکتبالیستهای این‌تیم به همراه **علی مقدمیان**، رئیس فدراسیون بسکتبال‌جمهوری‌اسلامی ایران، **ابراهیم نعمتی**، رئیس کمیتهٔ‌اجرائی مسابقات‌وجمعی دیگر از مسئولین و ورزشکاران ایرانی بر مزار شهدای انقلاب حضور یافتند. ورزشکاران ضمن ادای احترام به‌شهدا، دسته گل‌هائی برمزاراین‌قهرمانان‌گذاشتند **"گروهی عناصرمشکوک‌باشعار هائی موجب ناراحتی ورزشکاران شوروی‌شدند، بگونه‌ای که‌ورزشکاران شوروی بعنوان‌اعتراض به‌این وضع بحالت‌قهرآمیزمزارشهدارا ترک‌گفته‌و به اتوبوس خودمراجعت کردند. بدنبال‌این‌امرعلی‌مقدمیان رئیس فدراسیون‌بسکتبال‌جمهوری‌اسلامی ایران‌بامراجعه‌به‌اتومبیل‌آنهااز عمل زشت‌گروه‌مذکورعذرخواهی کرد."**
(کیهان ورزشی ـ شنبه‌اول‌آسفند ۶۰)

علی‌مقدمیان درمراسم‌پایانی بازی‌های بسکتبال نیز طی سخنانی گفت:

"دراین چندروزه گروهی غیر مسئول بی‌نظمی‌هائی در ورزشگاه ایجادکردند وبرای تماشاچیان وبه خصوص میهمانان‌خارجی ناراحتی‌ـ هائی بوجودآوردندکه باید کنترل می‌شدندکه‌این‌کار صورت‌گرفت‌وما به نوبهٔ خود ازشما (فرماندهٔ سپاه پاسداران) وسایر برادرانی که نظم مسابقات رابرعهده‌داشتند تشکر می‌کنیم." (همانجا)

آنچه‌می‌توان‌به‌این‌گفته ها اضافه‌کرد، تنها اینست که کوشش "**عناصر مشکوک**" برای تیره‌کردن مناسبات ایران انقلابی با دوستان واقعیش درسطح جهان، این‌بار نیز، با درایت وهوشیاری‌مسئولین‌تربیت بدنی‌و سپاه‌پاسداران‌انقلاب‌اسلامی اصفهان ونیز تمامی ورزشکاران و ورزش‌دوستان‌واقعی شرکت‌کننده در مراسم، باشکست‌مواجه‌شد.

فوتبال:
ایران‌قهرمان "جام‌پاکستان"

خبرهای مربوط به‌رشته‌فوتبال را درهفته گذشته بطورعمده‌مسابقات "حام‌وحدت" تحت‌الشعاع‌قرارداده بود. تیم‌های شرکت‌کننده در این مسابقات ـ که درشمارهٔ قبل آنها را معرفی‌کردیم ـ در ۲ گروه: (۱) **پرسپولیس، ملوان، ارتش‌لیبی‌و امیدتهران**و (۲) **الجزایر، استقلال، سوریه وارتش‌جمهوری‌اسلامی ایران**، رقابت‌های‌خود را آغازکردند.

در گروه اول تیم **پرسپولیس**با شایستگی ودرمیان‌ناباوری ـ زیرااین تیم درغیاب برخی از بازیکنان‌سرـ شناس خودمانند**علی پروین**به‌میدان آمده‌بود ـ مقام‌اول این‌گروه‌رابدست آوردوبدنبال‌آن‌ملوان‌قرارگرفت. در این‌گروه‌تیم **ارتش‌لیبی** نیزخوب‌ظاهر شد، هرچند که نتوانست نتیجه درخشانی‌بدست آورد. تیم**امید تهران**، که‌مدتها برسرانتخاب‌اعضای آن‌کارشده‌بودوبنا به اظهار نظر مسئولین ودست‌اندرکاران‌می‌بایست پشتوانه‌تیم ملی‌ایران‌باشد، در این دیدارها بسیار ضعیف، پاشیده‌وبی تکنیک ظاهرشد.

درگروه‌دوم تیم**الجزایر**نیرومند باتکنیک وپرتحرک‌بودو توانست‌همه رقیبان راشکست‌دهد و مقام‌اول‌گروه رانصیب‌خودکند. تیم**ارتش‌سوریه**نیز به‌مقام دوم دست‌یافت.

درمرحلهٔ‌نیم‌نهائی، **الجزایر** با**ملوان**و**پرسپولیس** با **سوریه** دیدار کردند. دراین‌دیدارها**پرسپولیس** با یک‌گل **سوریه** راشکست‌داد و **الجزایر** باضربات پنالتی **ملوان**رامغلوب‌کرد. ودرنتیجه، دیدار نهائی را **پرسپولیس والجزایر** برگزارکردند. دیدار **ملوان والجزایر** از زیبائی خاصی برخورداربود.

تیم منتخب تهران‌نیز، که‌برای شرکت درمسابقات "حام قائداعظم" به‌پاکستان اعزام شده‌بود ومسابقات خودرا باشعارهای "**مرگ‌برآمریکا**" آغازکرد، بازی‌های خودرا باقدرت پیش‌برد. این‌تیم توانست به دنبال مساوی با تیم**چین**، تیم‌های "الف" و"ب" **پاکستان و نپال و عمان** را با نتایج‌خوب شکست‌دهد و سرانجام با غلبه ۹ بر صفر بر بنگلادش، جام‌رابه ایران‌آورد. تیم منتخب تهران، بنا به اظهارنظرتمام مفسران‌ورزشی، قهرمان شایسته وسزاوار این‌جام بود.

قرعه‌کشی میان باشگاه‌های تهران

در هفته گذشته، طی جلسه‌ای باشرکت مربیان ۱۸ تیم دسته اول باشگاه‌های تهران، قرعه‌کشی مسابقات این‌باشگاه‌ها، که‌از ۲۰ اسفند ماه‌آغاز خواهدشد، انجام‌گرفت. دراین‌حلسه باموافقت‌کلیه حضار، قرارشدکه‌بازی تیم‌های **استقلال و پرسپولیس**، که از هیجان وحساسیت زیادی برخوردار است، در هفته دهم با هم دیدار داشته‌باشند.

درهمین هفته**حسین‌راغفر** دروازه‌بان‌پرسابقهٔ تیم راه‌آهن، با پیشنهادآ**بشناسان** سرپرست فوتبال وموافقت **داودی**‌سرپرست‌تربیت‌بدنی به‌سمت‌رئیس فدراسیون‌فوتبال‌کشور منصوب‌شد.

مسابقات‌تیم‌فوتبال‌کره دمکراتیک باتیم‌های فوتبال تهران و شهرستانها

تیم فوتبال‌جمهوری‌دمکراتیک خلق‌کره‌نیز که‌قراربود برای‌انجام‌چند بازی‌دوستانه به کشورمان بیاید سرانجام، باکمی تاخیر، روز ۴ اسفند، ازطریق بندر انزلی، وارد ایران‌شد. طبق‌برنامه‌اعلام شده، این‌تیم بازی‌ـ های‌زیرین‌راانجام می‌دهد:

۶ اسفند با تیم بوشهر ـ ۸ اسفند باتیم شیراز ـ ۱۰ اسفندباتیم‌اصفهان ـ ۱۲ اسفند باتیم منتخب‌خوزستان (در اهواز) ـ ۱۴ اسفند. با تیم منتخب تهران ـ ۱۶ اسفند با تیم منتخب خراسان (درمشهد) ودرروز ۱۸ اسفند باتیم منتخب هماوشاهین (درتهران).

وزنه‌برداری:
تدارک برای جام جهانی

مسابقات‌انتخابی‌وزنه‌برداری‌در رشته‌جوانان‌تهران، در روزهای ۸ و ۹ و ۱۰ اسفند ماه‌برگزارمیشود. این مسابقات، مقدمات برگزاری‌قهرمانی جوانان‌کشور است، که در فروردین‌ماه آینده در خرم‌آباد برگزارمی‌شود، ودر واقع شروع‌شناسائی قهرمانان واجد شرایط برای شرکت در وزنه برداری قهرمانی جهان به‌حساب‌می‌آید.

بازی‌های‌جهانی قهرمانی‌وزنه‌ـ برداری‌جوانان درارد یبهشت سال‌آینده دربرزیل برگزارمیشود. باتوجه‌به‌اینکه اکثر رکورد شکنان جام انقلاب را جوانان‌تشکیل‌دادند، ازهم اکنون‌می‌ـ توان‌بازی‌های‌پرهیجان ورقابت‌های جالبی رادراین‌رشتهٔ ورزشی انتظار داشت.

بمناسبت: "فوریهٔ پیروز" (روز پیروزی زحمتکشان چکسلواکی

بر ارتجاع بورژوایی در سال ۱۳۲۶ / ۱۹۴۸)

و

امضای پروتکل همکاریهای اقتصادی ایران و چکسلواکی

(۳ اسفند ۶۰)

بازرگانی خارجی چکسلواکی

برای کشور صنعتی رشد یافته‌ای چون چکسلواکی، که دارای منابع محدود موادخام است، مناسبات اقتصادی بین‌المللی دارای اهمیت‌ویژه ـ ایست. مناسبات بازرگانی‌خارجی‌چکسلواکی بر پایهٔ‌انحصار بازرگانی خارجی برنامه‌وار گسترش می‌یابد. مبادلات بازرگانی این‌کشور در سال ۱۹۷۸ در مقایسه با ۱۹۴۸ رویهمرفته ۱۲ برابر و با کشورهای‌سوسیالیستی ۲۲برابرشد. سهم‌کشورهای سوسیالیستی از ۴۰ درصد درسال ۱۹۴۸، به‌۷۳ درصد در دوران‌کنونی افزایش یافته‌است. مهم‌ترین شریک بازرگانی جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی اتحاد شوروی است، که درسال ۱۹۷۸ سهم آن در مبادلات‌بازرگانی‌خارجی چکسلواکی در حدود ۳۳درصد بود. مبادلات بازرگانی خارجی‌چکسلواکی‌با اتحادشوروی در سال‌های ۷۸ـ۱۹۴۸ ۲۵برابر شد. جمهوری‌دمکراتیک آلمان وجمهوری خلق لهستان ازاین‌نظر در مقام ـ های بعدی قرار دارند.

میلیون‌کرون

مبادلات‌بازرگانی خارجی

۱۹۷۰ = ۱۰۰

	۱۹۶۵	۱۹۷۳	۱۹۷۵	۱۹۷۷	۱۹۷۸
صادرات	۱۹۳۵۷	۳۵۳۲۲	۴۶۶۵۱	۵۸۲۴۶	۶۳۶۰۹
	۷۱	۱۲۹	۱۷۱	۲۱۳	۲۳۳
واردات	۱۹۲۴۲	۳۵۸۰۵	۵۰۷۱۶	۶۳۲۱۳	۶۸۰۷۴
	۷۲	۱۳۵	۱۹۱	۲۳۸	۲۵۶

در مناسبات میان‌کشورهای "شورای‌همیاری اقتصادی" قراردادهای بازرگانی درازمدت و پروتکل های سالانه‌ای که بر پایه‌آنها در زمینه‌همکاری اقتصادی وعلمی ـ فنی‌امضا میشود، اهمیت هرچه‌بیشتری‌می یابد. ویژه‌کاری وهمکاری‌این‌کشورها بر اساس "برنامه جامع "همپیوندی‌اقتصادی‌سوسیالیستی وقراردادهای‌دوجانبه وچندجانبه‌استوار است. چکسلواکی در چارچوب این همکاری بویژه‌ماشین‌آلات، تجهیزات صنعتی وکالاهای مصرفی صادرمی‌کند.

واردات چکسلواکی در درجه‌نخست مواد خام و سوخت، فرآورده‌های صنایع ماشین‌سازی، کالاهای مصرفی وخوار بار را دربرمی‌گیرد.

جدول زیرین‌ساختار کالایی بازرگانی خارجی چکسلواکی را بازمی‌تابد:

ساختار کالایی بازرگانی‌خارحی حکسلواکی

صادرات

	۱۹۷۰ میلیاردکرون	۱۹۷۰ درصد	۱۹۷۸ میلیاردکرون	۱۹۷۸ درصد
کل	۲۷۳۰۵	۱۰۰	۶۳۶۰۹	۱۰۰
ماشین‌آلات وتجهیزات	۱۳۷۱۲	۵۰/۲	۳۳۶۲۴	۵۲/۹
موادسوخت وخام	۸۰۱۴	۲۹/۴	۱۶۷۷۳	۲۶/۴
ازجمله: ذغال‌سنگ موادمعدنی آهن	۵۱۵۴	۱۸/۹	۹۷۶۵	۱۵/۴
فرآورده‌های شیمیائی	۱۲۸۳	۴/۷	۳۰۶۳	۴/۸
مصالح ساختمانی	۶۱۰	۲/۴	۱۴۷۴	۲/۳
خواربار	۱۰۳۹	۳/۸	۲۳۶۷	۳/۷
کالاهای مصرفی	۴۵۱۵	۱۶/۵	۱۰۷۷۵	۱۶/۹
دام	۲۵	۰/۱	۷۰	۰/۱

واردات

	۱۹۷۰ میلیاردکرون	۱۹۷۰ درصد	۱۹۷۸ میلیارد کرون	۱۹۷۸ درصد
کل	۲۶۶۰۵	۱۰۰	۶۸۰۷۴	۱۰۰
ماشین آلات و تجهیزات	۸۸۷۱	۳۳/۳	۲۷۳.۹۳	.۴۰/۲
موادسوخت‌و خام	۱۱۴۶۸	۴۳/۱	۳۰۶۶۵	۴۵/۱
ازجمله: ذغال‌سنگ مواد معدنی آهن	۶۳۱۳	۲۳/۷	۲۰۲۷۴	۲۹/۸
فرآورده‌های شیمیائی	۲۳۶۰	۸/۹	۵۱۵۷	۷/۶
مصالح ساختمانی	۳۳۰	۱/۲	۶۲۳	۰/۹
خواربار	۳۹۳۶	۱۴/۸	۵۶۶۸	۸/۳
کالاهای مصرفی	[illegible]	۸/۵	۴۲۷۳	۶/۳
دام	۶۹	۰/۳	۷۵	۰/۱

اتحاد مردم
شماره ۱۱۸ دوره سوم دوشنبه ۱۰ اسفند ماه ۱۳۶۰

از زبان خوانندگان

جنگ ما با آمریکاست

* ــ خراسانی*، دوستی از تهران درنامه‌ای که برای "اتحاد مردم" نوشته نظریات خودرا درباره‌ٔ جنگ تجاوزکارانه آمریکائی ــ صدامی علیه جمهوری اسلامی ایران بیان کرده واز ادامه جنگ ابراز نگرانی عمیق نموده است. او می‌نویسد:

"هرچه ازجنگ ویرانگر وتباه‌کننده‌ٔ ایران وعراق میگذرد، این سئوال بیشتر دراذهان قوت میگیرد که جنگ چرا باید ادامه یابد وچرا باوجوداینکه واقعاراه‌های مسالمت‌آمیزی برای پایان دادن به‌آن بوده وهست، باید به آن دامن زد؟"

نویسنده با اینکه بدرستی معتقد است که:

"شکی نیست که ارتجاع جهانی همیشه‌میخواهد به‌هرصورتی که‌میتواند حتی به‌شیوهٔ لشگرکشی و جنگ‌افروزی، انقلاب خلق‌ها را خاموش وخفه‌سازد و مخاصمهٔ رژیم صدام با ایـران انقلابی نمونهٔ روشنی ازاین واقعیت است"،

ولی متاسفانه این نظر درست راپی نمیگیرد و درنتیجه، بـدون توجه‌به واقعیت فوق، ادعا میکندکه:

"رژیم صدام حاضر شده با قبول شرایط تازه‌ای (؟) آتش‌بس وبه‌دنبال آن صلح‌دائم راپذیرد وخودرا ازمخمصه کنونی نجـات‌دهد. واضـح است کـه رژیم عراق حاضراست وضع رابه‌حال اول برگرداند وبه‌صلح‌بازگرددوتنها چیزی‌که میخواهداین است که‌این تحول را طوری انجام دهد، که‌سرشکستگی بیش‌از حـد برایش درپی نداشته‌باشد."

ونویسنده سپس بر اسـاس این ادعای نادرست، "اتحاد مردم" رامتهم میسازدکه: "سیاست ادامه جنـگ رادر پیش گرفته‌است"!

ما، به‌همراه کلیه مردم انقلابی و قهرمان ایران، خـود را در نـگرانـی نویسنده از ادامه جنگی "ویرانگروتباه‌کننده" که‌بهترین فرزندان این انقلاب را ازآن‌گرفته‌وزیان‌های عظیم به‌بارآورده است، شریک می‌دانیـم. هیچ ایرانی انقلابی و میهن‌دوستی را نمـی توان یافت که‌آرزومند صلح، صلحی عادلانه و شرافتمندانه، نباشد و قلبش از کینـه‌و نفرت نسبت به‌جنگ، جنگ تجاوزکارانه و ویرانگر، سرشار نباشد.

اما، به‌نظر ما، نویسنده‌نامه‌هرچند درابراز نگرانی نسبت به‌ادامه‌جنگ ذیحق است، در زمینهٔ بررسی علل بروز جنگ وچگونگی برقراری صلح، بطورکلی برخورد نادرستی دارد.

مسئله‌جنگ عادلانـهٔ جمهوری اسلامی ایران بامتجاوزین صدامی تنها آن‌نیست که‌صدام حسین به‌خاک ایـران انقلابی یورش آورده وبه‌این دلیل به "مخمصه" دچار شده و اکنـون حاضر است در شرایطی که "سرشکستگی بیش‌از حدی "برایش‌ببارنیاید"، صلح‌کندو "وضع رابحال‌اول‌برگردانـد." بـا چنین استدلالی، همانگونه که‌نویسنده‌مدعی شده‌است، "جنگ‌طلب" جمهوری‌اسلامی ایران‌خواهدبود و "اتحاد مردم"! به‌نظر مادراینجا همان عاملی که‌نویسنـده در نامه‌خود به‌درستی ذکر کـرده‌ ــ یعنی توسل ارتجاع‌جهانی به‌خفه‌کردن انقلاب خلق‌ها، حتی با جنگ‌افروزی ــ و بعدا متاسفانه فراموش شده، مانع ازاستقرار صلح‌عادلانه وشرافتمندانه‌است. آری، آتش‌افروزاصلی، یعنی امپریالیسم امریکا است که، به‌تحریک و تشویق او، هم جنگ تجاوزی صدام علیه‌ایران انقلابی آغازشده و هم با تمام‌نیرو از ادامـهٔ جنگ‌حمایت‌میکند وبه‌انحاء مختلف در دامن‌زدن به‌جنگ وتامین شرایط ادامهٔ آن، تلاش‌میکند. ما اکنون به‌وضوح‌شاهد آن‌هستیم که‌باواردشدن ضربات‌جدی‌بر متجاوزین‌صدامی توسط نیروهای مسلح جمهوری‌اسلامی ایـران، امپریالیسم امریکاوکشورهای دست‌نشاندهٔ آمریکا درمنطقه، با تمام‌نیرو برای تامین مالی وتسلیحاتی‌رژیم صدام وجلب‌پشتیبانان جدید برای آن وایجادپیمانهای‌نظامی جدید ودرنتیجه دامن‌زدن به‌ابعاد جنگ، میکوشند.

نویسنده نامه که قاعدتا "اتحاد مردم" رامرتبا میخواند، باید بـداند که‌ماهیچگاه ستاینده "جنگ" نبوده و هیچگاه "سیاست‌ادامهٔ‌جنـگ" رادر پیش‌نگرفته‌ایم. ماتنها از "جنـگ با امریکا" (که جنگ با رژیم جنایتکـارو تجاوزکار صدام حسین‌جزئی از آن را تشکیل‌میدهد) یعنی جنگ بامتجاوزی توطئه‌گر وجنایتکار، که‌به‌انواع‌وسائل‌ ــ ازجمله‌جنگ‌تحمیلی صدام‌ ــ در صدد سرکوب‌انقلاب‌اسلامی ضدامپریالیستی ومردمی‌ایران‌است، یعنی‌جنگ عادلانه بخاطرحفظ‌استقلال وآزادی‌میهـن انقلابی‌مان دفاع‌کرده‌ایم ومی‌کنیم.

* ــ چندتن از دوستان‌فرهنگی ونیز "ناصرــ ف" از تبریز، مقالاتی را برای‌چاپ در "اتحاد مردم" ترجمه‌کرده وبرای مافرستاده‌اند. ترجمه‌هاخوبند، امامتاسفانه‌موضوعـات‌ترجمه‌ها، کمی کهنه‌شده‌اندو قبلا نیزدر "اتحاد مردم" درباره آنها اظهارنظر شده‌است. در صورتی که‌مطالب روز از نشریات‌معتبر به‌همراه‌فتوکپی یا اصل مقالـه مورد ترجمه، برای‌مافرستاده‌شود، میتوان‌از آنها در "اتحاد مردم" استفاده‌کرد. از زحمات‌دوستان‌متشکریم

شعر رسیده:

بهمن

میهن را سرتاپا به گلوله‌بسته‌اند
شهرها را
برسینهٔ هرمحله‌شان
زخمی‌نشانده‌اند
ازپانیفتاده است و هنوز
استقـامت است و امید
در هر رگ وپی‌اش
خبرمیرسد که‌پیروزی
خونین و باگریبان پاره در راهست
خبرمیرسد که‌آزادی
باچاک چاک تنش
ازنیش سرنیزه‌وتفنگ
همراه‌توده‌هاست
خوشا! خوشا!
آزادی‌است در سرزمین‌مان
آزادی‌است ومهربانی و وحدت
دیگر شجاعت ازآن پهلوانان‌نیست
دیگر شهادت از آن‌قهرمانان‌نیست
دیگر
هر هموطن
هر شهرو هرمحلهٔ فقر
ایستاده‌است به‌نبرد
همپاست باانقلاب

"همت ایران‌زاد"

امپریالیسم آمریکا...

بقیه‌از صفحه ۱

قرارمی‌دهند، که‌میشودبه کمـک آن، سیاست خارجی رابدون دیپلمات هاو امورجنگی رابدون‌نیروهای‌مسلح‌رهبری کرد و در امور کشورهای دیگـر بدون موافقت یانظارت‌کنگره‌آمریکا، دخالت نمود. بدین‌ترتیب "سیا" به سـتون امپراطوری جمهوری‌بدل شده‌است! واقعا توصیف بلیغی است!

رنالدریگان، که‌با سازمان "مافیا" مربوط‌است و یک "سیاستمدار" حادثه ــ جوو "بی‌مخ" محسوب می‌شود، از سوئی‌با "اطاق بازرگانی‌آمریکا" (کـه ساد کل امپریالیستی‌است) و ازسوئی با دستگاه "سیا" مربوط‌است: دستـور می‌گیرد و دستورمی‌دهد. وتمـام این مسخره‌بازی دمکراسی بورژوائی: کنگره دادگاه‌عالی، مطبوعات، افکارعمومی انتخابات وامثال آن، جز یک صحنـه ــ سازی‌پوچ برای تحمیق‌چیز دیگـری نیست. اموربکلی ازمجاری دیگری‌می‌گذرد.

شلزینگر، مشاور سـابق رئیـس جمهور آمریکا، درکتاب خود "رابرت کندی ودورانش" (چاپ بوسـتون در سال ۱۹۷۸) بی‌عملی وبی‌ثمری‌وزارت خارجه‌آمریکا وسفیران‌آنرا تصریـح می‌کندومی‌گویدکه "سیا" و "پنتاگـون" محلی برای کار وزارت خارجـه باقی نگذاشته‌اند. برای غالـب سفرا یک مامور "سیا" کمین‌نشسته‌ومواظب اوست.

مدتهاست که اقتصاد سـرمایه‌ ــ داری امپریالیستی بدون‌نظامیگری و تسلیحات‌نمی‌گذرد. بهانـهٔ این تسلیحات شعارمضحک "خطرشوروی" است. این‌شوروی‌شصت‌وچهارسال‌است که، طی‌صدها سندرسمی‌واظهـارات رسمی رهبران خود، اعلام داشتـه که حاضراست نه‌تنهادر رشته‌تسلیحـات اتمی، بلکه در رشته‌تسلیحات عـادی (وبه‌اصطلاح "قراردادی") برپایـهٔ برابری، دست به‌خلع سلاح بزنند.

اخیرا ویلی‌برانت، رهبر حـزب سوسیال دمکرات آلمان (غربـی) و رئیس انترناسیونال سوسیالیستی، گفته است که‌شورویها برای اجراء خلع سلاح شوقی‌عظیم دارند.

ولی‌فایده‌ای ندارد! ۴۰% پول آمریکا، مستقیم وغیرمستقیم، صـرف تدارک جنگ‌وسلاح می‌شود. تا سـال ۱۹۸۵ آمریکایک تریلیون وپانصـد میلیارد دلارمستقیم صرف‌تدارک‌جنگ وتسلیحات خواهدکرد! با این عمـل امپریالیسم‌آمریکاچهارکارانجام میدهد:

۱ــ "رقیب" رابه‌تسلیحـات متقابل وامیدارد وسیرتکامل رفاهـی جوامع سوسیالیستی راکندمی‌کندو آنها را، علیرغم میل‌خود، درحاد‌ه‌تحکیم قدرت نظامی سیرمی‌دهد.

۲ــ "متحدان" رابه "همکاری" مجبورمی‌سازد واز میزان تولید کالای مصرفی آنها دربازار وازشدت رقابت آنها میکاهد، زیراآنها مجبورند سال بسال برمخارج تسلیحاتی بیفزایند.

۳ــ نوکرهای "جهان‌سوم" مانند ضیاءالحق وملک خالد وپینوشه‌وبگین‌و امثال آنها رامسلح‌می‌سازد، تا جلـوی جنبشهای رهائی‌بخش رابگیرد ومانـع فوران‌انقلاب‌ها شود.

۴ــ برای خود بازارموهوم یـک تریلیون ونیمی (۱۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دلارــ عدد ۱۳ رقمی!) درست‌می‌کند، تانرخ سود سوداگران مرگ دائما بالا برود و "رونق" مصنوعی وناهنجـار حفظ‌گردد.

لذامحال‌است که‌امپریالیسـم به میل‌خود خلع سلاح راپذیرد، برعکس، می‌خواهد به‌برتری‌بر "رقیـب" دست یابد.

ولی‌سفیرکبیرسابق آمریکـا در اتحادشوروی "واتسن" (Watson) در ژانویه ۱۹۸۱، در روزنامه‌آمریکائی "نیویورک‌تایمز" نوشت:

"رهبران اتحادشوروی، هر دو چیز، هم عزم‌جزم و هم وسایل لازم، رادارندکه بتوانند باهرگونه انبـارــ سازی تسلیحاتی که‌ماانجام دهیـم، برابری کنند.

پس تنها کاری که مامی‌توانیـم بکنیم آنست که‌پول خوب را به جای بدبریزیم. درعین‌حال خطرات یکرد وبدل تصادفی‌اسلحهٔ هسته‌ای را نیز افزایش بخشیم. حالا اینطور باشـدیا نباشد، بهرحال‌خوبست‌آگاه باشیم که اتحادشوروی "مقام‌درجه‌دوم" را از لحاظ قدرت نظامی نخواهدپذیرفت."

نظیراین‌مطالب را "ملکـم تون" سفیراسبق‌آمریکا دراتحادشوروی، نیز گفته‌بود.

پل‌وارنکه (P.Warnke) آدم ناشناخته‌ای نیست. اوبزرگتـرین کارشناس سلاح و مذاکـره کر امـور تسلیحاتی ازسوی آمریکا با اتحـاد شوروی بودوهم‌ازطرف‌نیکسون درویتنام وهم‌ازطرف‌کارتر درمسکو، رئیس هیئت نمایندگی آمریکا محسوب می‌شد. وی اخیرا گفته است:

"ایالات‌متحده‌آمریکا بایدازاین اندیشه‌دست‌بکشدکه‌گویامی‌توان‌مسائل سیاسی راباوسائل نظامی حل‌کند و یا اینکه صاف وساده باریختن‌پول‌بیشتر خواهدتوانست وضع‌نظامی‌آمریکـا را بهبود بخشد".

کارتر می‌کوشید وریگان می‌کوشد تا به‌اتحادشوروی‌وسایرکشورهای‌سوسیا‌ ــ لیستی‌وکشورهای‌ضـدامپریالیستـی "درسهائی" بدهند. تحریم‌المپیـاد مسکو، نفروختن‌گندم به‌اتحادشوروی، اعمال ضربت درطبس(عملیـات نـور آبی) وتجاوز صدام به‌ایران، حملات هوائی به‌لیبی وکره دمکراتیک، حمله به‌آنگولا، ادامه‌تحریکات در افغانستان، مانورهای "ستاره درخشان"، تهدیدــ های دائمی‌طرح‌نقشه‌قتل‌سیاستمداران مخالف، الحاق بلندیهای جـولان، توطئه ضدانقلابی درلهستان و سپـس تحـریم‌اقتصادی لهستان و... ... جزءاین‌درس دادن‌هاست.

مجله بانفوذ "فورن‌آفرز" آمریکا درشماره یکسال ۱۹۸۰ خود (صفحـه ۱۴۴) خوب‌نوشت:

"اندیشه به‌کسـی درس دادن خیلی بندرت حاکی‌ازیک‌سیاست سالم است. درسهائی که‌می‌خواهیم بیاموزیم، غالبا بدل به‌درسهائی می‌شودکه خودــ مان بایدیاد بگیـریم. چنین اسـت جریان تحریم‌غله درسال ۱۹۸۰ ازطرف کارتر. ذخائر غذائی‌شوروی از این کار صدمه‌کمی دیدوپندار واهی آمریکـا درباره‌طلسـم "اقتـدار خوارباری" خودش، درست وحسابی باطل‌شد".

حالاآمریکا به‌اقتدارتسلیحاتی و اقتدار جاسوسـی پناه می‌برد. حتـی فاشیست ددمنشی مانندسناتور "بـری ــ گلدواتر"، رئیس کمیسیون امنیت در سنا، برآنست‌که:

"برخی‌عملیات سیا" بقـدری وحشتناک است که‌وقتی‌من‌گزارش آنهارا می‌شنیدم، گوش خود رامی‌گرفتم!"

آیاجریان زنده زنده سـوزاندن بهشتی، باهنر، رجائی از این قبیـل نیست؟

تاکنون "سیا" علاوه‌بردهها‌کودتا درقتل‌کسانی‌مانندآلینده (رئیس‌جمهور شیلی)، لومومبا (نخست‌وزیرکنگـو)، چه‌گوارا (ازرهبران‌برجستـهٔ کوبا)، امیلکارکابرال (رئیس جمهور گینـه بیسائو)، رامون (رئیس جمهورپاناما)، لامبراکیس (سیاستمداریونانی)، بن‌ــ بارکا (سیاستمـدار مراکشی) ...و شهیدان انقلاب اسلامی ایران مانـند بهشتی، باهنر، رجائـی، قدوسـی، منتظری ودهها‌تن‌دیگر شرکت‌مستقیـم داشته‌است. "سیا" توطئه‌قتل‌رهبرانی مانندخانم‌نهرو و سرهنگ‌قذافی رانیز بارهاتدارک دیده، که‌تاکنون‌با شکست مواجه‌شده‌است.

ولی‌آیاآمریکا توانسته‌است‌باهمه خون‌ریختن‌هاوپول‌ریختن‌ها چـرخ گردنده تکامل رانگاه‌دارد؟ مردی‌بزرگ گفته‌است:

"هرقدرفعالیت‌تاریخ‌سازانسانها پهناورتر وژرفتر شود، بهمان انـدازه تعداد آن توده‌هائـی از اهالـی، که سازندگان آگاه وچشم بازتاریخنـد، بناگزیر زیادتر خواهدشد".



تمام گرفتاری مسلمین
از آمریکاست
امام خمینی

درهفته‌ای که گذشت:

واگذاری تشخیص ضرورت به مجلس شورای اسلامی

هفته‌گذشته، امام خمینی رهبر انقلاب وبنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در دیدار با رئیس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس دیوانعالی کشور ونخست وزیر تشخیص "ضرورت" را به‌مجلس واگذارکردند.

بعد ازملاقات با امام خمینی، حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی رئیس مجلس‌شورای‌اسلامی به‌خبرنگاران‌گفت:

"خدمت‌امام آمدیم که بالاخره تشخیص ضرورت با مجلس است یا با شورای نگهبان و جیزی هم غیر از تشخیص ضرورت مطرح‌نیست. امام فرمودند تشخیص ضرورت با مجلس است، بانظر خبرگان. وشورای‌نگهبان دراین‌جهت دخالتی نباید بکند. وفکر می‌کنم با این‌طرحی که‌امام فرمودند دیگر ما مشکلی نداشته‌باشیم..."

حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای رئیس‌جمهور، نیز درباره فرمان رهبر انقلاب‌گفت:

"امام‌ضمن تکرار اینکه تشخیص ضرورت بعهده شورای‌نگهبان‌نیست و به عهده‌مجلس است، مجلس‌شورای‌اسلامی رامجددا موظف فرمودند که درتشخیص ضرورت باکارشناسان‌تبادل‌نظرکنند و نتیجه‌این‌تبادل نظر هرچه‌شدبر طبق آن‌رای‌دهد." (کیهان – ۴ اسفند ۱۳۶۰)

عفو زندانیان

در دیدار یادشده، امام خمینی به روسای قوای سه‌گانه ورئیس‌جمهورگفتند:

"من امروز می‌خواهم تاکید کنم دراین‌امر که راجع به‌این‌محبوسین – البته‌بااستثناء آنهائی که مابه‌حسب امر خدانمی‌توانیم عفو کنیم – باز تاکید کنم، که‌زودتر این قضیه‌تمام بشودوآقای موسوی به‌همه‌جا، همهٔ شهرستان‌ها، سفارش‌کنند که‌زودتراین‌کار راانجام بدهند ورسیدگی زودتر بشود، تا انشاءاله برای عید جدید یک‌عده‌چشم گیری ازاینهاواگر میشود همهٔ آنهائی که میشود آنها را عفو کرد، حالا گناه‌دارند یک‌گناهی است که قابل عفو است، انحراف دارند یک‌انحرافی‌است، که قابل‌عفو است، تهیه‌کنند وبرای عید جدید که‌می‌آید بفرستند تا انشاءالله اینها عفو بشوند." (کیهان – ۴ اسفند ۱۳۶۰)

رهبر انقلاب در ادامه سخنان بازهم از جوانان بازیخورده خواستند که‌به‌آغوش‌ملت‌بازگردند و همراه مردم درنوسازی‌کشور شرکت‌کنند.

بدنبال سخنان رهبرانقلاب، حجت‌الاسلام موسوی، دادستان کل انقلاب اسلامی اعلام‌کرد:

"گروه‌زیادی از زندانیان به مناسبت عیدنوروز مشمول عفو خواهند شد."

حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی درجلسه‌علنی روز پنجم اسفند مجلس اعلام‌کرد که رهبرانقلاب سخنان بالارا وقتی‌گفته‌اند که خبر انفجار درمیدان عشرت‌آباد، که‌سبب شهادت ۱۱ نفر و مجروح‌شدن عده‌زیادی شد، به اطلاع‌ایشان‌رسانده شده‌بود. به این ترتیب روشن‌شد که رهبر انقلاب با آگاهی کامل بر نقشهٔ شیطانی دشمن برای جلوگیری ازاستقرار قانون‌بر عفو زندانیان تاکید کرده‌اند. اکنون مردم ایران درانتظاراجرای‌فرمان‌امام‌خمینی هستند.

توطئهٔ ضدانقلابی ایجاد خشونت درجامعه ادامه دارد

شبکه گسترده ضد انقلاب، که‌دقیقا سازمان‌یافته و براساس‌عملکرد های‌مشخص "سیا" فعالیت‌می‌کند، بلافاصله بعد ازصدور فرمان امام خمینی، توطئهٔ ترور خود را وسعت‌داد، تا با ایجاد جوبدبینی‌وخشونت، مانع از استقرار قانون و امنیت شود. بعد از بمب‌گذاری‌جنایتکارانه‌درمیدان‌عشرت آباد، شبکه‌های ضدانقلاب اقدام به ترورسرهنگ‌حجازی سرپرست‌شهربانی کشور کردند، که‌خوشبختانه نافرجام ماند. همین‌ضدانقلابیون در روز ۶ اسفند، ۳عضو جهاد دانشگاهی را در خیابان‌دیهیم‌تهران‌بشهادت‌رساندند.

این‌اعمال‌ضدانقلابی، که باراه افتاده‌دستجاتی‌که‌اعدام‌زندانیان را طلب‌می‌کردند، همراه‌بود، نشان‌دادکه شبکه‌های ساواک– سیا وسلطنت‌طلبان که‌ازبرخی‌نیروهای‌فریب‌خورده‌هم‌یاری می‌گیرند، درصددند، تا به‌هر قیمت ممکن مانع از انجام فرمان امام‌خمینی شوند.

باید باکمال‌خرسندی‌گفت که اظهارات‌رئیس‌مجلس شورای اسلامی در جلسه‌علنی پنجم‌اسفند مجلس نشان‌دادکه‌مسئولان‌کشور به‌این توطئه پی‌برده‌اندوآماده‌خنثی‌کردن‌آن‌هستند.

همانطور که‌حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی‌گفت، تنها راه‌مقابله با این توطئه‌ازدست‌ندادن‌اعصاب‌و برخورد قانونی بامسائل است. بایدجنایتکاران رابه‌جزای‌جنایت‌رساندوفریب‌خوردگان راارشادکرد.

سرنخ ترورها را نزد ساواکی‌ها پیدا کنید

انچه در مبارزه با تروریسم اهمیت‌دارد، توجه‌جدی به شبکه‌ها ی ضدانقلابی ساواک‌–سلطنت‌طلبان‌است که‌مستقیما‌زیررهبری "سیا" فعالیت‌می‌کنند. دستگیری‌شبکه‌ضدانقلابی "پارس" درخرداد امسال‌نشان داد که سرنخ بسیاری از بمب‌گذاری‌ها و ترورها نزد جنایتکاران‌فراری ساواک‌است. بیهوده نیست که‌روزنامه "صبح‌آزادگان" اظهار نظرمی‌کند.

" ازسی‌هزار نفر عضو ساواک، حتی‌صدنفر نیزاعدام‌نشدندوفقط در حدود هزارنفر از آنان‌توانستندازکشور بگریزند... درمجموع ساواک، هنوز آن طور که‌باید متلاشی‌نشده وخبرچینان ساواک ویا افراد شناخته‌نشده ساواک به‌صورت‌فردی‌ویاگروهی بر‌علیه‌جمهوری اسلامی فعالیت‌می‌کنند." (۴ اسفند ۱۳۶۰)

به‌نظرما هنوز بعد ازسه سال که ازپیروزی انقلاب‌میگذرد، انتشارلیست ساواکی‌ها مثل روزاول در دستور روز است. مهمتر ازآن: "اصولا پی‌گیری مسئلهٔ ساواک وساواکیها ازاهمیت‌ویژه ای‌برخوردار است وبرای کشف‌ریشه بسیاری ازنابسامانی‌ها باید مجددا ریشه‌های‌این‌تشکیلات‌جهنمی را مورد بازبینی قرار داد." (صبح‌آزادگان – همانجا)

آیت‌الله منتظری: انحصارطلبی آفت بزرگی است

آیت‌الله‌منتظری هفته‌گذشته در دیدار باشرکت‌کنندگان در سمیناری‌که به‌مناسبت سالگردتاسیس‌حزب‌جمهوری اسلامی برپاشده‌بود، ازجمله‌گفت:

"ایده‌ها وافکار رابگیرید و به افراد بدهید، در عین‌حال دافعه نداشته‌باشید. افراد رابه انقلاب و به رهبرانقلاب و به‌اسلام مبادا بدبین بکنید. مبادا انحصارطلبی توکار باشد که، من‌منتظری اگرحزبی‌نیستم، بگوئید بایست‌اینرا‌بالاخره ازاین مقامش یا از این‌پست‌که‌داردبرش‌داریم، برای‌اینکه حزبی‌نیست. هیچ‌گناهی دیگر ندارد، اماجزء حزب‌مانیست... هرکسی ما دیدیم‌خدمت‌میکندبه اسلام، خدمت میکند به‌ملت، خدمت‌می‌کندبه‌جمهوری اسلامی‌ما بایدتقویتش‌بکنیم. این‌خلاصه انحصارطلبی یک‌آفت‌بزرگی است... امیدواریم‌که‌انشاءاله رفتار و کردارشما برادران‌درهرجا هستید جذب‌بکند ملت را به اسلام و به انقلاب..." (جمهوری‌اسلامی – ۲ اسفند ۱۳۶۰)

سخنان‌آیت‌اله‌منتظری، به ویژه در شرایط‌کنونی انقلاب، اهمیت‌ویژه ای‌دارد، زیرا استفاده از همه‌نیروهای انقلابی شرط اساسی برای‌موفقیت‌درامر سازندگی‌است.

بند "ج" سرانجام ازبند آزاد می‌شود؟

هفته‌گذشته بند "ج" مانند همه ماه‌های اخیر از محورهای‌اساسی بحث ها بود ودر قلب مسائلی قرار داشت، که انقلاب درانتظار حل‌آنهاست.

آقای محمد سلامتی وزیرکشاورزی درمصاحبه باروزنامه "صبح آزادگان" گفت:

"بندمزبور در مجلس مطرح‌است وما‌منتظریم که درآنجا تصویب‌بشود و تکلیفش روشن‌بشود... تعیین تکلیف مالکیت زمین یک عمل‌بنیانی است و نمی‌شود به‌سادگی ازآن گذشت..." (۳ اسفند ۱۳۶۰)

آقای فواد کریمی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس‌شورای‌اسلامی، در مصاحبه با روزنامه‌کیهان، گفت:

"برای‌مشکل‌زمین‌طرحی به‌مجلس شورای‌اسلامی تقدیم شده‌ودر کمیسیون امورکشاورزی‌مجلس‌بررسی‌وتصویب شده ودرآینده‌نزدیکی در جلسهٔ علنی مجلس برای‌شوراول‌مطرح‌میگردد، که امیدوارم با همکاری‌نمایندگان‌وشورای نگهبان‌این‌طرح‌تصویب شود و مسئله زمین حل‌گردد. خصوصا در مورد این طرح‌شورای‌نگهبان باید با توجه به مشکلات وتنگناها بیشترهمکاری‌نمایدو مجلس را درحل‌این‌مشکل‌اقتصادی‌مهم یاری‌کند." (اول‌اسفند ۱۳۶۰)

آقای امین سازگار، نمایندهٔ مردم سروستان‌درمجلس هم اعلام‌کرد:

"مجلس‌هفته‌آینده‌کلیات طرح اصلاحات‌ارضی‌رابررسی می‌کند." (اطلاعات – ۲ اسفند ۱۳۶۰)

به‌این‌ترتیب، باتوجه به اینکه درهفتهٔ‌گذشته رهبر انقلاب بار دیگر تشخیص "ضرورت" راهم بعهده‌مجلس شورای‌اسلامی گذاشتند، باید درهمین روزها در انتظار آزادشدن بند "ج" ازبند بود.

جبههٔ واحد ضدامپریالیستی – ضدصهیونیستی

بعدازمدتها که پیشنهاد ایران برای تشکیل‌جبهه‌واحد‌ضدامپریالیستی –ضدصهیونیستی، بدست فراموشی سپرده‌شده‌بود، خوشبختانه‌آقای‌دکتر علی‌اکبرولایتی وزیرامورخارجه، بعداز بازگشت‌ازسفراخیر خود به کشورها ی لیبی‌والجزایر، اعلام‌کرد که این دو کشور با تشکیل‌جبهه موافقت دارند. وزیرامورخارجه‌گفت:

"طبیعی‌است‌که این‌مسئله دراین دوکشور وسایرکشورهای‌اسلامی‌که ما به آنجاسفرمی‌کنیم موردبحث قرار بگیرد مادراین‌سفرها طرح‌کلی هرچه‌بیشتر به هم نزدیک‌ترشدن کشورهای‌اسلامی را مطرح‌می‌کنیم واصلانفس‌این‌سفرها برای همین‌منظوراست ودرمورد تشکیل این جبهه‌به‌نقاط تفاهم ومشترکی رسیدیم‌و ضمنا طرحهائی برای مبارزه با صهیونیسم نیز جداگانه بحث شد." (جمهوری‌اسلامی – ۶اسفند ۱۳۶۰)

خبری که وزیر امورخارجه اعلام کرده، مایه‌خرسندی‌است. ازآنجاکه‌قبلا سوریه، فلسطین و یمن‌دمکراتیک هم موافقت‌اصولی خودرا برای‌تشکیل‌جبههٔ واحد ضدامپریالیستی–ضدصهیونیستی اعلام‌کرده‌بودند، اکنون وقت‌آنست که هرچه‌زودتر این ضرورت تاریخی عملی شود.

یک تن مرغ فاسد قرار بود به مردم فروخته شود

هفته‌گذشته کشف‌یک‌تن مرغ‌فاسد برای‌هزارمین‌بار درماه‌های اخیرماهیت پلید سرمایه‌داران‌بزرگ رانشان‌داد. بر اساس خبرمندرج در روزنامه اطلاعات (۵اسفند ۶۰) ضدانقلابیون با جعل مهر ونامه‌بیمارستان‌ها از ورامین مرغ تهیه‌می‌کردند وسپس آنهارابه‌چندبرابر قیمت دربازارآزاد می‌فروختند. بار آخر که‌محتکران قصد داشتند یک‌تن‌مرغ را، که به‌همین طریق تهیه‌کرده‌بودند، به فروش‌برسانند (بااینکه‌مرغ‌ها فاسدبود) دستگیرشدند.

این‌واقعه بازهم نشان‌داد که برای‌سرمایه‌داران بزرگ فقط سود مهم است وبس. آنهانه‌ازربودن‌مرغ های سهمیه‌بیمارستانها اباداوند و نه از فروختن‌یک‌تن مرغ‌فاسد به‌مردم، که عواقب آن‌برهمه روشن‌است.

چکسلواکی از مبارزات مردم ایران حمایت میکند

حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه ای رئیس‌جمهوری‌اسلامی‌ایران با وزیر تجارت‌خارجی کشور چکسلواکی، که به دعوت‌وزیرمشاور ورئیس‌سازمان‌برنامه‌و بودجه به‌ایران‌آمده‌است، دیداروگفت وگو کردند.

وزیر تجارت‌خارجی چکسلواکی دراین دیدار، پشتیبانی دولت و ملت‌این کشور را از مبارزات استقلال‌طلبانه‌مردم ایران علیه‌امپریالیسم‌اعلام داشت. وی‌همچنین، ضمن اظهار خرسندی از نتایج مذاکرات خود با نخست‌وزیر جمهوری‌اسلامی‌ایران‌وچند تن‌از وزراء، خواستار گسترش روابط بازرگانی ومبادلات‌تجاری دوکشور گردید.

وزیر نفت‌جمهوری‌اسلامی‌ایران، آقای غرضی، پس از دیدار با وزیر تجارت‌خارجی‌کشورچکسلواکی اعلام کرد:

"کشور چکسلواکی‌آماده همکاری باایران‌درزمینهٔ صنایع پتروشیمی‌است" (ازمصاحبه‌باخبرگزاری‌جمهوری‌اسلامی)

وزیر نفت ضمن‌یادآوری سابقه همکاری‌های‌صنعتی دوکشور گفت:

"قرار شد که از طریق‌کارشناسان دوطرف‌در رابطه بامسایل‌نفت، تکنیک نفت وتکنیک‌گاز وتبادلات مربوط به پتروشیمی فعالتر برخوردکنیم."

ازسوی دیگر، وزیرتجارت‌خارجی چکسلواکی درمصاحبه ای با واحد مرکزی خبر اظهار داشت:

"چکسلواکی آماده‌است‌کارها ی خود رابرای‌همکاری با ایران در صنایع پتروشیمی وپالایشگاهی‌متمرکز کند."

«گورکن سلاح زدائی»

***رئیس هیئت نمایندگی آمریکا در "گفتگوهای ژنو" "یک عمر به "مجتمع نظامی – صنعتی" خدمت‌کرده‌است.**

درنوشته‌ای‌طولانی، که‌پائیز سال ۱۳۵۹ در ماهنامه "فارن‌افرز" (نیویورک) چاپ‌شد، ازجمله‌میخوانیم:

"ما باید همیشه‌آماده‌گفتگوباشیم، اماهیچگاه نبایدازیاد ببریم، که به هنگام‌مذاکره بااتحاد شوروی، بادشمن خودسروکارداریم".

نویسنده‌این‌مقاله‌پائول. ه‌.نیتز "رئیس دایره مطالعات سیاسی‌کمیتهٔ خطرات‌کنونی"، معرفی‌شده بود.

درجمله بالا "فلسفه‌زندگی" "نیتز" بازتاب می‌یابدوخلاصه‌میشود. بدینسان نه تصادفی است‌ونه‌شگفت‌انگیز، که‌ریگان رئیس جمهور آمریکا، این‌فردرابعنوان‌رئیس هیئت‌نمایندگی ایالات‌متحده‌آمریکادر "کنفرانس ژنو" برای مذاکره بااتحادشوروی درباره تحدیدجنگ افزارهای‌اتمی دراروپا برگزید.

نخست بایدگفت‌که‌این‌انتخاب هواداران تنش‌فزائی را در ایالات متحدهٔ آمریکا غرق شادمانی‌کرد. برای نمونه، روزنامه "بالتیمورسان" نوشت‌که، بدین‌ترتیب "یکی‌ازسازش ناپذیر ترین هواخواهان‌مشی‌سرسختی" در برابر اتحادشوروی به سمت‌نامبرده برگزیده شد.

نیتزاز مجتمع بانکی "دیلون، ریداندکامپانی" "نیویورک‌برمی‌خیزد، که‌بخشی‌ازگروه "مورگان" بشمارمی‌آیدو ازخاندان‌راکفلر نیزچندان‌دورنیست. این‌دو دژ سرمایه‌گذاری امپریالیسم ایالات‌متحدهٔ‌آمریکا، سالهاست که در گستره تسلیحاتی ذینفع وفعالند.

نیتزخیلی‌زود راه سیاست را برگزیدو خیلی زود نشان دادکه برای اوفرق چندانی‌میان سیاست‌و تجارت نیست. برای‌نیتزهردوتنهاوسیله‌ای‌بود برای سودجویی!

پائول‌نیتز درآغاز سالهای ۴۰به سمت‌های گوناگونی، نخست درنهادهای‌مالی‌واقتصادی، ولی بمرورزمان هر چه بیشتر درگستره‌های نظامی‌وسیاسی، برگزیده‌شد. وی‌یکی‌ازدوستان‌وهمکاران نزدیک‌جیمز.و.فارستال، رئیس "دیلون، ریداندکامپانی" بود، که در جنگ‌دوم‌جهانی‌وزیردریاداری‌بودورسال ۱۹۴۷ نخستین‌وزیردفاع‌ایالات‌متحدهٔ آمریکاگردید. جیمز.و.فاستال، معمولا بعنوان "پدر" مجتمع نظامی– صنعتی ایالات‌متحدهٔ‌آمریکابحساب‌می‌آید.

آچسن‌وزیرخارجه‌وقت‌امریکا و یکی‌دیگرازبه‌اصطلاح "مردان‌راکفلر) در آغاز سال ۱۹۵۰نیتز را به سمت‌سرپرست "ستادبرنامه‌ریزی سیاسی" منصوب کرد. نیتز در این مقام برای بنیانگذاری "سیاست قدرت" کوشش ورزید و در تدوین‌سند "ان.اس.سی.–۶۸ شورای‌امنیت‌ملی" (آوریل ۱۹۵۰) –که به "برگ‌ولادت سیاست قدرت–نمائی" معروف شده است– سهم بسزائی داشت. بر پایهٔ این سند، "سیاست رویاروئی"، یعنی "سیاست ارعاب حساب شده‌وتدریجی" علیه اتحادشوروی، سیاستی‌که‌باید برپایهٔ "برتری‌جوئی‌نظامی‌وقدرت‌نمائی" مبتنی‌باشد.

پائول‌نیتزدرکابینه آیزنهاور شرکت نداشت، ولی‌بعنوان یکی از اعضای "کمیسیون‌گیثر" از به اصطلاح "شوک‌اسپوتنیک" بهره‌جست و یکی از آفریدگاران افسانه "خلاءموشکی" شد.

نیتز در دوران کندی بار دیگر به "پنتاگون" راه یافت و به سمت معاون این وزارتخانه برای "مسائل امنیت بین‌المللی" منصوب گردید. او دراین‌مقام "برنامه‌ای برای برلین" تدوین‌کرد، که‌درآن برانگیختن "قیامی" درجمهوری دمکراتیک‌آلمان، مداخله "بوندس ور" (ارتش‌آلمان‌فدرال) و نیروهای مسلح‌آمریکا در جمهوری دمکراتیک آلمان‌واستفاده‌ازجنگ‌افزار –های هسته‌ای‌استراتژیک "برنامه‌ریزی" شده‌بود.

نیتز در سالهای ۶۷– ۱۹۶۳ نیز بعنوان‌وزیر دریاداری "انجام‌وظیفه" کرد.

نیکسون درسال ۱۹۶۹ نیتز را به منزله عضو وسپس سرپرست هیئت نمایندگی‌آمریکا درمذاکرات "سالت" برگزید. او در سال ۱۹۷۴ از این سمت کناره گرفت واستدلال او نیز این‌بودکه "سالت – ۲" تنها بسوداتحادشوروی تمام‌شده‌است. نیتز از آن‌هنگام کارزار تبلیغاتی‌گسترده‌ای راعلیه "سالت-۲" بطوراخص وعلیه‌گفتگوهای واقع بینانه درباره‌خلع سلاح بااتحادشوروی بطور اعم‌براه‌انداخت. وی بدین منظور به "کمیته‌خطرات‌کنونی" پیوست. این کمیته‌درواقع یکی‌ازسخنگویان‌گستاخ "مجتمع نظامی – صنعتی" ایالات متحدهٔ‌آمریکا بشمارمی‌رودوریاست آنرا یوجین‌روستو، "قهرمان‌جنگ‌سرد" به عهده دارد. نیتز همچنین‌اندیشه‌پرداز "برنامه‌موشکی هـ – ۴" محسوب می‌شود.

پس ازآنکه ریگان روستو را مدیر "اداره‌خلع‌سلاح‌آمریکا" کرد، همه‌کس "انتظار" داشت که‌نیتز، "همسنگر" او نیز به وی بپیوندد، تاآنکه نیتز، در سپتامبرسال‌گذشته‌میلادی‌سرپرستی

بقیه‌درصفحه ۱۲

انحلال شوراهای کارخانهٔ ذوب آهن اصفهان بسود انقلاب نیست

چنانکه اطلاع میرسد، درتاریخ ۶۰/۱۱/۱۷، مدیر عامل ذوب آهن اصفهان طی بخشنامه‌ای شوراهای این کارخانه‌را در کلیه قسمت‌ها منحل کرد. دراین بخشنامه مدیر عامل کارخانه اظهارکرده‌بودکه این تصمیم را بر اساس تلفن‌گرام وزیر معادن و فلزات، مبنی بر انحلال شوراهای کارخانه، اتخاذ کرده است.

این اقدام نادرست مسئولین کارخانه‌و وزارتخانه موجب نارضایتی کارگران ونمایندگان آنان در قسمت‌های مختلف کارخانه‌گردید، و درنتیجه آنها با قاطعیت با این اقدام نادرست برخورد کردند. بیانیه "شورای اسلامی کارکنان بخش آگلومراسیون"، به‌عنوان نمونه‌ای از برخورد کارگران کارخانه با این تصمیم، قابل توجه‌است. دراین بیانیه آمده‌است:

"انحلال چنین ارگان‌هائی (شوراها) مغایر با اصول قانون‌اساسی بوده و باتوجه‌به‌اینکه‌این نوع تشکل‌ها میتوانند درتحکیم وتثبیت دستاوردهای انقلاب نقش‌عظیمی داشته‌باشند، بیشتر به‌سود عوامل دلسردکننده وناديده‌گرفتن اصل حاکمیت مردم درسرنوشت خویش خواهد بود."

دربیانیه تاکید میشود:

"این‌عمل نمیتواند مارا از موضع دفاع ازانقلاب جداساخته‌وبه بی‌تفاوتی نسبت به‌سرنوشت خویش وانقلاب وا دارد."

بیانیه‌سپس خطاب به‌کارگران می گوید:

"بر کار وتلاش خویش درجهت تولید بیشتر و حفظ آرامش کاربکوشید".

درحالیکه برخورد صحیح کارگران ونمایندگان شوراها نشانه‌ای ازهوشیاری وآگاهی کارگران ودفاع بی‌قید و شرط آنان ازانقلاب است، عمل‌مدیریت ذوب آهن‌و وزارت معادن وفلزات، از برخورد غیر مسئولانه، عُجولانه ونادرست بعضی ازمسئولین درارتباط با مسائل کارگری حکایت میکند، بخصوص که‌این اقدام درست در "دههٔ فجر" و درآستانهٔ برگزاری مراسم سومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران صورت‌گرفت، یعنی زمانی که‌شوراهای کارخانه با تمامی توان خود در بسیج‌کارگران برای برگزاری هر چه باشکوهتراین مراسم کوشش میکردند

عمق نادرستی، این‌اقدام زمانی بیشتر آشکارمیشودکه میگویندتصمیم به انحلال شوراهای‌کارخانه‌ذوب‌آهن‌اصفهان، با استناد به"لایحه‌قانونی شوراها" اتخاذشده است. جای‌بسی تعجب‌وتاسف است که مقامات‌مسئول‌کنونی برای‌انحلال شوراهای کارخانه‌ذوب‌آهن‌اصفهان به لایحهٔ کذائی استناد میکنند، زیرا این‌لایحه‌ای‌است‌که‌لیبرال‌ها و سازشکاران و در راس‌آنها بنی‌صدرخائن‌فراری، که‌شعارش "شورابی‌شورا" بود، با استفاده از غیبت‌پیروان‌صدیق خط‌امام وخصوصاً شهیدآیت‌اله‌دکتربهشتی در شورای انقلاب، به‌تصویب‌رساندند. این لایحه خلاف قانون‌اساسی‌است، زیرا بامخلوط کردن‌وظایف ذواصل ۱۰۴ و ۲۶ قانون اساسی، که‌تامین‌کنندهٔ حقوق طبقهٔ کارگرایران در زمینهٔ تشکل‌است، هردو اصل‌را ازمحتوی انقلابی آن‌خالی کرده وحقوق‌کارگران را نادیده‌گرفته‌است.

در اصل ۲۶ قانون‌اساسی، تشکیل انجمن‌های‌صنفی کارگران به‌طورمستقل و بدون‌دخالت‌هیچ‌کس وفقط توسط خود کارگران، منظور گردیده‌است، و دراصل ۱۰۴ باایجاد شوراها، نظارت، همکاری ومشارکت‌کارگران در ادارهٔ امورکارخانه به‌اتفاق‌کارفرمایان ونمایندگان دولت، تامین‌شده‌است. حال‌آنکه‌درلایحه‌کذائي به‌جای‌دوارگان‌متفاوت–"انجمن‌صنفی" و"شورا" –ارگانی به‌نام "شوراهای‌اسلامی" منظور شده‌است، که‌به‌هیچ یک از دو ارگان‌پیش‌بینی‌شده در قانون اساسی شباهت‌ندارد و وظایف هیچیک را در بر نمیگیرد. درنتیجه‌هم حق‌کارگران برای تشکیل آزادانه انجمن‌های صنفی صریحاً نفی‌گردیده‌وهم‌نظارت ومشارکت کارگران در ادارهٔ امور کارخانه نادیده گرفته‌شده‌است. بدیهی‌است که چنین قانونی هم مخالف قانون اساسی است‌و هم‌باشرایط جامعهٔ انقلابی‌ایران‌مغایرت دارد وهرچه‌زودتر باید به‌سرنوشت خالقین‌خود، یعنی‌لیبرالها‌وسازشکاران دچارشود. ازاین‌رواست که‌استناد به‌این لایحه‌نمیتواند قابل‌قبول‌باشد.

نکته دیگری که برتعجب و تأسف میافزاید آنست که‌در تلگرام وزیرمعادن وفلزات‌آمده‌است که‌شوراهای کارخانه بدون‌اخذ مجوزلازم وطی‌نمودن‌مراحل قانونی‌تشکیل‌گردیده‌اندوبه‌همین علت قانونی نیستند. مقصود از "قانون" در اینجا، البته همان‌لایحهٔ‌کذائی‌است.

برای‌آنکه واقعیت‌روشن ترشود، نگاهی‌کوتاه به‌جریان‌پیدایش ارگان‌های کارگری‌ضروربه‌نظر میرسد:

با اوج گیری جنبش‌انقلابی مردم ایران درسال ۱۳۵۷، شعلهٔ حرکات اعتراضی کارگران‌ذوب آهن‌اصفهان‌نیز زبانه‌کشید واولین‌نشانه‌های آن با اعتصاب‌کارگران‌بروزکرد. این‌اعتصابات که‌درابتدا برای خواست‌های صنفی و رفاهی شروع‌شده‌بود، بسرعت خواست اصلی‌خودرا، که‌خواست سیاسی‌واجتماعی بود، مطرح‌کرد. باگسترش مبارزات، کارگران خواست‌نهائی‌خود، یعنی سرنگونی رژیم منفور شاه‌آمریکائی را مطرح کردند. رژیم شاه‌ملعون، که ازبالاگرفتن مبارزات این‌مجتمع صنعتی بزرگ کشور بشدت‌هراسناک‌شده‌بود، برای‌جلوگیری ازگسترش آن، به‌بهانه‌نبودن سوخت، کارخانه را تعطیل کرد، لیکن این امر نتوانست‌مبارزات کارگران را مهارکندو آنها مبارزات خودرا برای سرنگونی رژیم شاه، همراه با سایر اقشار مردم اصفهان و دیگر شهرهای‌استان، سرسختانه‌ترادامه‌دادند. سرانجام مبارزات مردم ایران، که‌کارگران‌نقش قاطع درآن‌داشتند، به‌سرنگونی رژیم ۲۵۰۰ ساله ستمگر شاهنشاهی منجرشد

پس از پیروزی انقلاب، کارگران به‌کارخانه‌ها بازگشتند و در اولین‌قدم بااستفاده ازتشکل‌هائی‌که در جریان انقلاب ایجادشده‌بود، ارگانهای‌متشکل خودرابه‌وجودآوردند. این درزمانی بودکه‌هنوز هیچ قانونی برای تشکل کارگران‌وجود نداشت واین ارگان ها توسط‌خود کارگران به‌وجودآمده‌بود. این‌ارگان‌ها، که‌در ابتدا "شوراهای رفاهی" نام‌گرفتند درجریان‌مبارزه‌برای حفظ دستاوردهای انقلاب و برآورده کردن‌خواست‌های‌کارگران، به تدریج چارچوب‌محدود خودرا شکستند و تبدیل به "شوراهای‌اسلامی کارگران" گردیدند، که‌وظایف مختلف، از قبیل پیگیری‌خواست‌های‌صنفی و رفاهی کارگران، نظارت بر امورمدیریت‌وتولید وهم‌چنین‌توزیع محصولات‌کارخانه را بعهده‌داشتند وحتی‌مدتی‌وظیفه‌ادارهٔ کارخانه رابطورکامل انجام‌می‌دادند. این‌شوراها، علاوه بر آن، پرچمدار کارگران‌در مبارزات‌ضدامپریالیستی و مبارزه‌علیه‌لیبرال‌ها و سازشکاران گردیدند.

این‌تاریخچه‌کوتاه‌نشان‌میدهدکه چگونه‌شوراهای‌این‌کارخانه ازدرون انقلاب بیرون‌آمدند ودرجریان‌مبارزه برضدرژیم پهلوی‌شکل‌گرفتندودرجریان مبارزه‌برای‌تداوم انقلاب به‌مراحل‌بالاتری ارتقاء یافتند. لذا اصرار برای طی "مراحل‌قانونی‌تشکیل"، یعنی تشکیل طبق‌لایحه‌کذائی‌نادرست‌است وانحلال آنها‌هم نمیتواند با استناد به لایحهٔ کذائی انجام‌گیرد.

باتوجه‌به‌نکات فوق، صحیح آن است‌که‌مسئولین‌وزارت‌معادن‌و فلزات و کارخانهٔ‌ذوب‌آهن‌اصفهان‌دراین‌تصمیم خودتجدیدنظرکنندو به جای انحلال شوراهای‌کارخانه، ازکارگران‌حمایت‌کنند، تا بااستفاده ازتشکل‌های موجود، آنها را به‌سطح‌بالاتری برسانند و درنهایت باتشکل‌های‌پیش‌بینی شده در قانون اساسی منطبق سازند. برای این‌منظور به‌نظرمابایدمسئله را به شکل زیرین مطرح‌کرد:

درست است که‌نام‌ارگان های موجودکارخانه "شورا" است، لیکن در حقیقت‌این‌ارگان‌ها، همان "انجمن‌های صنفی" هستند، که دراصل ۲۶ قانون اساسی تشریح‌شده‌اند، و وظیفهٔ عمدهٔ آنان‌تلاش‌برای کسب حقوق قانونی کارگران، نظارت بر تولید اجتماعی وحفظ دستاوردهای‌انقلاب است. تا کنون‌نیزعمده‌فعالیت‌این‌شوراها چنین بوده‌است. ازجانب دیگر، شوراهای موجود وظایف‌مربوط به اصل ۱۰۴ قانون اساسی رانیز تاحدی انجام داده‌اند، و این به‌علت شرایط خاص پس ازپیروزی انقلاب وبه‌طورعمده‌به‌علت‌پیاده‌نشدن اصول‌قانون‌اساسی دراین‌مورد بوده‌است، که‌کارگران رامجبور میکرد هردو وظیفه را از طریق تنها ارگان‌متشکل خود انجام‌دهند. لیکن اکنون بایدبه‌سمت تفکیک وظایف حرکت کرد، یعنی‌ازیک سو باید با ایجاد تغییرات لازم در اساسنامه وسازمان‌شوراهای‌موجود، آنها را درچارچوب‌اصل ۲۶قانون‌اساسی به صورت تشکل‌مستقل‌کارگران و دیگر کارکنان‌بازسازی کرد. ازسوی دیگرباید به‌سرعت‌شوراهای مندرج در اصل ۱۰۴ قانون‌اساسی‌را، که‌تاکنون در هیچ کارخانه‌ای وجود نداشته‌است، ازجمله درکارخانه‌ذوب‌آهن‌اصفهان، به وجود آورد. باید‌به‌این‌نکته‌مهم توجه‌داشت‌که وجود "انجمن‌های‌صنفی"، بدون‌شوراهای‌مندرج در اصل ۱۰۴ قانون‌اساسی، یک‌گام به‌عقب درجنبش‌کارگری میهن ماست، زیرا اصل ۱۰۴ باشرکت‌دادن کارگران‌در ادارهٔ امور کارخانه، دستاوردبزرگی را برای طبقه‌کارگرایران منظورمیدارد.

مسئلهٔ دیگری که باید در اینجا مطرح‌کرد، آنست‌که، مسئولین بایدتوجه داشته‌باشند که‌حافظین‌اصلی انقلاب و نظام جمهوری‌اسلامی ایران‌زحمتکشان‌و درپیشاپیش آنان‌کارگرانند. اماکارگران فقط‌زمانی به‌درستی میتوانند از انقلاب‌وجمهوری‌اسلامی‌ایران‌دفاع‌کنند ودرپیشرفت آن‌بکوشند، که‌متشکل‌باشند. بنابراین، درشرایطی‌که‌میهن ما از همه جانب‌در معرض توطئه‌های امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی آمریکای‌جنایتکارو عوامل داخلی آنست، باید در جهت متشکل‌تر کردن هرچه بیشتر کارگران کوشید. ازهمین‌جاست‌که از بین‌بردن تشکل‌کارگران، درجهت انقلاب‌وبه‌نفع انقلاب‌نیست.

انحلال شوراهای‌کارخانهٔ ذوب آهن اصفهان، که‌همواره در دفاع از انقلاب، حل‌مشکلات‌کارخانه‌وکارگران، مبارزه‌باعناصروجریان‌های منحرف و لیبرال وکمک به‌جبهه‌جنگ‌وپشت‌جبهه وبسیاری‌زمینه‌های دیگر فعال‌بوده‌اند، درجهت‌ناراضی‌کردن ودلسرد کردن کارگران‌است. این‌گونه‌اقدامات درعین حال‌میتواند زمینه را برای سوءاستفاده ضدانقلاب فراهم نماید.

نکته آخرینی که باید ذکرگردد، آنستکه، نیروهای صدیق پیرو خط امام‌در صورتی که‌اشکالاتی در کارشوراهای‌اسلامی‌کارخانه‌ذوب‌آهن اصفهان می‌بینند، باید دوستانه‌تذکردهند و باهمکاری‌خودکارگران ونمایندگان‌آنان دررفع آن‌بکوشند. همانطور که **امام خمینی** رهبر انقلاب وبنیانگذار جمهوری‌اسلامی‌ایران، ومسئولان درجه اول‌کشور بارها وبارها متذکرشده‌اند، نباید یک‌لحظه این‌واقعیت راازنظردور داشت‌که، حضور فعال و متشکل توده‌های‌مردم وبخصوص کارگران در صحنه است‌که‌میتواند مطمئن‌ترین‌تضمین برای پیروزی‌نهائی انقلاب ونظام جمهوری اسلامی‌ایران‌باشد. پس باید به‌تامین حضورفعال ومتشکل توده‌های مردم و بخصوص‌کارگران درصحنه، کمک‌کرد.

*** به استناد لایحهٔ ساختهٔ بنی‌صدر نمی‌توان ونباید شوراهای کارگران کارخانه‌ذوب‌آهن‌اصفهان رامنحل کرد.**

*** بایداصل ۲۶ و اصل ۱۰۴ قانون‌اساسی را درموردتشکیل انجمن‌های صنفی‌وشوراها اجرا کرد.**

*** نیروهای صدیق پیروخط امام درصورتیکه اشکالاتی درکار شوراهای اسلامی‌کارخانهٔ ذوب آهن اصفهان‌می‌بینند، بایددوستانه تذکردهند و با همکاری خود کارگران ونمایندگان آنان، در رفع آن بکوشند.**

*** کارگران کارخانهٔ ذوب‌آهن‌اصفهان سهم موثری درسرنگونی رژیم پهلوی داشته‌اند واینک‌نیز نقش مهمی دردفاع از انقلاب وجمهوری اسلامی ایران دارند.**

*** شوراهای‌کارگران کارخانه‌ذوب‌آهن‌اصفهان‌ازدرون‌انقلاب بیرون‌آمدند، درجریان مبارزه برضدرژیم پهلوی شکل‌گرفتندودرمبارزه برای‌تداوم‌انقلاب به‌مراحل بالاتری ارتقاء یافتند.**

*** "لایحهٔ قانونی‌شوراها" ساخته لیبرالها وسازشکاران برهبری بنی‌صدرخائن فراری است، که‌شعارش این‌بود، "شورابی‌شورا"!**

چرا در برقراری روابط دیپلماتیک با یمن دمکراتیک تعلل می‌شود؟

به‌دوخبر ازموضع‌گیری اخیر دوستان ودشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی‌ایران‌توجه‌کنید:

براساس گزارش خبرگزاری جمهوری‌اسلامی، رئیس‌جمهور یمن شمالی، که به‌عمان سفر کرده‌است، در دیداری با سلطان قابوس، حمایت مجدد خودرا از رژیم متجاوز عراق اعلام‌داشت وپیشنهاد کردکه‌یک‌نیروی نظامی برای دفاع از خلیج‌فارس‌تشکیل شود. (کیهان ۲اسفند ۶۰)

ازسوی دیگر، جمهوری‌دمکراتیک خلق‌یمن اعلام داشت که کشور عمان را بخاطر سیاست‌های امریکائی‌اشونیز حمایت آن از طرح‌کمپ‌دیوید باید مجازات‌کرد. یمن‌دمکراتیک، همچنین ازسلطان‌قابوس به عنوان یک عروسک کوکی و یک‌عامل مطیع در دست های امپریالیسم‌امریکا، یاد کرد. (جمهوری اسلامی ۳۰اسفند ۶۰)

این‌دوخبر را با هم مقایسه‌کنیم:

خبر اول از جنب‌وجوش‌کشورهای وابسته به امریکا برای‌تسریع در تشکیل یک "نیروی نظامی مشترک" وموضع یمن شمالی‌مبنی بر لزوم حمایت از منافع امپریالیسم‌امریکا، که در اثر انقلاب اسلامی‌ایران به‌خطر افتاده، حکایت می‌کند. به‌موجب همین خبر، یمن شمالی حمایت‌مجدد خود را از تجاوز امریکائی صدام اعلام داشت و بدین ترتیب او هم‌مانند شاه‌حسین به‌ایران "اعلان‌جنگ" داد.

خبر دوم، موضع آشکار و صریح جمهوری‌دمکراتیک‌خلق یمن را، بعنوان عضوثابت "جبهه‌پایداری کشورهای عرب" در قبال سیاست‌های‌ارتجاعی یمن‌شمالی و عمان‌نشان‌میدهد. بر اساس این‌گزارش، یمن‌دمکراتیک، ضمن محکوم‌کردن سیاست‌های امریکائی کشورهای‌مرتجع منطقه و به‌ویژه عمان ویمن شمالی، خواستار مجازات‌این‌کشورها شده‌است.

بدینسان، این دوخبر به‌روشنی مواضع دوستان ودشمنان انقلاب‌و جمهوری‌اسلامی‌ایران‌رادربرابردیدگان ماقرارمیدهد.

دراینجا پرسشی‌که طبیعتاً برای همگان‌مطرح‌میشود، این‌است که: چرا با وجودمواضع روشن‌ضدامپریالیستی یمن دمکراتیک از یک‌سو واظهارات صریح مقامات‌جمهوری‌اسلامی‌ایران‌مبنی بر لزوم‌برقراری روابط دیپلماتیک، با جمهوری دمکراتیک خلق یمن، در این امرمهم تعلل‌میشود؟ با آنکه آقای احمد عزیزی، قائم‌مقام وزارت امور خارجه، دراین‌مورد‌خاطرنشان‌ساخته‌است‌که "با یمن‌جنوبی بررسی‌های‌مقدماتی انجام شده‌و ماتصور می‌کنیم زمان‌زیادی طول نکشد که‌نمایندگی خود رادرآنجامستقر کنیم وروی مقدمات این امر کار می‌کنیم ومشغول این‌فعالیت‌هستیم"، (روزنامه [illegible] دی ۶۰) چرا پس از گذشت ماه‌ها از اعلام این‌سیاست، هنوز قدم موثری در این‌جهت برداشته‌نشده‌است؟ آیا تسریع دراین‌امر بسود انقلاب‌ایران‌نیست؟

اتحاد نیروهای انقلابی ضامن پیروزی نهائی انقلاب است

امنیت شغلی ...

بقیه از صفحه ۳

درنیروی ایثار وفداکاری ،که در نهاد بسیاری از مردمان نهفته است ،خلاصه نکنیم .

برای آنکه مادران بتوانند فرزندانی به راستی شایسته وسازنده برای جامعه بپرورند، واین اصل قانون اساسی ،که خانواده را کانون اصلی رشد میداند ،تحقق پذیرد ،باید حرکت جامعه چنان باشد که زن خود از تمام امکانات مادی ومعنوی برای پرورش و گسترش افق دید خود بهره ور باشد .زن باید شریک برابر حقوق زندگی مرد ، آموخته و فهیم ومتکی به نفس، بااراده و مصمم وآشنا به رموز تعلیم و تربیت فرزندان خود شود ،قدرت ابتکار وتصمیم گیری وعمل داشته باشد ،نه آنکه چشم به دست مرد وگوش به فرمان او ،مجری بی- اراده بکن ونکن های شوهر باقی بماند .

مسئلهٔ اشتغال زن ورضایت مرد

قوانین خانواده دوران طاعوت ، اشتغال زن را موکول به رضایت مرد کرده بود ودرغیراینصورت ،یعنی چنانچه مرد شغل زن را مخالف با "شئونات" خود تشخیص میداد ،حق داشت از اشتغال زن جلوگیری کند . هنوز این قانون معتبر است و ،به گفته رئیس داد- گاههای مدنی خاص، **"اشتغال زن بدون رضایت مرد حرام است ."** (کیهان– ۲۶ بهمن ۶۰)

ولی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح میکند که :

"هرکسی حق دارد ،شغلی را که بدان مایل است ومخالف اسلام ومصالح عمومی و حقوق دیگران نیست ،برگزیند ." (اصل ۲۸)

در این اصل گفته نشده استکه مردان درانتخاب شغل آزادند و زنان نه .منتهی از آنجاکه مخالفت مرد با اشتغال زن میتواند منشاء اختلاف ها و درگیری های فراوان میان زن ومرد شود برای پرهیز ازجو نقار در خانواده و جلوگیری از محیط کشمکش و ستیز ، که در روحیه و زندگی آتی فرزندان اثرات نامطلوب باقی خواهد گذارد ،میتوان موافقت مرد را ضرورد انست . ولی یک مسئله را باید پیوسته در نظر داشت ،و آن عقب ماندگی چند صدساله جامعه ما درنتیجه حاکمیت مناسبات استعماری و نواستعماری است .این عقب ماندگی وحشتناک موجب شده است که بسیاری از ضوابط و معیارها نادرست انتخاب شوند وتعصب ها وجهالت ها وخودبینی ها و خود محوری ها برمناسبات افراد در خانواده وجامعه حاکم شود .یک شوهر نادان ومتعصب میتواند برای آنکه "چشم بیگانه بر رخسار همسرش نیفتد" ،حتی با اشتغال زنش بعنوان آموزگار هم مخالفت کند .بنابراین ، تشخیص مشاغل موافق ومخالف با "شئونات" نه برعهده مرد ، بلکه باید برعهده جامعه و مقامات قانونی باشد .جامعه ، باتوجه به درجه رشد خود ،مجاز است که این یا آن شغل را برای زنان منع کند ،ولی در عین حال وظیفه دارد که به مردان آگاهی دهد وبه تعصب های بی مورد وقضاوت ها و ارزیابی های برخاسته از نادانی و جهل میدان ندهد.این یکی از وظایف شوراهای داوری ودادگاه های خانواده است ،که برای جلب موافقت مردان نسبت به اشتغال زنان بکوشند ودرآنان نسبت به این امر مهم ،روشنی ایجاد کنند .

قانون اساسی دولت را موظف ساخته است ، تا **"با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همهٔ افراد ، اشتغال به کار وشرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید ."**

محتوای مردمی این اصل ،شامل همه شهروندان اعم از زن ومرد است ،و براین اساس نه فقط نباید زنان را به درون خانه ها راند ،بلکه باید شرایط مساوی رابرای زنان به منظور احراز همه مشاغل فراهم ساخت .میهن انقلابی ما برای طرد کامل امپریالیسم وشکوفائی اقتصادی ،به نیروی کار و مشارکت زنان در همهٔ عرصه ها نیاز جدی دارد .این واقعیت را فراموش نکنیم .

مبارزهٔ طبقاتی

در روند انقلاب ما روبه حدت می رود

● حفظ جنبهٔ ضدامپریالیستی انقلاب در پیوند عمیق با تحقق جنبهٔ عدالت اجتماعی آنست

درنتیجه پیدایش تقسیم کار و **پیدایش مالکیت خصوصی بروسایل تولید** درجامعه انسانی ،بتدریج طبقات و طبقات متخاصم پیداشدند ،وهر **نظام طبقاتی** دارای **ساختار طبقاتی** خاصی است .

این واقعیت ملموس تاریخی ، که کشف مارکسیستها نیست ، بلکه کشف مورخان بورژوائی سده نوزدهم است ، بوسیله سرمایه داری امپریالیستی و چاکرانش، ویاللعجب ، در جمهوری انقلابی اسلامی ما ، بوسیله عده ای انکار می شود .

مثلا می گویند "مرزتفاوت" در جامعه انقلاب اسلامی تنها بین مسلمان وغیرمسلمان است .نتیجه این می شود که گویا مستضعف محروم (که مسلمان باشد) با میلیاردر مسلمان بیشتر "برادر" است ،تا با مستضعف دیگری مانند خودش (که مسلمان نیست) ،واینکه تنها اخوت دینی مطرح است ونه اخوت طبقاتی وزمره ای ،نه اخوت مستضعفان روی زمین .

وقتی اسلام ازشعار **"مومنان همه برادران همند"** سخن گفت ،اتفاقا این شعار علیه نظام طبقاتی اشرافی ساسانی ورومی ، علیه کسانی بودکه با "زرینه کفش" راه می رفتند ،واین کلام بسود زحمتکشان پابرهنه بود . مدعیان بی خبر بروند و مذاکرات **"رستم فرخزاد ومغیرة ابن ابی شعبه"** را درجریان جنگهای مسلمانان باساسانیان بخوانند ! آنوقت معلوم می شودکه اسلام "مومن **بودن**" را با ستمگر و غارتگر **نبودن** ملازمه می داد و سپس بین چنین مومنانی اخوت را می – خواست و نه بین فلان دستفروش بی خانمان ومستمند با فلان حاجی غارتگر ومحتکر ، که باگردش قلم ده ها میلیون دلار را این ور و آن ور می کند . **دراخوت اسلامی ،اخوت استضعاف مستتر است ونهضت امام خمینی خواستار چنین اخوتی است .**

یاوقتی ازمالکیت سخن در میان می آید ،عده ای مالکیت خصوصی بر وسائل تولیدرا با مالکیت شخصی خلط می کنند ومطالبی ضدعلمی وضد واقعیت بخورد مردم می دهند .

حقیقت این است که سخن بر سر **مالکیت خصوصی بروسائل تولید** است و نه ازمالکیت بطور تجریدی .

مالکیت شخصی (که غیراز مالکیت خصوصی بروسائل تولید است) همیشه وجود داشته وهرانسانواری نیز ، که سنگی را برای شکار تصرف می کرده ،آنرا از آن خود می شمرده است ، یا پوست درنده ای راکه برپشت می کشیده ، بخود متعلق می دانسته است . حتی مرغان و موران دارای لانه وآشیانهٔ **"خود"** هستند .

پس **مالکیت شخصی مبتنی برکار** امری طبیعی است . تنها **مالکیتی** که مبتنی برغصب **ثمرهٔ کار** مولدان بلا – واسطه است (مثلاکارگران ودهقانان در **جامعه ما**)– واین خود درنتیجه تصرف وغصب وسائل تولید است (مثلا زمین و کارخانه ومستغلات **درجامعه ما**)– غیر طبیعی است وباید ازبین برود ونه هر **مالکیتی** ،زیراوقتی وسائل تولید ازآن **مولدان بلاواسطه** است ، **مالک وسرمایه – دار** در این میان چه کاره اند ؟

تازه منشاء طبقات تنها پیدایش **مالکیت خصوصی** نیست ، بلکه **تقسیم کار** یعنی جداشدن کشاورزی از دامداری ، بازرگانی از پیشه وری ،کارفکری از کار یدی نیز هست . تقسیم کار درقشربندی جامعه وپیدایش اقشار وطبقات درجامعه موثربوده است .

شما می بینید که درجامعهٔ طاغوتی سلطنتی **مالک وخان وسرمایه دار و بازرگان ثروتمند و صاحب اراضی و مستغلات شهری وصاحب مناصب عالی** ازسوئی **وکارگر صنعتی مزدبگیرودهقان بی زمین وکم زمین وپیشه ورفقیروکارمند وروشنفکر تنگدست** ازسوی دیگر وجود داشته اند . بااین ترتیب می شود گفت که جامعه محمدرضاشاهی یک جامعه طبقاتی نبوده است ؟!

یابیائید وبگوئید "آری ! آن جامعه طبقاتی بوده ،ولی دراثرانقلاب ما دیگر همه چیز حل شده واثری از طبقات ونابرابری های طبقاتی نمانده است ولذا آن مبارزه طبقاتی ،که درپایه اجتماعی انقلاب قرارداشته ،دیگرزائد و حتی قدغن است وسخن گفتن ازمبارزه طبقاتی هم کفراست " !

ولی آخر مگرنه این است که هنوز **مالک** بزرگ ودهقان بی زمین ، سرمایه – داربزرگ وکارگرمحروم ،ثروتمند وفقیر درجامعه ماوجود دارد ؟ مگرنه اینست که هم اکنون **مالک** بزرگ و دهقان بی – زمین در برابر هم قرارگرفته اند ، دهقان بی زمین می خواهد قانون اصلاحات ارضی بنیادی اجرا شود ،تا او هم بتواند از زمین خود کشت وبرداشت کند ،ومالک بزرگ باچنگ ودندان برای جلوگیری از تصویب واجرای این قانون تلاش می کند ،تابتواند شیره جان دهقان ستمدیده راهمچنان بمکد ؟مگر نه این است که سرمایه داربزرگ وکارگرمحروم دربرابرهم قرارگرفته اند ،کارگرمحروم می خواهد ازاستثمار رها شود ،تا بتواند از نتیجه دسترنج خود بهره مند گردد و سرمایه داربزرگ تمام اهرم های اقتصادی وسیاسی خودرا بکارانداخته است ، تا به استثمارادامه دهدونتیجه دسترنج کارگر رابرباید ؟مگرنه اینست که ثروتمندان و فقرادربرابرهم قرارگرفته اند ،فقرامی – خواهند بادستیابی به کاروبهداشت و فرهنگ و مسکن از زندگی انسانی برخوردارشوند وثروتمندان تمام نیروی اهریمنی خودرابکارمی برند ،تاباگرانی و احتکار وسودجوئی ،همچنان به غارت ادامه دهند ؟آیااین دوگروه :استثمار – گران واستثمارشوندگان ، غارتگران و غارت شدگان ، ستمگران وستمدیدگان ، سوداگران ومحرومان را می توان با هم آشتی داد ؟

پس نفی وجود طبقات ومبارزهٔ طبقاتی چیزی جز نفی واقعیت نیست .

انقلاب ما دارای دستاوردهای عظیمی است :ضربات جانانه به امپریا – لیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا و رژیم سلطنتی دست نشانده والیگارشی (قشر ممتاز) اطراف دربارپهلوی وارد ساخته است . چنین انقلابی بااین دستاورد ها درتاریخ کشورما بی نظیرودر منطقه کم – نظیر است .

ولی این انقلاب برحسب پویایی درونی وخصلت مردمی خود نمی تواند در نیمه راه بایستد .**امام خمینی** بارها گفته اند که **انقلاب ماهنوزدرنیمه راه** است ؛بارهاگفته اند که این **انقلاب** را **کوخ نشینان وزاغه نشینان وپابرهنگان کرده اند** ؛بارهاگفته اند که **کوخ نشینان وظیفهٔ جانبازی خود رادراین انقلاب و دراین جنگ علیه صدام انجام میدهند .**

پس انقلاب اسلامی ایران ، همان – طور که وعده داده است ، باید **قسط اسلامی** را برقرارکند .**قسط اسلامی یا** عدالت اجتماعی ، یعنی خاتمه دادن به غارتگری کسانی که معلوم نیست بچه سبب صاحب میلیاردها شده اند وهنوزهم از کارکارگر و دهقان ، عینا مانند بردگان ، بسود جیب فراخ بی تگ وپایان خود سود می برند .

به گفته امام خمینی – سند دست پینه بسته دهقان است که روی خاک جان می کند ومحصول بعمل می آورد ، نه اسناد قلابی زورگویان راهزن ، که درچارچوب حکومت سلاطین جعل شده است .

ثروت مادی ومعنوی جهان چه منشا دیگری دارد جز کارفکری ویدی ؟آیا آن موقع که انسان وافزارکارش نبود ، در طبیعت ثروتی بنام "تمدن مادی و معنوی" ، یعنی شهرها ،جاده ها ،پلها ، کارخانه ها ، بناها ، باغها ،کتابخانه ها ، تاترها ، دانشگاه ها ، مزارع ، اثاث ، لباس ومحصولات رنگارنگ وجود داشت؟ آیااینها بدون کارگروبناوآهنگروباغبان وزارع ونساج وخیاط و معلم ودانشمند و هنرمند ممکن بودوممکن است ؟

اکنون ده ها سال است که درکشور – های سوسیالیستی خانها و مالکان و سرمایه داران وبانکداران وسفته بازان و واسطه کاران وامثال این زالوها وکنه ها و شته ها وجود ندارند . مگرآنها آهنگ رشد اقتصادی خودرا به دوبرابرآهنگ رشد اقتصادی کشورهای رشد یافته سرمایه – داری ،امثال آمریکا ،نرسانده اند ؟

درخت عظیم کارمولد یدی وفکری بدون شته های انگل سرمایه داری وزمین – داری بزرگ بمراتب بهتر می روید و می بالدومی شکفدومیوه می دهد .

ازهمه اینها گذشته ، درانقلاب ما این همه خون ها برای چه ریخته شده ؟ بهشت زهرا چرا از اینهمه گورهای نو – جوانان وقشرهای زحمتکش ومحروم انباشته شده است ؟ اجراخروی به جای خود ، ولی قرآن می گوید : **"نصیب خودرا ازدنیا نیزفراموش نکنید !"** این "نصیب" غارتگری مسلمان از مسلمان نیست ، بلکه نصیبی است که ازطریق کسب وکار شرافتمندانه بدست آمده است .

گذشته ازهمه اینها ، مطلب بر سر اجراء قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است . درقانون اساسی **مالکیت عمومی** ومالکیت جمعی تعاونی **اشکال عمده مالکیت** است . مالکیت خصوصی در بازرگانی وتولید صنعتی وغیره **تاحدودی مجاز است که مزاحم آن دوشکل عمده نباشد** ،بلکه به آنها کمک کند . ولی اکنون مالکیت بزرگ خصوصی – اعم از سرمایه دار و زمیندار – به امپریالیسم جهانی تکیه داده وبدست سیاستمداران وابسته بخود (اعم ازلیبرال ها یا مسلمان – نمایان) بنام شرع می خواهند همهٔ دستاوردهای انقلاب راخردوپایمال کند . خطربسیار مهمی جوهراصلی انقلاب راتهدید می کند .

آری ، درمیان این مدافعان امروزی **مالکیت غارتگرانه** ،کسانی هم بودند که با انحصار طلبی خانواده پهلوی مخالف بودند ،ولی نه بخاطرمردم ، بلکه بخاطر خودشان . فرانسویها مثالی دارند و می گویند : **"توبرخیز که من بجای تو بنشینم"** .این شعاراین آقایان "اسلام – پناه" بود .حرص و ولع خودخواهانهٔ خانوادهٔ پلید پهلوی رانمی پسندیدند و- می گفتند : **"ما را هم از این نمدکلاهی است"**! والا برای آنها انقلاب وخلق و اسلام تنهاوتنهانردبانی بود . غافل از این سخن مولوی :

سُلّم این خلق ما و من است
عاقبت زنردبان افتادن است

نتیجه این بحث آنکه ،طبقات و مبارزه طبقاتی درمیهن ما ،علیرغم انقلاب عظیم بهمن ،کماکان وجود دارند، ودرشرایط زندگی کارگران ودهقانان بی زمین وکم زمین ومستمندان شهری ، متاسفانه و به تائید همه مسئولان ، هنوز تحول اساسی رخ نداده وکلان سرمایه – داران وبزرگ مالکان به انواع حیل همچنان مشغول ربودنند .

لذامبارزه طبقاتی درروند انقلاب مادمبدم شدت بیشتری می گیرد و به همین جهت نیروهای واقعا انقلابی ،که خواستاراستقرارعدالت احتماعی هستند وآنرا مهمترین نکته درسیاست داخلی انقلاب می دانند ،خواستارتعمیق وژرفش انقلابند وتحقق هدفهای انقلاب رابدون استقرارعدالت احتماعی محال میشمرند .

ولی آشکارا دیده می شودکه نیرو – های ارتجاعی ،ازامپریالیسم گرفته تا کلان سرمایه داران وبزرگ مالکان ، در تلاشند که بدست وابستگان سیاسی خود ، اعم ازلیبرال ها یا مسلمان نمایان ، انقلاب رامتوقف نمایند .

تعمیق انقلاب یامتوقف ساختن انقلاب ؟ مطلب اینجاست .

مبارزه برسردولتی کردن بازرگانی خارجی ، کنترل توزیع داخلی ،اجراء اصلاحات ارضی بنیادی بسود دهقانان بی زمین وکم زمین در سراسرکشور ، نمونه – های برجسته این دوبرخورد متضاد است .

همین مبارزهٔ طبقاتی را ما در زمینه های دیگرنیزمی بینیم ؛ازآنجمله مسئله تامین آزادیهای سیاسی و دمکراتیک است ،که درقانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح گردیده ، ولی پای ترمزکننده نیرومندی ماشین انقلاب رادراین زمینه نگاه داشته و به این راضی نمی شودکه قانون احزاب یا قانون مطبوعات رابشدت و در جهت ارتجاعی مسخ می کند ، بلکه حتی همان مقررات نیم بندرانیز بلااجراء میگذارد.

همین مبارزه درعرصهٔ سیاست خارجی نیز مطرح است ،که مضمون آن ، به گفته امام خمینی ،مطرح کردن شوروی برای **"منسی کردن "آمریکاست !**

راه حلهای ارتجاعی ونیم بند انقلاب مارا بسوی شکست خواهدبرد . باید باقاطعیت سمندچالاک انقلاب را تامقصد نهائی دواند ، یعنی : **پایگاه – های داخلی امپریالیسم – کلان سرمایه داری وبزرگ زمیندار ی – را کوبید** ، **بسود طبقات وقشرهای محروم جامعه** وعلیه **غارتگران اجتماعی تصمیمات روشن وقاطع عملی اتخاذکرد آزادی های مندرجه درقانون اساسی را محترم شمرد ،دوستان ودشمنان خود رادرعرصهٔ داخلی وجهانی تشخیص داد، نیروهای اصیل انقلابی رامتحد ساخت و به شورآورد** . درغیراین صورت انقلاب خواهدپوسید ، مردم رمیده خواهند شدو انقلاب به جانب شکست یامسخ خواهد رفت . ما این را با تمام روشنی وصراحت می گوئیم .

وما مطمئنیم که اگر انقلاب در جهت تحقق اهداف اصلی خود : **استقلال ،آزادی وعدالت اجتماعی** ، تعمیق پذیرد ،اگرهمه نیروهای انقلابی ، صرفنظرازتفاوت درعقایدسیاسی ، مسلکی ومذهبی ، تجهیزومتحد شوند ، پیروزی نهائی انقلاب قطعی است .

وقایع مهم جهان در یک هفته

پیشنهادهای سازنده کشورهای سوسیالیستی برای پیشبرد صلح

در **"گفتگوهای وین"** نمایندگی‌های کشورهای سوسیالیستی، باردیگر به‌ابتکار مهمی‌دست‌زدند. نماینده‌ٔ لهستان ازطرف هیئت‌های نمایندگی جمهوری دمکراتیک آلمان، جمهوری خلق لهستان، اتحاد شوروی‌وجمهوری سوسیالیستی چکسلواکی پیش نویس موافقت‌نامه‌ای را درباره‌ٔ تحدید دوجانبه سلاح‌ها و نیروهای مسلح در اروپای مرکزی درمرحله‌ای نخستین ارائه‌داشت. سند نامبرده، که نتایج مذاکرات مقدماتی گسترده‌راجمعبندی می‌کند، با رعایت منافع امنیتی همه کشورهای شرکت‌کننده در"گفتگوهای وین" تدوین شده است. این سند هدف نهایی این گفتگوها را تقلیل دومرحله‌ای شماره‌ٔ نیروهای کشور‌های سوسیالیستی وسرمایه‌داری به ۹۰۰۰۰۰ تعریف می‌کند. مرحله‌ٔ نخست تقلیل سلاح‌ها و نیروهای مسلح اتحادشوروی در ایالات متحده را دربرمی‌گیرد. برپایه این‌پیشنهاد نیروهای زمینی اتحادشوروی وایالات متحده آمریکا در اروپای مرکزی به ترتیب به میزان ۲۰۰۰۰ و ۱۳۰۰۰ نفر کاهش خواهد یافت.

خبرگزاری "تاس" ایالات متحده آمریکا را بخاطر انباشت جنگ‌افزار‌های امحای توده‌ای، ازجمله سلاح‌های شیمیایی، نکوهش کرد. بگزارش این خبرگزاری، **"رئیس جمهور ریگان پس از تصمیم به‌تولید بمب نوترونی و گسترش سلاح‌های استراتژیک، برنامهٔ چند میلیارد دلاری تسلیح شیمیایی را آغاز نهاده است"**

"تاس" خاطرنشان می‌سازد:

"این آخرین تصمیم نشان‌می‌دهد که، چراایالات متحدهٔ آمریکا سالها است از پیوستن به معاهده‌ای بین‌المللی درباره منع سلاح های شیمیایی سرباز می‌زند. "کاخ سفید" به کارزاری بهتان‌آمیز پیرامون به‌اصطلاح استفادهٔ اتحادشوروی از جنگ‌افزارهای سمی در افغانستان و آسیای جنوب خاوری دست یازیده است در واقع، اتحادشوروی یکی از نخستین امضا کنندگان "پروتکل ژنو" درباره منع جنگ‌افزارهای شیمیایی بوده و هیچگاه به این‌گونه سلاح‌ها توسل نجسته است. این ایالات متحده آمریکا بود که در ویتنام، لائوس‌وکامبوچیاچنین‌کرد".

"فدراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان" در بیانیه‌ای تصمیم دولت‌ریگان را درباره تولیدسلاح‌های جدیدشیمیایی **"اقدامی‌تجاوزکارانه"** خواند وافزود:

"ایالات‌متحده اتحادشوروی‌را به خاطرپیشنهاد آن درباره منع‌جنگ‌افزارهای هسته‌ای و از بین بردن ذخیرهای موجود به‌مبارزه طلبیده است."

لئونیدایل‌یی‌چوف، رئیس هیئت نمایندگی اتحادشوروی در "گردهم‌آیی مادرید"، ایالات‌متحدهٔ آمریکارا متهم‌ساخت که‌خواستار جلوگیری از روند تنشزدایی است. وی درجلسه عمومی این گردهم‌آیی گفت که:

"محافل‌نظامی‌ایالات‌متحده آمریکا هیستری سیاسی و ایدئولوژیک شرم‌آوری را برای جلوگیری از روند عادی شدن اوضاع درلهستان و تبدیل این کشور به‌منبع دائمی تنشزدایی در اروپا برپا کرده‌اند".

به‌گفته **لئونیدبرژنف**، صدر هیئت رئیسه شورای‌عالی و دبیرکل کمیتهٔ مرکزی حزب‌کمونیست اتحادشوروی، **"حیاتی‌ترین و فوری‌ترین وظیفه‌خلق‌ها نگهداشتن صلح است."**

برژنف این سخنان را در پیامی خطاب به‌خوانندگان‌هندی مجموعه‌ای از سخنرانی‌های خود نگاشت. رهبر شوروی خاطرنشان‌ساخت‌که:

"نیروهای تجاوزکار امپریالیسم خواستار تحمیل نظرات‌خود برکشور‌های مستقل و مداخله در امور آن‌ها هستند. در تحلیل نهایی، هدف از تلاش آن‌ها جلوگیری از پیشرفت سوسیالیسم و سرکوب جنبش‌های‌آزادی بخش ملی است."

لئونیدبرژنف تعهد اتحادشوروی‌ر درباره کاهش به‌سرای جنگ‌افزارهای هسته‌ای خود برپایه برابری و امنیت برابر تکرار کرد. وی در پاسخ به نامه یک‌سازمان استرالیایی هوادار همکاری بین‌المللی و سلاح‌زدایی نوشت که، اتحادشوروی‌آماده‌است همه‌پیشنهاد‌های طرف‌مقابل‌را به‌دقت‌مطالعه‌کند. وی پشتیبانی خود را از **"تعادل‌نظامی در سطحی پایین‌تر"** اعلام‌داشت.

برژنف افزود:

"مهم‌ترین مسئله در این زمینه دست‌یابی به‌نتایج سازنده درگفتگو‌های میان اتحادشوروی وآمریکا درژنو درباره سلاح‌های هسته‌ای میان‌برد در اروپاست. این وظیفه دارای اهمیت جهانگیر است، زیرا که هرمخاصمه هسته‌ای دراروپا به‌گونه‌اجتناب‌ناپذیری به‌فاجعه‌ای‌جهانی بدل‌خواهد شد."

رهبر شوروی اعلام‌آمادگی‌کرد که با آمریکا بی‌درنگ مذاکرات در بارهٔ جنگ‌افزارهای هسته‌ای میان‌برد، منع سلاح‌های هسته‌ای و تحدید فعالیت‌های نظامی در اقیانوس‌هند را از سر اگیرد. همه‌این‌گفتگوهارا ایالات متحده یک‌سویه‌قطع کرده‌است.

لئونیدبرژنف نوشت که. دلیلی نمی‌بیند که محدودیت‌های فعالیت‌های نظامی را نتوان به‌اقیانوس‌آرام نیز گسترش داد.

برژنف درپایان‌اظهاراطمینان کرد که:

"در پرتو پیکار سرسختانه خلق‌ها خرد سرانجام چیره خواهد شد و از فاجعه‌هسته‌ای جلوگیری به‌عمل‌خواهد آمد."

سازمان استرالیایی هوادار صلح نامه‌ای همانند نیز به‌ریگان فرستاده است.

در کنفرانس کشورهای رشدیابنده

سیاست نواستعماری کشورهای امپریالیستی محکوم شد

نمایندگان‌بسیاری‌ازکشورها، ازجمله ایران، کشورهای‌امپریالیستی به‌ویژه‌ایالات‌متحده‌آمریکا، رابه‌خاطرواپس‌ماندگی اقتصادی کشورهای‌نوپا ملامت کردند. آن‌ها در کنفرانسی در دهلی شرکت داشتند، که‌نمایندگان ۴۴ کشور رشدیابنده آسیا، آفریقاو آمریکای‌لاتین را دربرمی‌گرفت.

ایندیراگاندی در سخنرانی گشایشی‌خود در روز ۳ اسفند ۶۰ (۲۲ فوریه۸۲) خواهان ایجاد یک‌نظام‌جدید اقتصاد بین‌المللی، **"استوار بر برابری و عدالت"** شد.

نمایندگان‌کوبا و ویتنام تاکیدکردند که‌ایالات متحده‌آمریکا می‌کوشد، تابارسنگین‌بحران جهان‌غرب‌را به‌دوش کشورهای‌رشدیابنده‌بگذارد.

نماینده‌ٔهند کوشش آمریکا را برای وابسته‌ساختن کمک به‌کشورهای رشدیابنده به‌قیودسیاسی محکوم‌کرد.

دسیسه‌های آمریکا و اسرائیل در خاورمیانه

در کرانه‌باختری رود اردن، که در اشغال اسرائیل‌است، اعتصاب همگانی به‌اعتراض علیه‌بستن دانشگاه **بیرزید**، درنزدیکی **رام‌الله**، برپاشد. درشهرهای دیگر نیز تظاهرات گسترده ضداسرائیلی صورت گرفت. مقامات اشغالگر با گسیل گردان‌های ارتش و تیراندازی به‌سوی مردم به رویارویی با آن‌ها پرداختند. چندین تظاهرکننده مجروح شدند.

"شورای‌امنیت" به‌قطعنامه‌ای درباره‌افزایش **"نیروهای‌پاسدارصلح"** سازمان‌ملل متحد در لبنان به‌میزان ۱۰۰۰ نفر رای مثبت‌داد. این‌سپاه سه سال پیش به‌تصمیم **"شورای‌امنیت"** و پس ازتجاوزات اسرائیل به‌جنوب‌لبنان به‌کشور اخیر اعزام‌شد. وظیفه آن کمک به‌دولت‌لبنان برای استقرارحاکمیت خوددرمناطق‌جنوبی‌است. سیزده‌عضو **"شورای‌امنیت"** به پیش‌نویس قطعنامه رای موافق و اتحادشوروی و لهستان به‌آن رای ممتنع دادند.

روزنامه "پراودا" (اتحادشوروی) در مقاله‌ای نوشت:

"ایالات متحده برای پیشبرد منافع دیرین نظامی ـ استراتژیک خود و به زیان امر صلح عادلانه، کوشش می‌ورزد. "واشنگتن" بدین‌سان تلاش‌می‌کند، تااوضاع را به‌حالت‌مخاصمه‌وارکنونی نگه‌داردوپیمانی، متشکل از اسرائیل و رژیم‌های مرتجع عرب، علیه اتحادشوروی و متحدان آن برپا سازد. ایالات‌متحده‌آمریکا برروی اجرای‌تبانی ورشکسته "کمپ دیوید" اصرار دارد و ازسیاست‌تجاوزکارانه و گسترش‌جویانه‌اسرائیل پشتیبانی می‌کند."

خلبانان آمریکائی مردم السالوادور را بمباران می‌کنند

به گفتهٔ یک سخنگوی وزارت‌دفاع ایالات متحدهٔ آمریکا، از مجموع پنج گردان "خونتا"ی السالوادور، چهارگردان در پایگاه‌های آمریکا در پاناما آموزش خواهند دید.

به گزارش "یونایتد پرس اینترنشنال"، اکنون هزار سرباز السالوادوری در فورت براگ (کارولینای شمالی) و ۵۰۰ تن در فورت بینینگ (جورجیا) تعلیم می‌بینند.

درخود السالوادور، چند صد کارشناس نظامی آمریکا در طرح و اجرای "عملیات تنبیهی" شرکت دارند. یکی از کمپانی‌های تلویزیونی آمریکا یک "مشاور" نظامی ایالات متحده آمریکا را، در حالیکه سلاح دردست داشت، نشان داد. علیرغم این واقعیات، رئیس جمهور ریگان در کنفرانس‌مطبوعاتی گفت:

"ایالات متحده قصد آنرا ندارد که نفرات خود را درعملیات جنگی شرکت دهد"!

یک خبرنگار"یونایتد پرس اینترنشنال"، که از یکی از مناطق آزاد شده دیدار کرد، زندگی را دراین مناطق **"آرام و صلح آمیز"** خواند. به گفتهٔ وی، مردم این منطقه به احداث مدارس، کانون‌های پزشکی، تعاونی‌های کشاورزی و کمیته‌های ویژهٔ ثبت ازدواج و ولادت پرداخته‌اند. آن‌ها به خبرنگار "یو.پی آی." اظهارداشتند که:

"ازته قلب هواخواه نیروهای میهن دوست هستند و از مبارزهٔ آن‌ها علیه "خونتا"ی وابسته به آمریکا پشتیبانی می‌کنند"

انقلابیون السالوادور حملات نیروهای "خونتا" را در سان آنتونیو و ال سی چیو در بخش خاوری کشور دفع کردند. آن‌ها با انفجار دو پل دسترسی "خونتا" را به مناطق زیر کنترل خود قطع ساختند. یک گردان پارتیزانی زنان بنام سیلویا نیروهای‌دولتی را درمنطقه کوهستانی مالاکارا درگیر کرد و صدمات‌فراوانی به آنهاوارد آورد.

بگزارش "رادیو ون‌سرموس"، خلبان‌های آمریکایی در"عملیات تنبیهی" شرکت مستقیم دارند و بمب‌های ناپالم، فسفری و ۳۰۰ کیلوگرمی به روی غیرنظامیان می‌افکنند.

"شورای جهانی صلح" بیانیه‌ای دربارهٔ کشتار گستردهٔ غیرنظامیان درالسالوادور پخش کرد. این بیانیه از واقعیت‌های مشخص سخن می‌گوید و ازبسیاری از قربانیان، ازجمله کودکان، نام می‌برد. **"شورای جهانی صلح"** "خونتا"ی وابسته به آمریکا را مسئول این کشتارها می‌خواند و **"کمیسیون‌حقوق بشر سازمان ملل متحد"** را فرامی‌خواند که، به خلق کشی درالسالوادور پایان بخشید و مهم‌ترین حق بشر، یعنی حق حیات، را برای مردم السالوادور تامین سازد.

تلویزیون شوروی فیلمی دربارهٔ ددمنشی‌های دژخیمان "خونتا" نشان داد. نمایندگان سازمانهای انقلابی عکس‌هایی را از سالمندان، زنان و کودکان السالوادوری نشان دادند، که به دست عمال رژیم السالوادور فجیعانه به هلاکت رسیده بودند. به گفتهٔ آن‌ها، "خونتا" قصد دارد ناراضیان را سربه نیست کند درفیلم همچنین کارشناسان آمریکایی دیده می‌شدند، که در رهبری "عملیات تنبیهی" شرکت داشتند.

آرتو ریویرا ای داماس، بزرگ اسقف السالوادور، وحشیگری سربازان و ماموران "امنیتی" "خونتا" را در برابر مردم به باد انتقاد گرفت. وی دریکی از موعظه‌های خود گفت که، سربازان مردم بیگناه‌را دستگیر و آنها را درجریان بازجویی شکنجه می‌کنند. در ایالات متحدهٔ آمریکا بیش از ۳۵۰ رهبر مذهبی در نامهٔ سرگشاده‌ای به "کنگره"خواستار قطع کمک‌های آمریکا به السالوادور و فراخواندن "کارشناسان" آمریکایی از آن کشور شدند.

اتحاد مردم
ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

صاحب‌امتیازومدیرمسئول:
محموداعتمادزاده (م.ا. به‌آذین)
آدرس: تهران، منطقهٔ ۱۳ پستی
صندوق‌پستی ۳۱۴/۱۱۱۷

یاروزلسکی:

در لهستان اصلاحات ادامه خواهد یافت

درورشوپلنوم کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان برای بررسی تقویت وحدت حزب ووظائف آن درزمینه مبارزه درراه تحکیم حاکمیت خلق وپاسداری ازسوسیالیسم تشکیل شد.

وویتسخ یاروزلسکی، دبیراول کمیته مرکزی، ازطرف هیئت سیاسی به کمیته مرکزی گزارش داد.

یاروزلسکی ازتلاش کشورهای غربی بویژه ایالات‌ متحده آمریکا، برای مداخله دراموردداخلی لهستان انتقاد کردوعزم کمونیست های لهستان را برای پاسداری ازدستاوردهای سوسیالیسم بیان داشت. وی گفت:

"امیدهای غرب برای عقب راندن چرخ تاریخ درلهستان توهمی بیش نیست".

یاروزلسکی تاکیدکرد که **"ضد انقلاب پیروزنخواهدشد"** وهشدار داد:

"به آنهائی که هنوزقصددارندبه فعالیت های خرابکارانه خودادامه دهندوبه ترورتخریب دست یازند، بهیچ روی رحم‌نخواهدشد. در لهستان حکومت نظامی بخودی خود هدف نبودوتنهابخاطرعادی سازی اوضاع برقرارگردید. شکی نیست که دراین‌راستابه‌موفقیتهایی‌دست‌یافتیم. اصلاحات درکشورادامه خواهدیافت وپایه تحکیم‌وتحول دموکراسی‌سوسیالیستی‌خواهدبود".

هربرت ونر، سیاستمدارنامدار آلمان فدرال، به دیدارخوداز لهستان پایان داد. وی که رئیس فراکسیون "حزب سوسیال دمکرات آلمان (غربی)" در "بوندستاگ" (پارلمان آلمان فدرال)است، از**وویتسخ یاروزلسکی** نیزدیدن کرد.

دوطرف خاطرنشان ساختندکه سیاست تنش‌زدایی وهمکاری، سیاستی اجتناب ناپذیراست. آنهاکوشش برای استفاده ازاوضاع داخلی رابرای دامن زدن به وخامت شرایط بین‌المللی را" **زیانبار**" خواندند.

ویکتورگریشین، عضوهئیت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی‌گروههای فرمانروادرایالات متحده آمریکاوبرخی ازدیگرکشورهای غربی رابخاطر **"تلاش خودبرای تبدیل رویدادهای لهستان‌به‌بحرانی جهانی واحیای شرایط‌جنگ سرد"** محکوم کرد. بگفته‌او، این محافل **"کارزارتبلیغاتی‌راعلیه‌لهستان واتحاد شوروی** آغازنهاده‌اند. **ودرقبال لهستان به تحریم اقتصادی وتحدید آذوقه رسانی به آن کشوردست‌زده‌اند".**

ویکتورگریشین افزود:

"این واکنش تبه کارانه پی آمد شکست دسیسه های امپریالیسم علیه لهستان بود. مقامات لهستان بااقدام بایسته وقاطع خودازکودتائی ضدانقلابی‌جلوگیری کردند، که در فراسوی اقیانوسهاطرح ریزی شده بود".